

چرا کارنامه؟



دکتر قدیر نصری؛

ریس پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه

رسم غالب در زمانه حاضر، اجتناب از نشر مکتوب کارها و اکتفا به انباشت مطلب در فضای مجازی است. بسیار دیده‌ایم و می‌بینیم که دانشجویان و محققان امروزی، مدام اسکرین می‌گیرند، سیو می‌کنند و از بو کردن کتاب، نوشتن با خودنویس، فیش‌برداری سنتی و حتی مطالعه کتاب گریزانند! در رویه امروزی‌تر، نرم افزارهای پیشرفته و مجهز به اپلیکیشن چت.جی.بی.تی و هوش مصنوعی، رسماً برای ما کتاب می‌نویسند، تیتراژ پیشنهاد می‌دهند و مقاله نوشتن برای آنها عین آب خوردن است! اخیراً در معیت جمعی، در مورد انتخاب نام متناسب برای «مدرسه مهارت» مرکز، از هوش مصنوعی مدد خواستیم! در عرض چند ثانیه، هشت عنوان بسیار جذاب پیشنهاد کرد و همه ما را حیرت زده کرد!!! به اتفاق جمعی که حاضر بودیم و اعضای جمع غالباً ذهن مفهوم‌سازی داشتند و اکثراً فارسی دان و خوش قریحه بودند، این سوال را طرح کردیم که با این وصف، آیا نیازی به اندیشه بشر هست؟ چگونه می‌توان کار دست را از کار فن تشخیص داد؟ آیا مقولاتی مانند پایان‌نامه، مقاله، یادداشت‌نگاری، ترجمه، پاورپوینت و کلاً اندیشیدن و منتشر کردن موضوعیت دارند؟ یکی از اعضای نکته سنج جلسه، نکته‌ای ناگفته گفت و همین نکته موجب شد همچنان متن مکتوب

را ارجمند و شایسته بشماریم. او گفت: همه این ابزارها محصولات تولیدی و مطبوع را فراوری می‌کنند و دیتا بیس یا بانک داده‌های آنها همان متن‌های مکتوب ده‌ها سال پیش هستند. یعنی اگر چنانچه دیده می‌شود مقاله خوب در زبان انگلیسی هست و در زبان بنگالی نیست بدین دلیل است که متن زیادی به زبان بنگالی نگاشته و تولید نشده است. لذا نوشتن مقاله تازه (نه به هم چسباندن متون موجود) همچنان موضوعیت دارد و دسترسی آسان و ارزان و سریع به بانک داده‌های موجود مانع نگارش نکته‌های تازه نیست. به سخن دیگر، نوشته‌های تازه حکم علوم پایه برای رشته‌های کاربردی را دارند یعنی علوم پایه رشد نکند و پایه‌های تازه برای دانش‌گذار رشته‌های کاربردی، مجبور به تکرار و تلخیص داده‌های موجود هستند و از نکته‌های تازه خبری نیست.

بر این اساس دست به کار شدیم تا کارهای ارزشمندی طی یک سال اخیر شده است را در کارنامه ثبت کنیم. اول بار، جناب آقای سید حسین موسوی، لیده انتشار «خبرنامه» را طرح کردند تا در تاریخ مرکز ثبت و حفظ شود. این ایده را با دکتر شهاب دلیلی، این جوان خلاق و بااخلاق درمیان نهادیم و نتیجه، «کارنامه» ای شد که دفتر نخست آن پیش روی شماست.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات
استراتژیک خاورمیانه

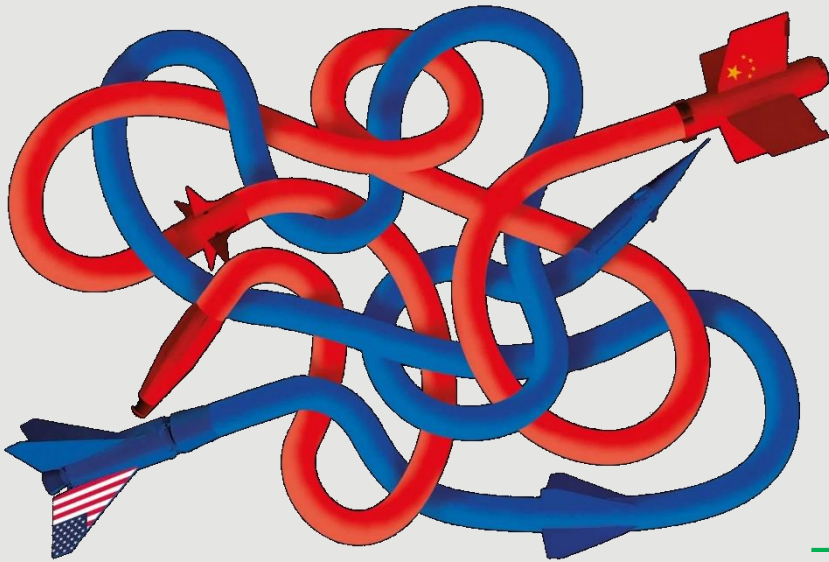


حسب اعلام وزارت علوم در تاریخ یکم مرداد ماه ۱۴۰۱، فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه در آستانه سی‌امین سال و یا یکصد و هفتمین فصل انتشار، موفق گردید با رعایت ضوابط و استانداردهای اعلامی از سوی وزارت علوم (موضوع بخشنامه اردیبهشت ۱۳۹۸) رتبه علمی پژوهشی را احراز نماید. به مدد هدایت تمامی اساتید و پژوهشگران ارشد و مهمان مرکز و مقالات دریافتی از طریق سایت فصلنامه، این مجله علمی، فقط و فقط محل و محل انتشار تحقیقات جدید، جدی، کاربردی و تخصصی مانا خواهد بود. انشاءالله

و تخصصی مانا خواهد بود. انشاءالله



تصویر جلد فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات خاورمیانه



آینده رقابت چین و آمریکا در غرب آسیا

سید حسین موسوی

مدیرمسئول فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه و رئیس مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

سرانجام نسبت به تحرکات اخیر چین در خاورمیانه ابتدا با اعزام طلایه داران فناوری نظیر ایلان ماسک و بیل گیتس و سپس با ارسال وزیر خارجه خود به چین واکنش نشان داد. فراروی چین از سطح روابط اقتصادی با کشورهای غرب آسیا به سطح سیاسی - امنیتی که در حصول توافق میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان در پکن پرده برداری شد، زنگ های هشدار را در آمریکا به صدا درآورد. آمریکا ابتدا تلاش کرد این توافق را کم اهمیت جلوه دهد و این مسأله را به تنش در روابط خود با کشورهای حوزه خلیج فارس مرتبط نداند. دولت بایدن تأکید کرد روابط محکمی با عربستان دارد و گفتگوی سه جانبه چین، ایران و عربستان از چشم این کشور دور نبوده است.

در واکنش بعدی از چنین توافقی میان سه کشور صرف نظر از آنکه چه کسی آن را مدیریت کرده است، استقبال کرد و آن را باعث کاهش تنش در منطقه قلمداد کرد. در همین ارتباط یک مقام آمریکایی تأکید کرد که آمریکا و چین بر ایجاد ثبات و استقرار در آبراه خلیج فارس مصلحت مشترک دارند. و هر دو کشور امنیت این آبراه را برای تداوم جریان انرژی ضروری می دانند. در سطح سوم از واکنش ها آمریکا هر گونه عقب نشینی از منطقه خاورمیانه را رد کرد و با انجام یک سلسله اقدامات نظامی و حضور بیشتر ناوگان دریایی خود و با برگزاری مانورهای دو جانبه و چند جانبه با کشورهای جنوبی خلیج فارس تلاش کرد سطح نفوذ خود را یاد آور شود. با وجود این تأکیدات در سطوح دیپلماتیک و تحرکات سیاسی - نظامی اما کارشناسانی در کشور آمریکا معتقدند که نظام جغرافیایی راهبردی در غرب آسیا تغییر کرده است و دیگر آمریکا تنها قطب تاثیرگذار در حوزه جهان عرب و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به ویژه عربستان نیست.

افزون بر چین به عنوان یک قدرت نو ظهور که در ارتقاء چشمگیر روابط با کشورهای غرب آسیا همچنان پیشتاز است، روسیه را نیز نمی توان از نظر دور داشت. روس ها به کمک سوریه و ایران از سال ۲۰۱۵ در غرب آسیا حضور فعال پیدا کرده بودند. با برگزاری مانورهای مشترک چین - روسیه و ایران در سال ۲۰۲۲ که در سال ۲۰۲۳ نیز تکرار شد، پیام روشنی به آمریکایی ها واصل شد که جهان تک قطبی در این منطقه از

جهان به تاریخ پیوسته است. به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها به همان میزان که نگران گسترش قدرت روسیه در اروپا هستند، در غرب آسیا نیز تحرکات چین را با نگرانی دنبال می‌کنند. این نگرانی در اسناد امنیت ملی و سخنرانی‌های رهبران آمریکا به خوبی دیده می‌شود.

در سند استراتژی دفاع ملی آمریکا آمده است چین در صدد ایجاد زیر ساخت‌های جدید و تأسیس پایگاه‌های برون مرزی برای نمایش قدرت نظامی و امنیتی خود در فراتر و دورتر از سرزمین خود است. افزون بر غرب آسیا، دیگرانی نیز در شرق آسیا نظیر ژاپن، کره جنوبی و استرالیا توسعه‌طلبی‌های چین را بسیار جدی گرفته‌اند. آنان خطر تبدیل شدن رقابت چین و آمریکا را به یک جنگ تمام عیار بسیار محتمل می‌دانند. دلیلی وجود ندارد که آبراه خلیج فارس که به زودی به صحنه رقابت‌های اقتصادی تبدیل خواهد شد، خطر جنگ را به غرب آسیا نیز انتقال ندهد. اساساً پیش‌بینی می‌شود که یکی از مناطق بسیار جدی در رقابت آمریکا و چین همین منطقه باشد. به ویژه آنکه متحدان سنتی آمریکا با حجم گسترده روابط همه جانبه خود با چین، پای این کشور را به خاورمیانه باز کرده‌اند.

در جانب دیگر آبراه نیز ایران، پاکستان و افغانستان اشکال دیگری را از توسعه روابط با چین تجربه می‌کنند که اصولاً دور از چشم آمریکا اتفاق می‌افتد. اولویت‌های امنیت ملی چین نیز گواهی بر اراده این کشور در عبور از سطح اقتصادی به سایر سطوح نظامی، امنیتی و سیاسی در جهان می‌دهد. در دایره‌های نخستین امنیت ملی چین امنیت و اقتدار درونی است، سپس موضوع تایوان، سین کیانگ، تبت و مغولستان مهم می‌شوند.

رشد اقتصادی و نوسازی ارتش با هدف کاهش فاصله توان نظامی از آمریکا اولویت‌های دیگر هستند. همچنین کمربند دریایی چین در شرق آسیا و غرب اقیانوس هند و نیز ابتکار یک کمربند، یک جاده بر اساس جغرافیای خشکی پایه از دیگر اولویت‌های چین است که زیرساخت‌های آن به سرعت در پایانه‌های دریایی کشورهای مختلف و گسترش صنعت حمل و نقل در دست انجام است. البته، تقریباً در همه این موارد رقابت و احیاناً خصومت جدی میان آمریکا و چین به چشم می‌خورد. برای مثال آمریکا با استقرار چند صد هزار سرباز در منطقه شرق آسیا و اقیانوسیه به صورت پیوسته چین را مورد آزار قرار می‌دهد. اگرچه چین در آبراه خلیج فارس هنوز نیروی فرامنطقه‌ای ندارد و این آمریکایی‌ها هستند که بر جریان انتقال نفت و کالا نظارت دارند، اما دیری نخواهد پایید که چین نیز برای حفاظت از جریان تجاری خود با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیروی نظامی مستقر کند. متحدان سنتی آمریکا از بروز افزایش تنش به شدت نگران هستند، زیرا مطمئن نیستند که آمریکا به تعهداتش نسبت به امنیت آنان وفادار باشد. کاهش تنش و بهبود روابط عربستان با سایر کشورهای منطقه، همسایگان و نیز جمهوری اسلامی ایران را باید در همین راستا ارزیابی کرد.



آشفتگی!



دکتر ابوالقاسم قاسم زاده
عضو شورای راهبردی مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

آنچه که «نتانياهو» فرمانده ارتش صهیونیستی تا اینجا به جای گذشته، «نسل‌کشی و زمین سوخته» است. این دستاورد ارتش اسرائیل، موجب آشفتگی در سراسر منطقه شده است. همین آشفتگی موجب شد تا خانم کلیتون در مناظره انتخاباتی با ترامپ از سر قدرت‌طلبی دولت آمریکا به صورت علنی بگوید: «داعش را ما ساختیم»؛ اگرچه سلطه رسانه‌ای صهیونیست‌ها در نیویورک، این اعلان علنی او را که زمانی وزیر خارجه آمریکا بود، به محاق خبری در صحنه اخبار بین‌المللی و در داخل آمریکا برد. «داعش» اما همچنان بازوی آمریکا در اشاعه تروریسم در منطقه خاورمیانه از سوریه تا افغانستان و در برابر جمهوری اسلامی ایران است. آخرین عملیات تروریستی داعش در مراسم «یادبود» سردار شهید اسلام، «قاسم سلیمانی» بود که موجب شهادت زنان و کودکان و مردان عزاداری شد که برای بزرگداشت سردار شهید خود در مزار او در کرمان حضور یافته بودند. واقعیت میدانی این است که دولت آمریکا به صورت استراتژیکی ساختن گروه‌های تروریستی را با همکاری رژیم صهیونیستی اسرائیل همچنان در دستور کار خود دارد. در ایران، سوریه، عراق و پاکستان سال‌هاست که این سیاست، انجام می‌پذیرد و همچنان ادامه دارد. دولت بایدن نیز همین استراتژی تروریستی را برای مقابله با دولت‌های مسلمان منطقه دنبال می‌کند و آن را بسترساز هژمونی طلبی خود و دولت اسرائیل بر سراسر منطقه و در اغلب کشورهای اسلامی می‌داند. به یاد دارید، هنوز اقدام گروه مقاومت حماس انجام نگرفته بود که «اردوغان» در ترکیه یکبارہ اعلان کرد یک تشکل تروریستی اسرائیلی را در ترکیه از پی عملیاتی ضربتی نابود کرده است و این خبر مدت کوتاهی در صدر اخبار منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفت؛ آن هم زمانی که ترکیه و اسرائیل روابط دوجانبه رسمی داشتند. اکنون در کردستان عراق که یکی از پایگاه‌های اطلاعاتی - جاسوسی اسرائیل است و در مرز ایران و پاکستان با انجام عملیات سپاه پاسداران، بر ادامه این استراتژی تروریستی «نسل‌کشی و زمین سوخته» ضربه وارد شده است. اگرچه در هیاهوی تبلیغاتی رسانه‌ای غرب آن هم در زمانی که دولت آمریکا خاک یمن را موشک باران می‌کند، به جای تأکید بر ساختن گروه‌های تروریستی در کردستان عراق یا در بلوچستان

پاکستان و ایران، جریان سیاسی - اطلاعاتی به راه افتاده تا نشان دهد در سراسر منطقه و کشورهای مسلمان آن، این جمهوری اسلامی ایران است که هرج و مرج و بحران را دامن می‌زند و می‌خواهد! آن هم در حالیکه نمایشی از بازدارندگی در کشتار و قتل عام فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی و در غزه را نشان می‌دهد. همزمان خط هوایی تدارکات جنگی واشنگتن - تل‌آویو به صورت مستمر برقرار است و ارتش رژیم صهیونیستی با بمب افکن‌های آمریکایی سراسر مناطق فلسطینیان را به صورت مستمر بمباران می‌کند! سکوت و بی‌عملی دولت‌های عربی در خلیج فارس نیز بستر ساز ادامه این فاجعه بزرگ بشری است. «آشفتگی» نه یک تاکتیک که استراتژی سلطه آمریکا - اسرائیل در خاورمیانه و کشورهای اسلامی است. این استراتژی ضد وحدت کشورهای مسلمان است. جمهوری اسلامی ایران در تبیین سیاست خارجی‌اش، اصل «وحدت» مسلمانان و دولت‌ها در کشورهای اسلامی را نه تنها باور نظری و مفهومی خود می‌داند که همواره در میدان عمل نیز نشان داده است. زیرا امنیت در کشورهای اسلامی را بخشی از باور دینی و ملی خود می‌شمارد. در همین کردستان عراق، تروریسم صهیونیستی - آمریکایی برای آشوب و اضمحلال آن سراسر خاک عراق را آشفته و بحران زده کرد، تا آنجا که دولت وقت کردستان خود را در آستانه سقوط دید و از «قاسم سلیمانی» درخواست کرد برای نجات کردستان و عراق بیاید. قاسم سلیمانی نه تنها کردستان عراق که سراسر کشور عراق و سپس سوریه را از اشغال کامل تروریست‌های دست پرورده آمریکا و اسرائیل نجات داد. سال‌های سال است شعاع مرزی ایران و پاکستان را اتحاد تروریستی (واشنگتن - تل‌آویو) در هم ریخته است. این قاسم سلیمانی سردار جمهوری اسلامی بود که سردار ضد گروه‌های تروریستی در مرزهای ایران و پاکستان نامیده شد. دولت‌های کشورهای برادر ما، پاکستان و عراق به خوبی این تاریخ را می‌دانند و به یاد دارند. اکنون نیز در پاکستان، عراق، سوریه، لبنان و سراسر فلسطین اشغالی تفکر و باور به این که شهید قاسم سلیمانی با دستور مستقیم «ترامپ» رئیس جمهوری وقت آمریکا، به شهادت رسید، همچنان ادامه دارد. واقعیت این است که مفهوم «استقلال» کشورهای مسلمان در منطقه را سردار قاسم سلیمانی در میدان عمل تثبیت کرد. ما اکنون دو فصل تاریخی داریم؛ فصلی که همواره، استقلال کشورهای مسلمان خاورمیانه مورد هجوم استراتژیکی آمریکا و اسرائیل بود و اکنون مقاومت در سراسر منطقه در تقابل با چنین استراتژی در میدان عمل ایجاد شده است تا ریشه اصلی آشفتگی و بحران را در سراسر خاورمیانه و کشورهای اسلامی نابود سازد. دولت‌های لبنان، سوریه، عراق، پاکستان و... به خوبی از گذر این تاریخ آگاهی دارند که جمهوری اسلامی ایران همچنان هزینه پرداز برای اصل پایداری «استقلال»، وحدت و سازندگی در خاورمیانه مسلمان است. استراتژی آمریکا و اسرائیل، «آشفتگی» در سراسر خاورمیانه و کشورهای مسلمان آن است.



چین و انتخاب‌های آمریکا



حسین دهشیار

پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

تجارب تاریخی در قلمرو روابط بین‌الملل که با رویارویی آتن و اسپارت با توجه به نتایج آن کلید خورد و گزاره‌ها و پیش‌فرض‌های تئوریک هویت بخش سه نحله فکری کلان روابط بین‌الملل مورد استناد امروزی، نگاه را متوجه این مهم می‌سازد که تحول و دگرگونی در چگونگی توزیع توانمندی‌ها از یک سو و چگونگی توزیع انگاره‌ها از سویی دیگر به ضرورت و بدون استثنا منجر به تنش در پائین‌ترین سطح و یا بحران در بالاترین سطح در سیستم بین‌الملل می‌گردد. این اصل را باید سرنوشت محتومه در

میان بازیگران برتر در گستره سیستم قلمداد ساخت و آن را مبنای تجزیه و تحلیل شرایط حاکم و چارچوبی برای پیش‌بینی ماهیت تعاملات بین بازیگری در پیش رو ترسیم ساخت. در دو دهه‌ای که از آغاز قرن جدید گذشته آنچه به وضوح قابل رویت می‌باشد و بازیگران برتر صحنه بین‌المللی به آن وقوف کامل دارند همانا دگرگون شدن ماهیت تعاملات چین و آمریکا در مقام مقایسه با دهه‌های پایانی قرن گذشته که از ۱۹۷۹ رقم خورد باید ترسیم گردد. در طی نزدیک به نیم قرن کشور چین از زمره یکی از فقیرترین کشورهای جهان سوم در جایگاه دومین قدرت اقتصادی جهان قرار گرفته است. رهبران چین

چین در طی این دهه‌ها با درایت فراوان در مسیری که دنگ شیائو پینگ آن را تعریف نمود و شیوه‌هایی که عقلایی مفصل‌بندی گشته بودند طی طریق را هویت بخشید. این مسیر از یک سو مبتنی بر آگاهی به الگویی است که آمریکا در قرن نوزدهم در رابطه با چگونگی نقش آفرینی در صحنه جهانی با به وجود آوردن کمترین هزینه برای کشور طراحی نمود. چون هدف رساندن آمریکا به جایگاه یک بازیگر مطرح اقتصادی در قاره‌های آلمان و بریتانیا بود در سده ۱۸۰۰ تصمیم گیرندگان در واشنگتن فزون‌ترین توجه را به سیاست خارجی کم‌تنش در رابطه با نظم بریتانیایی در خارج از... [ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.](#)

دوره مقدماتی
آینده پژوهی

مرکز آینده پژوهی جهان اسلام
با همکاری
مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

مزایای شرکت در دوره

۱. آشنایی با مبانی مقدماتی آینده‌پژوهی به صورت عملی
۲. پروژه و ارائه به صورت سمینار
۳. ارائه گواهی رسمی
۴. تفرات برتر در دوره پیشرفته آینده‌پژوهی
۵. امکان حضور به صورت مجازی

مدت دوره: ۱۵ ساعت (۳ جلسه) - حضوری و آنلاین

شروع دوره: از دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۲
دوشنبه‌ها ساعت ۱۳ تا ۱۸

آخرین مهلت ثبت‌نام: ۲۶ مرداد ۱۴۰۲

کمیسیون شرکت در دوره
در جلسه اختتامیه
ابطال می‌شود.

حضور: پژوهشگاه مطالعات استراتژیک خاورمیانه
واقع در بلوار کشاورز، خ نادری، شماره هشت
آتلاین: پلتفرم مورد نظر اطلاع‌رسانی می‌شود.

بر علاقمندان به شرکت در این دوره تقاضا می‌شود مبلغ ۳۰ هزار تومان
به شماره کارت ۵۵۵۹ ۸۷۶۶ ۸۷۶۶ ۸۷۶۶ یا شماره حساب ۱۳۹۷۹۷۷۵
سید عبدالصیر نبوی و فدیفر نصری واریز و فیش واریزی را
به نشانی cmesq@gmail.com ارسال کنند.

پژوهشگاه مطالعات استراتژیک خاورمیانه با همکاری کمیته روان‌شناسی
سایه انجمن علوم سیاسی ایران برگزار می‌کند:

کارگاه فشرده با موضوع:
خوانش لاکانی از امر
سیاسی در بستر واقعیات
انضمامی.

با ارایه: دکتر علی اشرف نظری
(دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

زمان: یکشنبه ۲۹ مرداد ساعت ۹ الی ۱۱.
مکان: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه (بلوار کشاورز، خیابان نادری، شماره هشت)
لینک حضور مجازی: 3065-meetingsview&id=meetingsview&view=meetingsview&view=meetingsview
https://elard.ac.ir/lms/index.php?option=com_highbluebutton&view=meetingsview&id=meetingsview&view=meetingsview

برخی از برنامه‌های مرکز در سال ۱۴۰۲

کارگاه روش‌شناسی و مبانی نظری در علوم انسانی: با تمرکز بر مطالعات ایران

عناوین و اساتید:

جلسه نخست: آیین افتتاح کارگاه تابستانی روش‌شناسی مدرسه مهارت با حضور مدیران مرکز مطالعات خاورمیانه و مدیر کارگاه

جلسه دوم: یکشنبه ۱۱ تیرماه ساعت ۹:۳۰ تا ۱۲
مدرس: دکتر فایز دین پرست، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
موضوع: تفاوت روش‌شناسی و روش تحقیق در حوزه نرم‌افزارهای تحلیل کیفی و هوش مصنوعی

جلسه سوم: سه شنبه ۱۳ تیرماه ساعت ۹ تا ۱۲
موضوع: روش‌شناسی پژوهش کمی در علوم انسانی
مدرس: خانم دکتر لیلا فلاحتی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

جلسه چهارم: یکشنبه ۱۸ تیرماه ساعت ۹ تا ۱۲
موضوع: نظریه و روش در علوم سیاسی
مدرس: آقای دکتر عبدالامیر نبوی، عضو هیات علمی گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

جلسه پنجم: سه شنبه ۲۰ تیرماه ساعت ۹ تا ۱۲
موضوع: نظریه و روش تحلیل تاریخی مفاهیم
مدرس: آقای دکتر مسعود سینانیان، فارغ‌التحصیل دانشگاه سوربن و استاد دانشگاه

جلسه ششم: یکشنبه ۲۵ تیرماه ساعت ۹ تا ۱۲
موضوع: نظریه و روش در قوم‌نگاری (ethnography)
مدرس: آقای دکتر پیمان متین، انسان‌شناس و مدیر موسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیا

جلسه هفتم: سه شنبه ۲۷ تیرماه ساعت ۹ تا ۱۲
موضوع: نظریه و روش در جامعه‌شناسی تاریخی
مدرس: آقای دکتر مهدی زیبایی، عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

جلسه هشتم: یکشنبه ۱ مرداد ساعت ۹ تا ۱۱ و ۱۱ تا ۱۴
موضوع: اسطوره‌شناسی به مثابه روش
مدرس: آقای دکتر علی عباسی، عضو هیات علمی گروه زبان فرانسه و لاتین دانشگاه شهید بهشتی

جلسه نهم: یکشنبه ۱۱ تیرماه ساعت ۹ تا ۱۲
موضوع: نظریه و روش در تاریخ‌نگاری نظریه محور
مدرس: آقای دکتر داریوش رحمانیان، عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران

جلسه دهم: سه شنبه ۲۴ مرداد ساعت ۹ تا ۱۲
موضوع: نظریه و روش در مطالعات پسا استعماری
مدرس: آقای دکتر آریابازن محمدی، استاد دانشگاه و پژوهشگر همان مرکز مطالعات پیشرفته خاورمیانه

جلسه شانزدهم: اختتامیه و اعطای گواهی نامه کارگاه به همراه پذیرایی و سخنرانی مهمان ویژه مرکز رشد و فناوری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

زمان: هشت هفته: ۱۱ تیر ماه تا ۲۴ مرداد ۱۴۰۲
شیوه برگزاری: حضوری و آنلاین: جلسه‌های دو الی سه ساعته: شروع جلسه‌ها: ساعت ۹



نگرانی کشورهای غرب آسیا

از رویکرد توسعه طلبانه آمریکا



سید حسین موسوی

ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در غرب آسیا که در بیانیه پانزدهم مرداد ۱۴۰۲ صادر شد، اعلام کرد در چارچوب یک عملیات از پیش اعلام شده پس از عبور از کانال سوئز وارد دریای سرخ شده است. از آنجا که محدوده عملیاتی این نیروهای تقویت شده خلیج فارس، خلیج عمان، دریای سرخ، بخش‌هایی از اقیانوس هند، تنگه هرمز، تنگه باب‌المندب و کانال سوئز است، گمان می‌رود مقصد این نیروها پایگاه‌های دریایی آمریکا در خلیج فارس باشد. بهانه ورود کشتی‌های «باتان» و «کارت‌هال» برای حضور در منطقه، مقابله با تهدید جریان آزاد تجارت در تنگه هرمز عنوان شده است. در عین حال یک ماه پیش از ورود این ناوها، یک کشتی جنگی نیز با هواپیماهای اف - ۳۵ و اف - ۱۶ در منطقه مستقر شده بود. افزون بر آن فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه (سنتکام) اعلام کرد که علاوه بر چند هزار تفنگدار، پهپادهای پیشرفته رزمی و جاسوسی MQ-۹ را در منطقه مستقر کرده است. تا قبل از این اقدامات راهبرد اصلی آمریکا بر کاهش تمرکز بر خلیج فارس و اولویت دادن به شرق آسیا با هدف مهار چین بود.

اکنون سوال اصلی مطرح آن است که آیا تقویت این نیروها در دریای سرخ و خلیج فارس، اقدامی استراتژیک است و یا صرفاً موقتی و آنگونه که عنوان شده، مواجهه با تهدیدات ایرانی در جلوگیری از توقیف کشتی‌ها در محدوده عملیاتی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران است. اما بنظر می‌رسد در تقویت نیروها، اهدافی فراتر از اهداف فوق مدنظر آمریکاست. شاید پروژه مهار چین اینک به منطقه خلیج فارس رسیده باشد، چنین می‌نماید که همکاری‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس با چین و چند جانبه‌گرایی در سیاست خارجی این کشورها و نیز تنش‌زدایی میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان که با ابتکار چین صورت گرفت، آمریکایی‌ها را نگران کاهش نفوذ و ابتکار عمل خود در غرب آسیا کرده است.



از سوی دیگر گسترش قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران به ویژه دسترسی ایران به دریای سرخ و دریای مدیترانه و امکان دریافت پشتیبانی و کمک‌های لجستیکی در بنادر سوریه، لبنان، یمن و غزه و نیز توانایی هم‌پیمانان جمهوری اسلامی در کنترل کشتیرانی و دریا مزید بر علت است.

نباید فراموش کرد که نخستین هشدار به نیروهای ناوگان پنجم در هنگام ورود به دریای سرخ را انصارالله یمن داد. آنان از آمریکایی‌ها خواستند که فوراً از آب‌های سرزمینی یمن فاصله گرفته و دور شوند. همچنین در دریای سرخ جنگ پنهانی میان جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل در صحنه دریا، دو سال است که جریان دارد.

در آوریل ۲۰۲۱ اسرائیل به کشتی ایرانی ساویز در دریای سرخ در مقابل سواحل اریتره حمله کرد، متقابلاً ایران نیز با برخورد با تعدادی کشتی تجاری که در مالکیت اسرائیل بود، بدان پاسخ داد. اکنون توانایی جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که می‌تواند ترانزیت کالا به اسرائیل را از دریای سرخ قطع کرده و بدان آسیب جدی برساند. بعید نیست که افزایش و تقویت مجدد نیروی دریایی آمریکا در منطقه با این تنش‌ها مرتبط باشد، به ویژه آنکه کشورهای ساحلی دریای سرخ از جمله: اریتره، سودان جنوبی، سومالی و یمن همگی با مشکلات مختلفی درگیرند و همین امر امکان ایجاد انسجام و انضباط میان کشورها برای کنترل این آبراه حیاتی را که غرب و شرق آسیا را به اروپا و دریای مدیترانه متصل می‌کند، متنفی کرده است. به نظر می‌رسد تقویت نیروی دریایی آمریکا به ویژه در دریای سرخ با در معرض قرار گرفتن اسرائیل نیز مرتبط است. بی‌دلیل نیست که اسرائیل به تقویت روابط و همکاری خود با ناوگان پنجم افزوده است. وجود تعداد زیادی پایگاه نظامی دریایی در جیبوتی، سومالی و اریتره آشفتگی وضع موجود را افزون‌تر می‌سازد. فرمانده نیروی دریایی اسرائیل دیوید ساعر چندی پیش اعلام کرد، ناوگان پنجم آمریکا شریک استراتژیک و مهم نیروی دریایی اسرائیل است و بر اساس توافقات امنیتی دریایی این ناوگان، خود را متعهد به امنیت اسرائیل می‌داند.

بر اساس گمانه‌زنی‌های حزب الله، اسرائیل در جزایر حنیش در جنوب دریای سرخ، جزیره مایون در تنگه باب‌المندب و جزیره سقطری حضور نظامی دارد. همین گزارش ارزیابی استراتژیک اسرائیل که از سوی مرکز پژوهش‌های سیاسی و راهبردی دریایی حیفا در سال ۲۰۱۶ منتشر شد، این مسأله را مطرح می‌سازد و گفته می‌شود اسرائیل اینک افزون بر مرزهای خشکی از مرزهای دریایی نیز در معرض خطر قرار دارد. مواجهه در دریا بین حزب الله لبنان در دریای مدیترانه و حماس در جنوب با اسرائیل اکنون جدی‌تر شده است. شایان ذکر است که اقتصاد اسرائیل، اقتصاد جزیره‌ای است. اسرائیل تجارت عمده‌ای با دولت‌های همسایه در مرزهای زمینی ندارد. البته ارتباطات تجاری محدود با اردن در انتقال کالا وجود دارد که قابل توجه نیست. اسرائیل عمدتاً متکی به دریاست و کالای اساسی و نفت را عمدتاً از بنادر خود در دریای مدیترانه و دریای سرخ تأمین می‌کند. به همین جهت دریا برای اسرائیل اهمیت حیاتی دارد. کشف ذخائر گاز طبیعی مشترک با لبنان و نیز کمبود آب آشامیدنی و نیاز به آب شیرین کن از دریا وابستگی اسرائیل را به دریا بیشتر کرده است.

نباید فراموش کرد که افزون بر تهدیدات امنیت دریایی در دریای سرخ در شرق دریای مدیترانه نیز تنش اسرائیل با دیگر همسایگان بالاست. افزون بر میدان‌های نفتی «تمار» و «لویاتان» در نزدیکی مرزهای لبنان که در تیر رس آتش حزب الله قرار دارند، میدان‌های نفتی نزدیک غزه نیز در تیر رس حماس و جهاد اسلامی هستند. در همین زمان.. ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید

بازبینی جنگ انتخابی آمریکا در عراق



به قلم؛ ریچارد هاس

ترجمه: زهرا شیخ قمی

هیچ اتفاق نظری در مورد میراث آن وجود ندارد. این قابل انتظار است، زیرا همه جنگ‌ها سه بار انجام می‌شود. ابتدا مبارزه سیاسی و داخلی بر سر تصمیم‌گیری به جنگ است. سپس نوبت به جنگیدن می‌رسد، و تمامی اتفاقات در میدان نبرد رخ می‌دهد. در نهایت، بحث طولانی در مورد اهمیت جنگ آغاز می‌شود: سنجیدن هزینه‌ها و منافع، تعیین درس‌های آموخته شده، و طرح توصیه‌های سیاست‌گذاری برای مسیر پیش‌رو. وقایع و سایر عواملی که منجر به تصمیم ایالات متحده برای شروع جنگ در عراق شد، همچنان مبهم و به میزان قابل توجهی موضوع بحث و جدل است. جنگ‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: جنگ‌های ضروری و جنگ‌های انتخابی. جنگ‌های ضروری زمانی رخ می‌دهند که منافع حیاتی در خطر باشد و هیچ گزینه قابل قبول دیگری برای دفاع از آنها وجود نداشته باشد در مقابل... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir

جنگ‌ها نه تنها در میدان نبرد، بلکه در بحث‌های سیاست داخلی و در روایت‌های تاریخی‌ای که پس از وقوع‌اش نوشته می‌شدند نیز رخ می‌دهند. در مورد حمله آمریکا به عراق در ۲۰ سال پیش، ما هنوز در این مرحله نهایی هستیم و به دنبال یک اجماع دست‌نیافتنی در مورد میراث جنگ هستیم. نیویورک - یکی از مزیت‌هایی که مورخان نسبت به روزنامه‌نگاران دارند، مربوط به زمان است، نه به این معنا که آنها از ضرب‌الاجل‌های فوری آزاد هستند، بلکه آنها طی سال‌ها (یا دهه‌ها) دیدگاه عمیق‌تری بین رویدادها و نگارش آن‌ها بدست آورده‌اند. البته بیست سال از نظر تاریخی زمان زیادی نیست. اما وقتی نوبت به درک از جنگی می‌رسد که ایالات متحده در مارس ۲۰۰۳ علیه عراق به راه انداخت، این تمام زمانی است که ما داریم. جای تعجب نیست که حتی دو دهه پس از آغاز نبرد

مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه

۹:۰۰ ۲۵ آبان ۱۴۰۲

نخستین «العیاد بین المللی خاورمیانه شناسی»
 پیرو مکاتبه شماره ۲۳۸۱۰۵ مورخه ۱۴۰۱/۰۸/۱۷
 با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
 و با هدف توسعه و ارسای علمی مسأله‌ها و تحولات منطقه
 خاورمیانه (غرب آسیا) برگزار می‌شود.

۲۵ آبان ۱۴۰۲



دبیرخانه برگزاری نخستین المپیاد بین المللی
 خاورمیانه شناسی

نخستین «العیاد بین المللی خاورمیانه شناسی» در مرکز مطالعات خاورمیانه برگزار شد.

نخستین «العیاد بین المللی خاورمیانه شناسی»
 پیرو مکاتبه شماره ۱/۱۱۰ مورخه
 ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ با وزارت علوم، تحقیقات و
 فناوری و با هدف توسعه و ارسای علمی
 مسأله‌ها و تحولات منطقه خاورمیانه (غرب
 آسیا) برگزار شد.

مدرسه مهارت پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه برگزار می‌کند:

آموزش روش تحقیق کیفی
 با نرم افزار مکس کیودا 2023
 (صفر تا صد رساله دکتری و پایان نامه ارشد)

با تدریس و تمرین عملی: دکتر درنا عبدالاهی
 (مدرس دانشگاه و دوره‌های روش تحقیق کیفی دانشگاهی و سازمانی)

آنچه در چهار جلسه یاد می‌گیرید:
 انجام پژوهش کیفی مربوط به رساله / پایان نامه
 تحلیل کیفی همراه با نرم افزار کیفی مکس کیودا 2023
 کدگذاری و تکنیک های مرتبط
 ویرایش و ارتقا کیفی پایان نامه ها
 فرمت کلی پایان نامه

مدت دوره: ۹ جلسه (۲۵ ساعت) در چهار روز

شروع دوره: ۱۸ آبان ماه، پنجشنبه‌ها از ساعت ۱۴ تا ۱۸:
 در بلوار کشاورز، خ نادری، پلاک هشت،
 تالار مرکز مطالعات خاورمیانه

مهلت ثبت نام: تا دوشنبه ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۲

علاقتمندان می‌توانند مبلغ سه میلیون تومان به شماره کارت
 ۵۸۵۸۳۷۰۰۷۲۶۸۷۶۲ و یا شماره حساب ۱۱۲۶۰۷۷۶۵ (هر دو به
 اسم پژوهشکده: سید عبدالامیر نبوی و قدیر نصیری) واریز و فیش آن را به
 ایمیل: cmesq@ gmail.com ارسال نموده، در کارگاه ثبت نام کنند.

به شرکت کنندگان در کارگاه، گواهی دو زبانه با امضای مدرس کارگاه و مرکز اعطا می‌گردد.
 در صورتی که سوال و ابهامی داشتید با شماره ۰۹۳۳۴۹۵۱۱۰۲ تماس بگیرید یا پیام بگذارید.

مدرسه مهارت پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه برگزار می‌کند:

کارگاه آموزش و تمرین عملی:
 شیوه‌های تحلیل گفتمان و روش های گفتمان سازی

با تدریس: دکتر شهریار نیازی
 (استاد دانشگاه تهران و عضو شورای راهبری مرکز مطالعات خاورمیانه)

این کارگاه، حداقل برای سه گروه مفید است:
 پژوهشگران علوم انسانی
 تحلیلگران
 فعالان رسانه‌ای و سیاسی

مهلت ثبت نام: اول آذرماه ۱۴۰۲

زمان: عصر روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه ۴، ۵ و ۶
 آذرماه ۱۴۰۲ از ساعت ۱۶ الی ۱۹

مدت کل کارگاه: دوازده ساعت در سه روز

شهریه کارگاه: ۱۶۵ هزار تومان (به شماره کارت
 ۵۸۵۹۸۳۷۰۰۷۲۶۸۷۶۲ به نام پژوهشکده:
 قدیر نصیری و عبدالامیر نبوی) واریز نموده، فیش
 واریزی را به نشانی research.imes@gmail.com
 ایمیل نمایید.

در جلسه آخر گواهی شرکت در کارگاه به شرکت کننده‌ها
 اعطا خواهد شد.

شیوه برگزاری: مجازی (لینک مجازی قبل از کارگاه در اختیار ثبت نام کننده‌ها قرار می‌گیرد)
 و حضوری (تهران، بلوار کشاورز، خ نادری، شماره هشت، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه)

برخی از کارگاه‌ها و برنامه‌های مرکز در سال ۱۴۰۲



پیامدهای رقابت امنیتی امریکا

و چین در محیط امنیتی

ایندوپاسیفیک

به قلم؛ علی اسدی

وفق آخرین سند
استراتژی امنیت ملی
ایالات متحده امریکا
که پس از چندین سال

وقفه در سال ۲۰۲۲، منتشر گردید، جمهوری خلق چین «تهدید نخست» و در سطح «رقابت استراتژیک یا ژئوپلیتیک» علیه واشنگتن تلقی شده است و بایستی با همکاری فزاینده با شرکاء، مهار و هضم این بازیگر متنفذ در نظم لیبرال، ضرورت و اولویت دستگاه سیاست خارجی و امنیتی هژمون قلمداد گردد. در مقابل این کارزار، پکن با به چالش کشیدن معماری امریکایی منطقه، نظمی چینی را در دستور کار قرار داده که در مناطق پیرامونی و فرا پیرامونی با تسامح در شرف تثبیت است. بی تردید، رقابت تقابل گونه واشنگتن و پکن، پیامدهای آشکاری در معادلات منطقه ایندوپاسیفیک به نمایش گزارده است. این نوشتار در چارچوب الگوی موازنه سازی فرا ساحل، مترصد پاسخ به پرسش یاد شده است.

واکاوی سند امنیت ملی امریکای زمان بایدن، نشانگر آن است که تصمیم به جایگزینی عبارت «رقابت بین قدرت‌های بزرگ» با «رقابت استراتژیک یا ژئوپلیتیک»، فراتر از بازی واژگانی و حاکی از این معناست که واشنگتن تغییر هندسه قدرت جهانی و شرقی شدن قدرت (در معنای مضیق مادی) را ملموس تر ادراک کرده تا جایی که پکن در صدر تهدیدات امنیت ملی و یگانه رقیبی فرض می شود که «اراده» و «توانایی» تسلط به ایندوپاسیفیک و بازنگری و اصلاح نظم لیبرال بین المللی را دارا است. از همین روست که مقامات ذیربط این کشور به کرات از «دهه‌ای سرنوشت ساز» سخن می‌رانند.

این مهم، هژمون را بر آن داشته تا در قالب طرح کلان «چند جانبه گرایی امنیتی» با تقویت شبکه متحدان منطقه‌ای و سیاست ائتلاف سازی به صورت دو و چند جانبه، به «چالش متفاوت؛ پاسخ متفاوت» دهد. برخی از ابتکارات نظیر گفتگوی ۶ جانبه (امریکا، چین، ژاپن، روسیه، کره جنوبی و شمالی)، تکمیل سیستم اتحادهای دو جانبه در دوران جنگ سرد، گشت‌های ضد دزدان دریایی در تنگه مالاکا، مجمع گارد ساحلی اقیانوس آرام شمالی و ابتکار امنیت دریایی امریکا برای انواع چالش‌های دریایی و در همین اواخر، عبور ناوبر جنگی «یو اس، اس میلیوس» از تنگه تایوان در شمول کنش های امریکا برای ائتلاف در

«موضوعات خاص و تهدید چین» تلقی می‌گردد.

در برابر «موازنه و کارزار ضد چین»، رهبر حزب کمونیست، بارها عزم خود را برای اجرای «فرایند تاریخی برگشت ناپذیر» که در آن کشورش به «قطب اول» تبدیل شود، نشان داده و با اتخاذ یک مجموعه ابتکارات راهبردی و تاکتیکی در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، امنیتی، دیپلماتیک مشتمل بر عملیات در منطقه خاکستری، جنگ تجاری، اعطای وام به ملل در حال توسعه، افزایش نفوذ در سازمان های منطقه‌ای و بین‌المللی، جاسوسی و فعالیت‌های متعارف اطلاعاتی، تلاش جهت دستیابی به فناوری نظامی و صنعتی و نفوذ به مراکز تحقیق، توسعه و مراکز علمی امریکا، دستکاری در رسانه‌های اجتماعی برای از بین بردن انتقادات علیه دولت حاکم، در صدد مدیریت این موازنه بر آمده است. غیر قابل انکار، اینکه، رقابت تقابلی گونه‌اشنگتن و پکن پیامدهای آشکاری را در معادلات منطقه‌ای ایندوپاسیفیک به ترتیب زیر سبب شده است:

همگرایی فزون‌تر چین - روسیه در رقابت با ایالات متحده امریکا

گرچه پیشینه همسویی نظام های اقتدارگرای چین و روسیه به اواسط دهه ۵۰ باز می‌گردد لیکن طی دو سال اخیر به دلیل برخی منافع و تهدیدات مشترک بالاخص یک جانبه گرایی غرب و حوادث ناشی از جنگ اوکراین، همگرایی دو کشور تعمیق یافته است. ملاقات وزیر دفاع چین با پوتین در بحبوحه جنگ اوکراین در ۲۰۲۳ و تاکید مقامات دو کشور بر محور مشارکت و همکاری راهبردی، ترسیم نقشه همکاری های نظامی دو کشور در سال ۲۰۲۳، فروش و انتقال فناوری های پیشرفته نظامی روسیه به چین، برگزاری رزمایش های نظامی دو جانبه و مشترک در قالب سازمان همکاری شانگهای در اقیانوس آرام (بالتیک، وستوک، تی ستر و...)، انتقال فناوری ناوبری زیر دریایی و توسعه کشتی های رزمی و... در زمره شواهد متعدد متضمن ائتلاف و اتحاد دو کشور قلمداد می‌شود.

شکل‌گیری یا احیای ائتلاف‌های نو پدید علیه چین (کواد یک و اکوس)

ائتلاف چهار ضلعی موسوم به کواد بین چهار کشور امریکا، هند، ژاپن و استرالیا در قالب هفت موضوع اصلی مشتمل بر نظم مبتنی بر قوانین آسیا، آزادی دریانوردی، احترام به قوانین بین‌المللی، افزایش پیوستگی، امنیت دریایی، تهدید کره شمالی و منع گسترش سلاح هسته‌ای و تروریسم موجودیت دوباره پیدا کرد. همچنین در تداوم رویکرد چند جانبه گرایی امنیتی امریکا برای مهار چین در منطقه هند-اقیانوس آرام، در ۲۰۲۱ رهبران سه کشور انگلیس، امریکا و استرالیا پیمان دفاعی آکوس را امضا نمودند. پر واضح است، کانون ائتلاف های ضد چینی بر محور همکاری دریایی علیه توسعه نظامی دریایی این بازیگر بزرگ می‌باشد. در مقابل این ائتلاف، چین نیز با طرح جاده ابریشم دریایی و طرح توسعه بندرهای اقتصادی

www.cmess.ir

و... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.



به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

دولت آمریکا اعلام کرد، ناوربر جنگی «یواس، اس میلیوس» از تنگه تایوان میان چین و این جزیره عبور کرده است. سخنگوی ارتش آمریکا گفت: «مأموریت این کشتی جنگی اطمینان از برقراری «آزادی ناوربری» بین‌المللی در این منطقه است.» سخنگوی نظامی چین هم پاسخ داد «حرکت این کشتی جنگی را رصد و رهگیری می‌کند و نیروهایش در حالت آماده باش کامل قرار دارند»!

خبر دیگر که هفته گذشته در صدر خبرها بود، دیدار رسمی رئیس دولت تایوان از آمریکا و سخنرانی رسمی او در کنگره این کشور است که اعتراض رسمی دولت چین را در پی داشت. مانور هوایی - نظامی ارتش چین در کناره‌های مرز دریایی «تایوان» در دریای چین نیز خبرساز شد و در رسانه‌های خبری آمریکا و اروپا انجام این مانور را به هشدار علنی نظامی چین به دولت بایدن نقد و تفسیر کردند؛ به ویژه که همزمان با این مانور وزیر خارجه آمریکا «بلیکن» به طور رسمی از «ویتنام» دیدار کرد تا نشان دهد، ویتنام در رد مواضع بحران آفرین دولت چین در هفته‌های اخیر علیه آمریکا، جانب نگاه سیاسی - امنیتی وزارت خارجه آمریکا را دارد و به طور رسمی خواهان توقف هرگونه تشنج نظامی - امنیتی در دریای چین است. در دیدار یکباره رئیس جمهوری چین از مسکو و ملاقات شش ساعته او با پوتین، رئیس جمهوری چین



به رسانه‌ها گفت، در این دیدار برای چگونگی پایان بخشیدن به ادامه جنگ در اوکراین، گفتگو و طرحی همه جانبه و بسیار مهم برای اعلام آتش بس و سپس توافق صلح دو طرف تهیه شد! اما از پایان این دیدار تا اینجا هیچ اقدام عملی برای پایان جنگ اوکراین یا اعلام آتش بس صورت نگرفته است. در حالی که

همچنان انتظار می‌رود که دولت چین به نقش میانجیگری خود برای پایان بخشیدن به بحران جنگی اوکراین ادامه دهد. به ویژه که در سفر رئیس جمهوری فرانسه، «ماکرون» نیز از این اقدام دولت چین به طور رسمی استقبال کرد. واقعیت در صحنه سیاسی و رسانه‌ای بین‌المللی نشان می‌دهد که تا اینجا «بایدن» خود را مدافع سر سخت «تایوان» نشان می‌دهد و در مقابل، دولت چین نقض طرح استقلال تایوان را خط قرمز برای استقلال و تمامیت ارضی چین می‌شمارد.

این اختلاف و بهانه سازی‌های دولت بایدن بر سر تایوان اگر چه از نگاه روزنامه‌نگاران غربی و به ویژه کارشناسان سیاسی در آمریکا، هنوز به «جنگ زرگری» توصیف می‌شود و نه تضادی که منجر به درگیری نظامی واشنگتن - پکن شود، اما در صحنه رسانه‌ای بین‌المللی به اخبار و گزارش‌های «شاخ به شاخ» شدن دو طرف تشبیه می‌شود به طوری که برخی از رسانه‌های خبری آن را برای قدرت نمایی «بایدن» لازم می‌شمارند. بایدن اخیراً اعلام کرد که نامزد رسمی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از حزب «دموکرات» خواهد شد. فضای درونی سیاسی در داخل آمریکا به سرعت فضای انتخاباتی شده است که از یک سو «ترامپ» و از سوی دیگر «بایدن»، یکی از حزب جمهوری خواه و آن یکی از حزب دموکرات قرار گرفته‌اند. تا اینجا سیاست خارجی بایدن، سیمای ضد روسیه و مهار چین در فضای روابط بین‌المللی به خود گرفته است. بایدن از خبرسازی‌های تقابل واشنگتن برای مهار چین در صحنه بین‌المللی بهره‌گیری می‌کند و تیتربخبری روزنامه‌ها و رسانه‌های غربی به ویژه آمریکایی از «شاخ به شاخ» شدن کاخ سفید با پکن برای چهره‌سازی قدرتمند «بایدن» در صحنه بین‌المللی یاد می‌کنند که کارساز است. آنچه که در صحنه بین‌المللی دیده می‌شود، تلاطم‌های گوناگونی است که اغلب سیاستمداران و دولتمردان در راستای کسب منافع خود از آن بهره‌گیری تبلیغاتی - سیاسی می‌برند از آن جمله «شاخ به شاخ» شدن واشنگتن - پکن!


 پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، با همکاری دانشگاه‌ها و انجمن‌های معتبر علمی و به مناسبت «یکصدمین سالگشت انحلال نهاد خلافت»، برگزار می‌کند:

همایش بین‌المللی خاورمیانه پس از انحلال خلافت

◀ محورهای عمده:

- انحلال خلافت و جنبش‌های فکری در خاورمیانه
- میراث انحلال خلافت برای خاورمیانه امروز
- زمینه‌های تجدید حیات خلافت
- خلافت خواهی و جمهوری خواهی در دوران پساخلافت
- تأثیرات انحلال خلافت بر ترکیه، ایران و جهان عرب

◀ تاریخ‌های مهم:

- آخرین مهلت ارسال چکیده: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳
- اعلام نتایج بررسی چکیده‌ها: هفتم خرداد ۱۴۰۳
- مهلت ارسال اصل مقالات چکیده‌های پذیرفته شده: اول مهرماه ۱۴۰۳
- روز برگزاری همایش بین‌المللی: پنج‌شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۳، تهران؛ مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

◀ علاقمندان دانشور، چکیده مقاله را در ۳۰۰ کلمه به نشانی research.imss@gmail.com ارسال نمایند.

◀ گفتنی است مقالات همایش ضمن نمایه در پایگاه ISC در قالب کتابی مستقل منتشر می‌گردد.

از برنامه‌های مرکز در سال ۱۴۰۲



عادی سازی روابط ایران و عربستان از منظر چین

نویسنده؛ حامد حسینی

در ۱۰ مارس ۲۰۲۳، دو رقیب منطقه‌ای یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به توافقی دست

یافتند که برنامه‌ای گام به گام برای احیای روابط بین دو کشور ارائه می‌کند. این قرارداد که در پکن امضا شد گویای نفوذ چین در خاورمیانه است، به ویژه در میان نگرانی‌های دیگر ضامن امنیت سنتی منطقه یعنی ایالات متحده در اوکراین و نیز منطقه ایندوپاسیفیک. خبر آشتی ایران و عربستان سعودی با استقبال از سوی دولت بایدن مواجه شد. سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید اظهار داشت که واشنگتن از این توافق استقبال می‌کند، در حالی که آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه، چین را به خاطر میانجی‌گری در این توافق ستایش کرد و اظهار داشت که این توافق به نفع کل منطقه است. با این حال، بسیاری در مورد پیامدهای ژئوپلیتیکی این توافق بر موقعیت منطقه ای واشنگتن هشدار داده‌اند. موضع مثبت آمریکا در مورد توافق شاید بیشتر به دلیل این واقعیت است که ایالات متحده به دلیل مناقشات سنتی و جاری خود با ایران قادر به مذاکره و میانجی‌گری برای چنین توافقی نبود. بازگشایی سفارت‌ها یک عنصر حیاتی برای نزدیکی روابط بین دو کشور است. با این حال، مسائل متعددی همچنان وجود دارد مانند آزادسازی دارایی‌های اقتصادی و مالی یکدیگر در صنعت نفت و گاز، تسهیل تجارت دوجانبه و حتی سرمایه‌گذاری احتمالی عربستان در ایران که باید به آن پرداخته شود. سعودی‌ها احتمالاً فعلاً محتاط خواهند ماند، زیرا مشخص نیست تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر فعالیت‌های مالی بین دو طرف خواهد داشت.

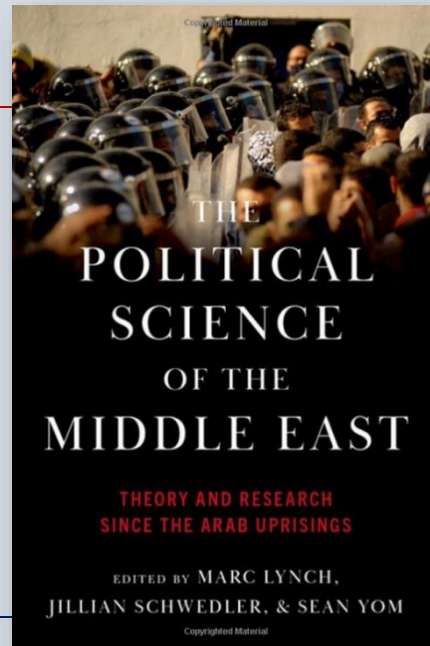
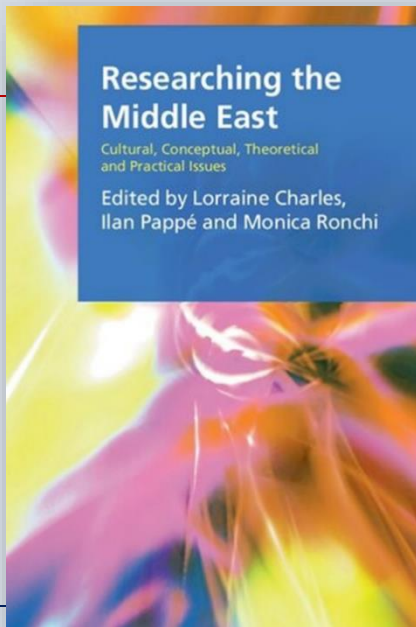
از نظر ژئوپلیتیکی، این توافق جغرافیای وسیعی را از لبنان و سوریه گرفته، جایی که ایران و عربستان سعودی از نیروهای سیاسی مختلف حمایت کرده‌اند، تا بحرین و یمن را در بر خواهد گرفت. یکی از ابعاد توافق ایران و عربستان می‌تواند نزدیکی مواضع در سوریه باشد، جایی که عربستان سعودی و ایران بیش از یک دهه با یکدیگر مخالفت کرده‌اند. در واقع اگر آخرین مواضع سعودی‌ها را در نظر بگیریم، نشانه‌هایی وجود دارد که پادشاهی سعودی ممکن است دیگر با ادامه حضور بشار اسد و دولت او مخالفت نکند. در واقع، سعودی‌ها می‌توانند مقاومت خود را در مقابل دولت اسد در ازای گرفتن امتیازات از ایران در یمن یا لبنان کنار بگذارند. توافق ایران و عربستان همچنین می‌تواند به معنای تلاش دو طرف برای کاهش تنش در حوزه

رسانه‌ای باشد. به عنوان مثال، یکی از نتایج مورد انتظار این توافق این است که سعودی‌ها پیام‌های منفی را از طریق رسانه‌های فارسی‌زبان که گفته می‌شود توسط ریاض تامین مالی می‌شود، کاهش دهند یا کلاً تغییر دهند. به طور مشابه، این امتیاز سعودی راه را برای تغییر مشابهی در ادبیات رسانه‌ای ضد سعودی در رسانه‌های تحت کنترل ایران هموار می‌کند.

با این حال، با وجود این همه پیشرفت یک مشکل بزرگ یعنی برنامه هسته‌ای ایران حل نشده باقی مانده است. اتفاق نظر در عربستان بر این است که جمهوری اسلامی دیر یا زود در برنامه هسته‌ای خود به نقطه‌ای بی‌بازگشت خواهد رسید که باعث بی‌ثباتی منطقه و افزایش تهدیدات علیه پادشاهی سعودی خواهد شد. در دسامبر ۲۰۲۲، در بیانیه مشترکی بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و چین از ایران خواسته شد تا در برنامه هسته‌ای خود همکاری بیشتری داشته باشد. عربستان سعودی حتی از ایالات متحده خواسته است تا برنامه هسته‌ای خود را به عنوان اقدامی موازنه بخش در برابر ایران توسعه دهد. بدیهی است که موضوع هسته‌ای حل نشده باقی می‌ماند و بنابراین تنش‌ها بین دو کشور خاورمیانه دوباره ظهور خواهد کرد.

عامل چین

سعودی‌ها و ایرانی‌ها پکن را به عنوان میانجی برای بخشی از تلاش‌های خود در مسیر اجرای سیاست خارجی چندجانبه منطقه‌ای انتخاب کردند. چین احتمالاً به شکلی هدفمند به عنوان بازیگر میانجی برای نشان دادن استقلال در تصمیم‌گیری‌های ایران و عربستان سعودی انتخاب شده است. مشخص است که این نزدیکی در بحبوحه عدم اطمینان در مورد موقعیت آمریکا در خاورمیانه اتفاق می‌افتد. اگرچه ایالات متحده حضور خود در بعضی کشورها مانند عراق را تمدید کرده و همکاری امنیتی خود را با سعودی‌ها و سایر کشورهای خلیج فارس حفظ کرده است، اما تسهیلات تجاری چین قابل توجه است و می‌تواند منادی تغییرات آتی باشد. به همین دلیل، ایالات متحده ممکن است مجبور شود هم نیت پکن و هم پیش‌بینی‌های کشورهای حوزه خلیج فارس را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. به نظر می‌رسد باید این ایده را پذیرفت که کشورهای خلیج فارس در مورد مسائل امنیتی تنها به آمریکا تکیه خواهند کرد، اما در روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری با چین همکاری خواهند کرد. علاوه بر این، عادی سازی روابط در زمانی اتفاق می‌افتد که کشورهای خاورمیانه بدون مداخله مستقیم ایالات متحده به نزدیکی روابط با یکدیگر می‌رسند. به عنوان مثال، عادی سازی روابط ترکیه با عربستان سعودی و نیز اقدامات قطر برای بهبود روابط با همسایگان خلیج فارس، تأییدی بر این فرض است. برخی تحلیل‌گران استدلال می‌کنند که در دوره ایالات متحده تحت رهبری ترامپ، خاورمیانه هنوز تحت نفوذ ایالات متحده بود. ابتکارات میانجی گرانه واشنگتن جواب داد و طبق توافق ابراهیم، عربستان سعودی ممکن است کشور عربی بعدی باشد که روابط خود را با اسرائیل عادی می‌کند. در مقابل، تحت دولت بایدن، ایالات متحده ابتکار عمل خود را در منطقه از دست داده است و چین



به قلم؛ شهاب دلیلی

عنوان کتاب؛

علوم سیاسی خاورمیانه؛ نظریه و روش پس از قیام‌های عربی

مارک لینچ در این کتاب به پژوهش‌های علوم سیاسی مربوط به خاورمیانه می‌پردازد تا نشان دهد که این پژوهش‌ها پیش و پس از بهار عربی چه تغییر و تحولاتی کرده‌اند؟ لینچ در ابتدای کتاب با اشاره به جمله جرولد گرین در سال ۱۹۴۴ به اهمیت خاورمیانه در علم سیاست اشاره و تأکید دارد که برای انجام یک پژوهش در مورد خاورمیانه بایستی از بررسی‌های تکه‌پاره و جزیره‌ای اجتناب شود و بیش‌تر از پیش به نوآوری‌های روش‌شناختی در خاورمیانه‌پژوهی اهمیت داده شود. به عقیده نویسندگان، خاورمیانه‌پژوهی تا پیش از بهار عربی به میزان زیادی به مسئله اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا پرداخته بود و با همان دو موضوع نیز برخوردی جانبدارانه و سیاسی کرده است. علوم سیاسی و به طور مشخص خاورمیانه‌پژوهی متهم است که... ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

عنوان کتاب؛

خاورمیانه‌پژوهی

پایه و نویسندگانی که در کتاب درسی «خاورمیانه-پژوهی» او را همراهی کرده‌اند، هدفی مشترک دارند؛ آن‌ها تلاش دارند در این کتاب به خاورمیانه-پژوهان نشان دهند که تحقیق و پژوهش در مورد خاورمیانه با چه چالش‌های فرهنگی، مفهومی و روش‌شناختی روبرو است. برای آن‌ها مهم و حیاتی است که خاورمیانه‌پژوهی از یک سو دچار تله دیدگاه‌های شرق‌شناسانه و از سوی دیگر درگیر تعصبات قوم‌مدارانه نشوند. پایه و نویسندگان این کتاب (شانزده پژوهشگر) تجربه علمی و عملی خود را با خاورمیانه‌پژوهان جوان به اشتراک می‌گذارند؛ اغلب آن‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا پژوهش میدانی داشته و به طور حرفه‌ای با شیوه‌های قوم-نگاری، نمادشناسی، روش‌شناسی و تحلیل‌های... ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

گروه بررسی روندهای فکری و گروه مطالعات سیاست و تمدن ایران با همکاری نشر لوگوس و هزاره سوم اندیشه برگزار می‌کند:

مشروطه‌خواهی ایرانیان؛ آموزه‌ها و میراث آن

به همراه رونمایی از کتاب‌های: نظریه مقاومت در مشروطه ایرانی (نوشته دکتر عارف مسعودی، نشر لوگوس) / گفتارهایی درباره مشروطه ایرانی (نوشته همایون کاتوزیان و ...، نشر هزاره سوم)

با حضور و گفتار:

- همایون کاتوزیان / دانشگاه آکسفورد
- محسن خلیلی / دانشگاه فردوسی مشهد
- فریدون مجلسی / دیپلمات سابق و تحلیلگر ارشد
- قدرت احمدیان / دانشگاه رازی
- احمد پستانلی / دانشگاه خوارزمی
- مهدی روزخوش / دکتری اندیشه
- عارف مسعودی / مدیر گروه مطالعات ایران
- مختار نوری / مدیر گروه روندهای فکری

زمان: چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ - ساعت ۱۶ الی ۱۹
 مکان: بلوار کشاورز، خیابان نادری، پلاک ۸
 شیوه برگزاری: حضوری (در بلوار کشاورز، خ نادری شماره هشت) و مجازی به نشانی: <https://www.skyroom.online/ch/imess509/webinar>

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه برگزار می‌کند:

آیین رونمایی از سه اثر جدید انتشار مرکز مطالعات خاورمیانه

با سخن و ملاحظاتی:

- دکتر ولی گل محمدی (تربیت مدرس)
- دکتر آرمینا آرم (مدیر گروه مطالعات روسیه)
- دکتر رضا دهقانی (دانشگاه تهران)
- دکتر رحمت حاجی مینه (دانشگاه آزاد تهران)

زمان: دوشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۱ - ساعت ۱۹
 مکان: تهران، بلوار کشاورز، خ نادری، شماره هشت

برخی از برنامه‌های مرکز در سال ۱۴۰۲

مؤسسه کادراس و گروه مطالعات افغانستان پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه برگزار می‌کند:

دگردیسی اقتصاد مخدر در افغانستان و مخاطرات منطقه‌ای آن

با حضور و سخن:

- دکتر مجتبی نوروزی / کارشناس ارشد مسایل افغانستان
- دکتر ویدا یاقوتی / دبیر گروه مطالعات افغانستان / پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه
- دکتر بهرام زاهدی / مدرس دانشگاه و کارشناس مسایل افغانستان
- محمد بیات / دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی

زمان: دوشنبه ۲۵ دی ماه ۱۴۰۲ - ساعت ۱۷
 مکان: تهران، بلوار کشاورز، خیابان نادری، شماره هشت، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

گروه مطالعات افیاق پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه به مناسبت دومین سالگشت حکمرانی طالبان بر افغانستان برگزار می‌کند:

آورده‌ها و دشواری‌های طالبان در افغانستان

با حضور:

- محسن روحی صفت / کارشناس ارشد مسائل شبه قاره
- محسن اسلام‌زاده (مستندساز)
- فاطمه اشرفی (رئیس هیات مدیره انجمن حامی)
- دکتر مجتبی نوروزی (پژوهشگر و کارشناس مسائل افغانستان)
- دکتر بهرام زاهدی / کارشناس مسائل افغانستان
- پرنسنگر / کارشناس مسایل و تحولات افغانستان
- دکتر محمد تقی جهان‌بخش / کارشناس مسایل و تحولات افغانستان

زمان: دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ - ساعت ۱۷
 مکان: تهران، بلوار کشاورز، خیابان نادری، شماره هشت، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

مزدورسازی

به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

یکباره سقوط مرگبار هواپیمایی که «پریگوژین» فرمانده گروه تروریستی «واگنر» و چندین نفر از فرماندهان جنگی این گروه را به همراه داشت، در صدر اخبار و گزارش‌های متعدد خبری قرار گرفت. در شرح زندگی فرمانده گروه «واگنر» «یوگنی پریگوژین» رسانه‌های خبری بسیار گفتند که در اغلب این گزارش‌ها تأکید شده است، او مدیر رستورانی در مسکو بود و با حمایت پوتین آموزش‌های نظامی دید و فرمانده گروه پیمانکار نظامی واگنر شد.

پریگوژین از قصر تا قبر

یوگنی پریگوژین در دهه اول زمامداری ولادیمیر پوتین صاحب رستوران‌هایی بود که رئیس جمهوری روسیه برای صرف غذا به آنها مراجعه می‌کرد. او به همین دلیل بعدها به «آشپز پوتین» معروف شد. از پریگوژین ۶۲ ساله به عنوان بنیانگذار گروه واگنر یاد می‌شود. او از الیگارشی‌های روس و نزدیک به حلقه قدرت در مسکو بود. پوتین مهمانان خارجی خود از جمله جورج بوش پسر رئیس جمهوری پیشین آمریکا را به یکی از رستوران‌های پریگوژین می‌برد. یوگنی پریگوژین مانند ولادیمیر پوتین اهل سنت پترزبورگ بود و برای سال‌های طولانی در زمینه تأمین غذا نهادها و شرکت‌ها فعالیت می‌کرد.

پوتین در تسلیم به خانواده پریگوژین، فرمانده گروه نظامی واگنر گفت: من با پریگوژین از دهه ۹۰ قرن گذشته آشنا شدم و او را تاجری با استعداد یافتم که نه فقط در روسیه بلکه در خارج از مرزهای کشور ما و به طور خاص در آفریقا فعالیت می‌کرد و نتایجی را محقق ساخت. پریگوژین اگر چه اشتباهاتی را مرتکب شد اما دستاوردهای ملموسی را برای روسیه و خودش محقق کرد. فرماندهی او بر گروه نظامی واگنر نقش تأثیرگذاری در جنگ اوکراین داشت و این هرگز فراموش نخواهد شد. با انفجار خبر سقوط هواپیمای حامل فرمانده پریگوژین و چندین نفر از «افسران گروه واگنر» در برخی از رسانه‌ها، پرونده تاریخی مزدورسازی از جنگ آمریکا در ویتنام تا جنگ روسیه در اوکراین بازگشایی شد. تاریخچه «مزدورسازی» از سوی دو قدرت، دولت‌های آمریکا و روسیه در ساحت نظامی‌گری، همچنین در میدان سیاسی و سیاست‌ورزی پرونده‌ای تاریخی است که تا امروز استمرار دارد.

در جنگ طولانی آمریکا در ویتنام، دولت‌های آمریکا برای فرهنگ‌سازی سیاسی روش‌های گوناگونی را به کار گرفتند؛ از جمله آن که بر باورهای مذهبی مردم آمریکا انگشت گذاشتند و این گزاره را با جمله «فرزندان خود را برای نجات خدا به ویتنام بفرستید!» مدام در شبکه‌های خبری و رسانه‌ای خود تکرار کردند! تا این که در دوره ریاست جمهوری «نیکسون» جنگ ویتنام با شکست آمریکا پایان گرفت. یکباره افکار عمومی مردم در آمریکا دریافتند چه «فریب» بزرگی از سوی حاکمیت در واشنگتن خورده اند! و از آنها چگونه در جنگ ویتنام، «مزدور» سازی کرده‌اند. در آن سال‌ها، بازماندگان نظامی از جوانان آمریکایی

که مدال‌های «شجاعت» ملی از رؤسای جمهوری در کاخ سفید دریافت کرده بودند، مقابل کاخ سفید، هر هفته، چند روز تظاهرات اعتراضی داشتند و مدال‌های «شجاعت» خود را به حیاط روبروی دفتر رئیس جمهوری در کاخ سفید پرتاب می‌کردند.

از این تاریخ مزدورسازی در جنگ آمریکا در ویتنام، بخش‌هایی به صورت گزارش‌های متعدد در مطبوعات آمریکا و اروپا و بخش‌هایی به صورت فیلم‌های سینمایی، مدون شده است. در یکی از این گزارش‌های تصویری - خبری، یک افسر نظامی ارتش آمریکا که چند سالی در جنگ ویتنام حضور داشت و مجروح جنگی بود و نشان افتخار ملی از دست رئیس جمهوری وقت آمریکا گرفته بود، با شور و هیجان، ضمن پرتاب مدال‌هایش به محوطه مقابل دفتر رئیس جمهوری گفت: «... ما را برای نجات خدا به ویتنام نفرستاده بودند. ما را فریب دادند و برای نجات سلطه امپریالیستی و سرمایه‌داری آمریکا روانه جنگ ویتنام



کردند!». ما ایرانی‌ها از شیوه‌های مزدورسازی آمریکا، شوروی سابق و روسیه کنونی و دورتر از سوی انگلیس، سابقه ذهنی تاریخی، نظامی، سیاسی و فرهنگی داریم. ضرب المثل «فرانکوفیل و روسه فیل» تابلو هویت تاریخی مزدورسازی از سوی قدرت‌های غربی (آمریکا و انگلیس) و شرقی (شوروی سابق و روسیه امروز) در

ایران بود. در این نگاه تاریخی برای ما ایرانی‌ها، حزب توده، حزبی مزدور با پرچم شوروی بود. آن قدر آشکار که مردم در کوچه و بازار این ضرب‌المثل را نسبت به اعضای حزب توده بیان می‌کردند که اگر در مسکو باران ببارد و تهران هوای آفتابی داشته باشد، اعضای رسمی حزب توده با چتر باز به خیابان می‌آیند! بخش دیگر تاریخ «مزدورسازی» در کشورهای خاورمیانه در سیر حاکمیت رژیم صهیونیستی اسرائیل نهفته است. آن هم با سرمایه‌های کلان مالی صهیونیست‌های سرمایه‌دار در نیویورک، لندن و پاریس که خود حدیث مفصل دیگری است از گذر تاریخچه مزدورسازی در کشورهای مسلمان منطقه. مزدورسازی فقط در ساحت نظامی‌گری و جنگ محدود نمی‌شود، بلکه در دایره سیاست و سیاستمداری، فرهنگ و فرهنگ سازی و به ویژه در چرخه اقتصادی نیز گذر تاریخی ممتد دارد. مزدورسازی اتفاق تازه‌ای نیست، بلکه بخشی از واقعیت تاریخی و روش سلطه‌گری نظام‌های حاکم است که تا امروز ادامه دارد و بار دیگر با سقوط هواپیما و مرگ فرمانده گروه «واگنر» (پریگوژین) و همراهان او در صدر خبرها قرار گرفته است.



به قلم؛ محمود سریع القلم

یکی از اساتید دوره دانشجویی (Professor James Rosenau) هر هفته به ما تکلیفی می‌داد: خلاصه کردن یک کتاب ۲۰۰-۳۰۰ صفحه‌ای در یک پاراگراف ۱۵ جمله‌ای. این یکی از تکالیف درس دکتری طی یک ترم چهارده هفته‌ای بود. بر اساس این روش تمرکز بخشیدن به تحلیل، علت‌العلل استراتژیک شدن سیاست خارجی ایران نسبت به روسیه را شاید بتوان در این جمله خلاصه کرد: روسیه هسته‌ای، قدرتمند و عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، در پی تغییر ساختار قدرت، ماهیت نظام سیاسی، قانون اساسی، فرهنگ و سیاست خارجی ایران نیست و ایران موجود را در راستای منافع خود می‌بیند. در زیر به تشریح این فرضیه پرداخته می‌شود.

تمایلات ضد غربی سیاست خارجی ایران طی چهار دهه گذشته کاملاً روشن بوده است. بعضی از دولت‌ها تلاش کردند تا مقدمات عادی سازی با غرب را فراهم آورند اما عموماً ناکام ماندند. علت اصلی این ناکامی، ایدئولوژی نبوده و نیست بلکه به ماهیت ساختار سیاسی بر می‌گردد. اگر روابط ایران با غرب عادی سازی شود حتی با حفظ درجه‌ای از استقلال سیاسی مانند هند و اندونزی، قالب و مناسبات فعلی قدرت به تدریج رنگ می‌بازد. بنابراین، طبیعی بوده که حکومت / حاکمیت (State) در کشور مانع این عادی سازی توسط دولت‌ها (Government) شود. از آنجا که بازی قدرت در ایران اغلب با حاصل جمع صفر- یک بوده، ورود عده یا جریانی به قدرت به خروج کامل عده یا جریانی دیگر از قدرت منجر می‌شود. ایرانیان برای حکمرانی و تامین منافع ملی، متدلوژی ائتلاف سازی را نه تجربه و نه تمرین کرده‌اند. ماهیت قدرت در ایران با نوسان‌های اندک یک منحنی افقی نیست بلکه سینوسی است. هر فراز و نشیب سینوسی، ممکن است ظاهری فکری و ایدئولوژیک داشته باشد ولی در باطن و ذات خود، صرفاً دسترسی به قدرت و امکانات ناشی از قدرت است. اگر غرب ستیزی با حکمرانی مطلوب همراه بود، آنگاه می‌شد آن را ایدئولوژیک نامید. مدل رابطه با غرب در چهار دهه گذشته در حدی بوده که داد و ستد تجاری برقرار باشد اما در روابط سیاسی، نه خیلی فاصله که غربی‌ها از عادی سازی ناامید شوند و نه خیلی نزدیک که بخواهند در تصمیم‌سازی‌ها نقش ایفا کنند. این روش با فرهنگ جامعه که تمایل دارد در

سایه ابهام با دیگران معاشرت کند سازگاری دارد. عموماً در این جامعه، روشن و شفاف بودن، نوعی عیب و سادگی محسوب می‌شود.

بر خلاف روسیه و چین، قدرت غرب فقط در چارچوب دولتشان نیست. بخش خصوصی، جامعه مدنی، فیلم و سینما، دانشگاه‌ها، موسسات تحقیقاتی، بانک‌ها و حتی تیم‌های ورزشی، حتی فراتر از دولت‌ها قدرت نرم دارند. به عنوان یک نمونه، کشاورزان آمریکا در سال، توانایی صادرات حدود ۱۷۰ میلیارد دلار محصولات کشاورزی را دارند. در روسیه، عموم امور کشور در نهاد حکومت خلاصه می‌شود. اما چین به واسطه تعاملات بین‌المللی، شرایط متفاوتی دارد و در مقایسه با روسیه، از جامعه و بخش خصوصی غنی‌تری برخوردار است. در سال ۲۰۲۲، بخش خصوصی چین، ۵۳۹ میلیارد ترانه (Chip)، بالغ بر یک سوم بازار جهانی را با مبلغ حدود ۱۹۲ میلیارد دلار وارد کرد. ساختار غرب به نوعی است که وقتی با کشوری عادی سازی می‌کند، جامعه آن نیز ارتباطات گسترده‌ای را آغاز می‌کند. یکبار یک وزیر خارجه آلمان به این نویسنده گفت: ۹۰ درصد فعالیت‌های سفارتخانه‌های آلمان، تامین منافع بخش خصوصی آلمان در کشورهای مختلف است. از این رو، رابطه با غرب فقط رابطه با دولت‌ها نیست بلکه با جوامع آنها نیز هست که بسیار اثرگذار هستند. اما روابط با شرق اساساً با دولت‌های آنهاست.

با این مقدمه، امید دولت وقت ایران در سال ۱۳۹۲ این بود که با تحقق برجام و «حل و فصل» موضوع هسته ای با غرب، زمینه‌های گفتگو برای موضوعات دیگر فراهم می‌شود (Spillover effect). خطای نظری در این تحلیل از دو حالت خارج نیست: یا از ساز و کار قدرت در ایران آگاهی محدودی وجود داشت، کما اینکه هدف برجام عادی سازی روابط با غرب نبود، و یا شناختی از ستون فقرات مخالفت غرب با ایران وجود نداشت. چون غرب نتوانست مشکل یک و دو (یعنی مخالفت ایران با اسرائیل و فعالیت‌های گسترده ایران در منطقه) را حل کند، سراغ مشکل سوم، یعنی برنامه هسته ای رفت. این سه مشکل از دید غرب هم وزن نیستند. اهمیت مشکل سوم از نظر غرب به واسطه مشکلات اول و دوم است. یکی از تمرین‌هایی که استاد ما تلاش می‌کرد به ما بیاموزد، رتبه بندی، درصد بندی و تنظیم هرم علل وقوع یک واقعه بود. آنچه دولت وقت متوجه نشد این بود که موضوع هسته ای غرب با ایران، انعکاس دو مشکل دیگر آنهاست و مادامی که مشکلات یک و دو باقی است، حل و فصل دائمی مشکل سوم، نوعی توهم است. از این زاویه نظری، خروج دولت ترامپ از برجام و یا به مشکل برخوردن برجام با دولت‌های بعد از او، قابل پیش‌بینی بود. ایران به تعهدات برجامی خود عمل کرد ولی برجام، قراردادی با دولت او، او، او (U.S. Administration) و نه معاهده‌ای (Treaty) با حکومت آمریکا (State) که شامل هر دو قوه مجریه و مقننه می‌شود. چون بنیان‌های نظری برجام ضعیف بود و دولت ترامپ می‌توانست از آن خارج شود و شد، فضاهاى ضد غربى (Inertia) در حاکمیت ایران قوت بیشتری گرفتند و.... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

گروه روندهای فکری پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه برگزار می‌کند:

« در کجا ایستاده ایم؟ » نگاهی بر اندیشه‌ها، آورده‌ها و بایسته‌های استاد مقصود فراستخواه در جهان فکر و فرهنگ ایرانی

با حضور و مباحثه‌ی (به ترتیب حروف الفبا):



- محمد ترکمان (مدرس و تاریخ پژوه معاصر)
- اسمیه توحیدلو (جامعه‌شناس و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- فریدون رحیم‌زاده (فلسفه پژوه و عضو هیات علمی حوزه فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)
- کمال رضوی (پژوهشگر اجتماعی و دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی)
- نعمت‌الله فاضلی (انسان‌شناس و استاد بازنشسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- مصطفی مهرآیین (جامعه‌شناس و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- مختار نوری (دکتری اندیشه سیاسی و مدیر گروه روندهای فکری مرکز مطالعات خاورمیانه)

زمان: شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲ ساعت ۱۷ الی ۲۰
مکان: بلوار کشاورز، خ نادری، پلاک ۸، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

گروه روندهای فکری پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه برگزار می‌کند:

« در کجا ایستاده ایم؟ » نگاهی بر اندیشه‌ها، آورده‌ها و بایسته‌های استاد داریوش آشوری در جهان فکر و فرهنگ ایرانی

با حضور و مباحثه‌ی (به ترتیب حروف الفبا):



- عبدالوهاب احمدی (مترجم و پژوهنده در فلسفه سیاسی)
- محسن خلیلی (استاد مسایل ایران در دانشگاه فردوس مشهد)
- فرهنگ رجایی (دانشور ایر سیاسی و استاد دانشگاه کارلن)
- محسن رنایی (پژوهنده در اقتصاد سیاسی ایران)
- نعمت‌الله فاضلی (مردم‌شناس)
- مقصود فراستخواه (جامعه‌شناس)
- علیرضا مناف‌زاده (جامعه‌شناس)
- مختار نوری (مدیر گروه روندهای فکری)


زمان: پنج‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۷
نشیوه برگزاری: به صورت مجازی و از طریق این درگاه:
<https://www.skyroom.online/ch/mess509/webinar>

برخی از برنامه‌های مرکز در سال ۱۴۰۲

گروه مطالعات سیاست و تمدن ایرانی
با همکاری گروه روندهای فکری برگزار می‌کند:

روایت انتقادی آرای وائل بن حلاق

با بحث و بیان:



- دکتر سید علی میرموسوی (دانشگاه مفید)
- دکتر احمد بیستانی (دانشگاه خوارزمی)
- مدیر جلسه:
- دکتر محمد عثمانی (پژوهشگر جریان‌های فکری در خاورمیانه)

زمان: چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۷
مکان: تهران، بلوار کشاورز، خ نادری، شماره هشت، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

گروه مطالعات سیاست و تمدن ایرانی
با همکاری گروه روندهای فکری برگزار می‌کند:

امکان و امتناع تأسیس دولت اسلامی؛ روایت انتقادی آرای وائل بن حلاق

با بحث و بیان:



- دکتر سید علی میرموسوی (دانشگاه مفید)
- دکتر احمد بیستانی (دانشگاه خوارزمی)
- مدیر جلسه:
- دکتر محمد عثمانی (پژوهشگر جریان‌های فکری در خاورمیانه)

زمان: چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۷
مکان: تهران، بلوار کشاورز، خ نادری، شماره هشت، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

تهران، ۲۳ مهر ۱۴۰۲

بیانیه انجمن دوستی ایران - فلسطین

عملیات قهرمانانه مقاومت اسلامی فلسطین در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ بدون تردید نقطه عطفی در مبارزات ملت فلسطین برای رهایی از اشغال و استعمار و نیز در معادلات قدرت در منطقه محسوب می شود. این عملیات با ویژگی طراحی دقیق و استفاده از عنصر غافلگیری، باقیمانده قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی را فروپاشید و نشان داد که این رژیم با نقاط ضعف بسیاری که دارد و بحران های بی شماری که در داخل خود با آن روبروست، در حال احتضار است و نفس های آخر خود را می کشد. به همین دلیل، شاهد هستیم که این رژیم، در نهایت درماندگی، دست به رشته اقدامات جنون آمیز در نوار غزه زده و با زیرپا گذاشتن تمامی قوانین بین المللی و ارزش های انسانی و اخلاقی، جنایات بیسابقه ای را به شکل قتل عام انسان ها و ویران کردن شهر ها و منازل مسکونی و کشتار زنان و کودکان فلسطینی مرتکب می شود. عملیات مقاومت اسلامی، هرچند شکل هجومی داشت اما در واقع واکنشی بود به شانزده سال محاصره ستمگرانه و غیر قانونی نوار غزه از زمین، هوا و دریا و نیز طرح یهودی کردن قدس شریف و هتک حرمت مسجدالاقصی و مقدسات اسلامی و مسیحی در اراضی اشغالی بویژه بعد از روی کار آمدن دولت ائتلافی بنیامین نتانیاهو با گروه های افراطی که به هیچ قانونی پایبند نیستند و عملاً طرح ویران کردن مسجدالاقصی و دیگر مقدسات را دنبال می کنند. انجمن دوستی ایران و فلسطین ضمن تاکید بر حمایت همه جانبه خود از عملیات مقاومت و محکوم کردن جنایات و اقدامات ستمگرانه و ددمنشانه رژیم صهیونیستی، توجه همه ملل اسلامی و آزادگان جهان را به نکات زیر جلب می نماید. **یکم.** نوار غزه و کرانه باختری رود اردن طبق قطعنامه های متعدد شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل، بویژه قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت مناطق اشغال شده محسوب می شود و مقاومت مردمان این مناطق در برابر اشغالگری کاملاً قانونی است که باید مورد حمایت قرار گیرد. **دوم.** کشتار وحشیانه و ساکنان نوار غزه و ویران کردن خانه های آنان بدون تردید از مصادیق نسل کشی و جنایت ضد بشریت است که باید از سوی جامعه جهانی و محافل مختلف حقوقی محکوم شود و اقدامات عملی برای متوقف کردن آن صورت پذیرد. **سوم.** حمایت کور و همه جانبه کشورهای غربی از این اقدامات وحشیانه و ضد بشری رژیم صهیونیستی، برای چندمین بار تفکرات نژادپرستانه و استانداردهای دوگانه غرب و عدم پابندی آنان به قوانین بین المللی را به منصفه ظهور رساند و جا دارد که کشورهای اسلامی و مستقل این موضوع را در روابط خارجی خود با غرب بخصوص ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپائی لحاظ نمایند. انجمن دوستی ایران و فلسطین، در این شرایط حساس، از همه کشورهای اسلامی و آزادگان جهان می خواهد که به مسئولیت خود در قبال آرمان فلسطین که آرمان نخستین ملل اسلامی است عمل کنند و با همه امکانات به یاری ملت ستمدیده فلسطین بشتابند.

دکتر سید حسین موسوی

رئیس انجمن دوستی ایران و فلسطین





به قلم؛ دکتر سید حسین موسوی

دولت بایدن در تلاش است تا پیش از برگزاری انتخابات در آمریکا و تا ماه مارس ۲۰۲۴ روابط رژیم اسرائیل را با عربستان سعودی عادی سازی کند در حالی که الی کوهن، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی از پیشرفت در مذاکرات مشاور امنیت ملی آمریکا با عربستان برای امضای یک توافقنامه امنیتی میان اسرائیل و عربستان خیر می دهد، اما به نظر می رسد بن سلمان هوشیارتر از آن باشد که تا بهای کامل این عادی سازی روابط با اسرائیل را از آمریکا نگیرد، تن به توافق بدهد. بنابراین راه طولانی و ناهمواری بر سر راه عادی سازی روابط عربستان با اسرائیل وجود دارد.

درخواست‌های نظامی عربستان از آمریکا نظیر خرید هواپیماهای F-۳۵ توازن نظامی در منطقه را برهم می زند و عربستان نسبت به اسرائیل دست بالا را پیدا می کند. اسرائیل نیز چنین شرطی را برای عادی سازی روابط بر نمی تابد، الی کوهن می گوید: اسرائیل چیزی که امنیت آن را تضعیف کند، نمی پذیرد اما در ارتباط با موضوع فلسطین کوهن می گوید: مساله فلسطین مانعی برای عادی سازی روابط نیست و ما در توافق ابراهیم آن را ثابت کرده ایم. همچنین اسرائیل نسبت به شرط دیگر عربستان برای عادی سازی روابط نظر مساعدی نشان می دهد. او می گوید راه اندازی برنامه هسته ای غیر نظامی توسط ریاض در خاک آن کشور، نیازی به تایید اسرائیل ندارد. ده ها کشور پروژه های هسته ای غیر نظامی اجرا می کنند و تلاش می کنند از این طریق انرژی تولید کنند، این تهدیدی برای اسرائیل و یا دیگر همسایگان به شمار نمی رود. در مجموع با وجود آنکه بعید است اسرائیل خواست عربستان در خصوص دادن امتیاز به فلسطینی ها، توقف شهرک سازی و یا موافقت با دولت فلسطین را بپذیرد، اما گویا موضوع فلسطین مانع جدی برای برقراری روابط رسمی نیست بلکه عربستان بیش از هر چیز برای عادی سازی روابط با اسرائیل از آمریکا امتیاز می خواهد.

این کشور خواهان قدرت دفاعی برتر در منطقه است. لذا برای حل این معضل آمریکایی‌ها در نظر دارند که معماری امنیتی جدیدی را با حضور سنتکام، ارتش اسرائیل و قوای نظامی کشورهای عربی از جمله عربستان مبتنی بر همکاری، مشارکت و دفاع در برابر تهدیدات ناشی از دشمنان منطقه‌ای و عمدتاً ایران ایجاد کنند تا مساله شروط عربستان برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل در یک ادغام منطقه‌ای حل شود. البته تاکنون کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ویژه عربستان و امارات نسبت به این طرح آمریکا علاقه‌ای نشان نداده‌اند و با توجه به تجربیات گذشته مایل نیستند جورکش اسرائیل در منطقه باشند به ویژه آنکه هنوز حملات انصار حزب‌الله یمن را که آمریکا نسبت به آن واکنش کافی نشان نداد، به خاطر دارند

لذا ترجیح می‌دهند از طریق حفظ روابط با جمهوری اسلامی ایران خود را از ماجراجویی‌های رژیم اسرائیل و آمریکا به دور نگهدارند. آنان به خوبی می‌دانند در صورت ایجاد بحران و یا جنگ متضرر اصلی آنان خواهند بود. گزارش‌ها حاکی از آن است که حتی در شرایطی که بن سلمان میزبان مقامات آمریکایی برای مذاکره پیرامون عادی‌سازی روابط با اسرائیل بود، همزمان ریاض در حال پیگیری معاملات تسلیحاتی بزرگی با پکن نیز بود. از سوی دیگر عربستان می‌داند که رژیم راست‌گرای نتانیاهو اساساً یک رژیم امنیتی است.

طرح اصلاحات قضایی، گسترش شهرک‌سازی در کرانه غربی، حمله به اردوگاه جنین، حملات روزانه به سوریه و نیز درگیری با حزب اله، حماس و جهاد اسلامی و مقاومت در برابر موج دموکراسی خواهی در میان جوانان یهودی، این دولت را تا اطلاع ثانوی همچنان در فضای امنیتی، نظامی و در حالت جنگی نگه می‌دارد. لذا همراهی و همکاری با رژیم اسرائیل می‌تواند برایشان دردسر ساز باشد. بنابراین ترجیح می‌دهند بر تصمیم سیاسی خود مبنی بر چند جانبه‌گرایی، بهبود روابط با ایران، کاهش تنش با همسایگان و نیز ارتقاء روابط با چین و روسیه برای تحقق برنامه‌های بلندپروازانه توسعه اقتصادی اصرار ورزند حتی اگر این تصمیمات خشم آمریکا را برانگیزد.

دولت نتانیاهو در مقابل این بی‌انگیزگی شورای همکاری خلیج فارس طرح‌های اقتصادی بزرگی را مطرح کرده است. از جمله این موارد طرح توسعه شبکه ریلی به ارزش ۲۷ میلیارد دلار در داخل اسرائیل است. این پروژه که به نام «پروژه یک اسرائیل» نامیده شده است، با هدف کاهش زمان تردد میان مراکز اداری و تجاری اسرائیل توسعه می‌یابد و تل‌آویو را به مناطق دورافتاده متصل می‌کند.

نتانیاهو می‌گوید که با اجرای این طرح ما قادر خواهیم شد که از طریق شبکه راه آهن ایلات در ساحل جنوبی، دریای سرخ را به سواحل مدیترانه‌ای خود متصل کنیم. در آینده این کریدور امکان اتصال به شبه جزیره عربستان را برای ترانزیت کالا فراهم می‌آورد و قابلیت اتصال خلیج فارس، دریای سرخ... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.



خطای راهبردی

دکترین

امنیت ملی

رژیم صهیونیستی

به قلم؛ دکتر مجتبی جامعی، ناظر علمی گروه مطالعات مسائل اسرائیل

سند ارزیابی راهبردی ۲۰۲۳ رژیم صهیونیستی برگرفته از پژوهش مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS / یکی از پنجاه مؤسسه اثرگذار جهان) بوده و برای بهره‌مندی رژیم و شخص اسحاق هرتز وگ تنظیم می‌گردد. این سند علاوه بر مطالعات امنیت ملی، تهدیدات و تحولات پیشرو، منافع و امنیت ملی به تحلیل راهبردی می‌پردازد که به عنوان دکترین امنیت ملی نیز قلمداد می‌شود. با نگاه به این سند، سه خطای راهبردی در دکترین امنیت ملی اسرائیل به شرح ذیل منجز و مسلم می‌باشد که عدم توجه سیاست-گزاران به آن، موجب کاهش اعتبار رژیم از حیث نظامی، امنیتی و دفاعی را در جنگ با حماس فراهم آورد:

۱. تمرکز ویژه به مسأله ایران و حزب‌الله لبنان و تغافل به تهدیدات نظامی و امنیتی حماس

در این دکترین، فوری‌ترین و جدی‌ترین تهدید پیش روی رژیم از منظر امنیتی را مسأله هسته‌ای شدن ایران و عدم واکنش سریع به این پیشرفت از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی که درگیر مسایل مهم جهانی همانند چین، روسیه و جنگ اوکراین شده‌اند، می‌داند و بخش اعظمی از توان خود را برای برگشت پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد دانسته است یا قریب‌الوقوع‌ترین تهدید نظامی را در عرصه شمالی با حضور لبنان، سوریه و همه بازیگران دولتی و غیردولتی مورد عنایت قرار می‌دهد، در حالی که علی‌رغم تکرار (۲۸) مرتبه واژه حماس از سوی دکترین، هیچ‌گاه حماس به عنوان تهدید اصلی در سطوح نظامی و امنیتی تلقی نگردید و همواره حماس را به عنوان جنبشی با مشروعیت پایین در میان مردم فلسطین و صاحب اختلاف با جنبش فتح معرفی می‌نماید و صرفاً حماس را در حال تحکیم قدرت آنهم برای کنترل محدوده اردوگاه فلسطینیان توصیف می‌دارد بنابراین یکی از خطاها در فوریه ۲۰۲۳، توجه بیش از حد به تهدیدات امنیتی و نظامی ایران و حزب‌الله داشته و این مذاقه، موجب نادیده گرفتن قدرت امنیتی و نظامی حماس گردید. این عدم تمرکز از سوی سند، به صراحت احتمال جنگ با حماس را بسیار کم رنگ تر از احتمال جنگ با حزب‌الله عنوان می‌دارد.

۲. تمرکز اصلی به روی کرانه باختری و غفلت از باریکه غزه

در سند ارزیابی راهبردی اسرائیل، روندهای نگران کننده‌ای از جمله؛ تضعیف تشکیلات خودگردان و کاهش نفوذ آن در فلسطین، شیوع خشونت و هرج و مرج و ایجاد ناامنی توسط ایران و تولید وخامت چند وجهی در کرانه باختری به عنوان چالش اصلی قید می‌شود و صراحتاً پیش‌بینی قیام مسلحانه مردمی در این منطقه مطرح می‌گردد، در حالی که غزه به لحاظ جغرافیای سیاسی، سیاست جغرافیایی، تونل‌های زیرزمینی و... به عنوان موقعیت راهبردی می‌تواند نقش حیاتی در عمق استراتژیک سرزمینی رژیم داشته باشد که با عنایت به خطای راهبردی در این سند، این نقش و در پی با جنگ حماس در حال تحقق می‌باشد.

۳. توهم تفوق در صنایع دفاعی با تأکید بر گنبد آهنین

اتکای غیرواقعی به تحصیل امنیت به اعتبار سیستم دفاعی گنبد آهنین یکی دیگر از خطاهای راهبردی دکترین امنیت ملی آن رژیم قلمداد می‌گردد. در این سند با اشاره به عملیات «سپیده دم» در آگوست ۲۰۲۲، اعلام گردید ۹۶ درصد از هزار موشک پرتاب شده به سمت اسرائیل رهگیری شده و با توجه به کارآمدی آن، موضوع به عنوان چالش مطرح نمی‌باشد و نظر به رشد ۱۲٪ فروش صنایع هوافضا (۶۰۱.۳ میلیون دلار) و افزایش ۲۹٪ سود ناخالص در ۲۰۲۱ در مقایسه با سال ۲۰۲۲، آن را یکی از نقاط قوت صنایع دفاعی اسرائیل می‌داند لیکن با شروع جنگ در هفتم اکتبر و ضربه‌پذیری رژیم صهیونیستی از این ناحیه، به عنوان خطای راهبردی سوم یاد می‌گردد.

www.cmess.ir

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.





خوابی که اسرائیل برای منطقه دیده است

به قلم: ابوالقاسم قاسم‌زاده

اگر بخواهید نگاهی به تاریخ خاورمیانه از سیر تکوین و تثبیت کشور و دولت اسرائیل داشته باشید تا از صورت‌بندی و مفهوم رژیم صهیونیستی، به مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل و قطعنامه مصوب «۳۳۷۹» آن نگاه کنید، در مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۰ نوامبر ۱۹۷۵ و قطعنامه ۳۳۷۹، جمله و گزاره «صهیونیسم مترادف با نژادپرستی است» به تصویب رسید و با تصویب آن رژیم صهیونیستی به عنوان «رژیم نژادپرست» محکوم شد، اما این مصوبه یک هفته بیشتر دوام نیافت و با تلاش دولت‌های وقت در آمریکا و سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس و همچنین همکاری دولت وقت شوروی سابق پس گرفته شد و در بایگانی فراموشی سازمان ملل مدفون شد.

نویسنده در این مقاله درباره سیاست کینه توزی و خشونت ورزی رژیم صهیونیستی علیه مسلمانان در سراسر منطقه خاورمیانه چنین نوشته است: طی ۱۲ سال اخیر، یعنی از سال ۲۰۱۱ به این سو، ۱۳ میلیون نفر از جمعیت ۲۳ میلیون نفری سوریه، آواره شده، خانه و کشور خود را ترک و روانه ترکیه، اروپا و دیگر مناطق شدند. در این مدت، حدود نیم میلیون نفر از مردم سوریه نیز کشته شده‌اند. اکنون نیز قریب به دو و نیم میلیون نفر در غزه، به صورت حساب شده و سازمان یافته، تار و مار می‌شوند تا هیچ انگیزه‌ای برای بازگشت به محل زندگی پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نداشته باشند. بیشتر هم، نزدیک به هشت میلیون فلسطینی، از وطن و خانه خود آواره شدند، به اردن و سوریه و لبنان و... پناه بردند و تاکنون با دریافت یومیه سازمان ملل روزها را می‌شمارند. این ده‌ها میلیون انسان، نه قدرت انتقام دارند و نه طاقت تحمل، به زبان نیچه و ماکس شلر چنین وضعی (ناتوانی در انتقام - کلانگی در تحمل) منجر به ظهور و انباشت «مقاومت» شده است». در مسیر این تاریخ در فلسطین اشغالی با کمک کشورهای آمریکا، اروپایی و روسیه رژیم صهیونیستی دو اصل را همواره مدنظر داشته و دارد:

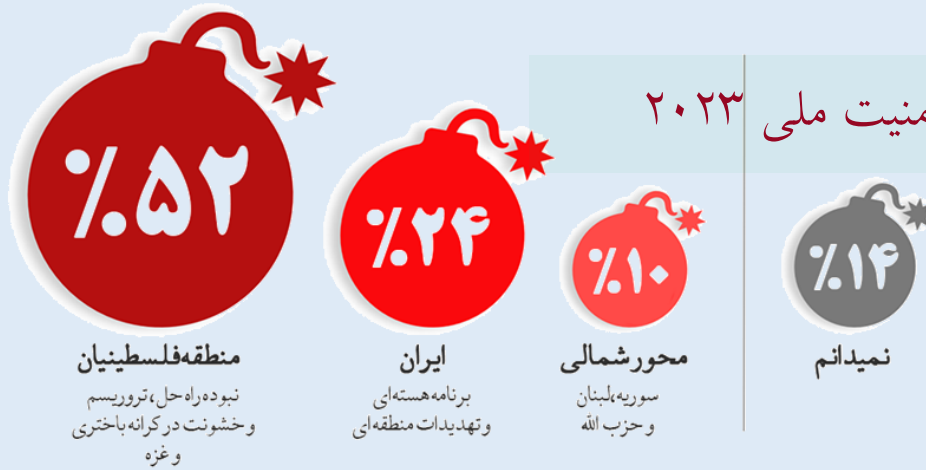
اول، اصل باور سرزمین صهیونیستی که گستره آن را بنیانگذاران این رژیم از «نیل تا فرات» ترسیم به آن اذعان کرده‌اند.

دوم کسب برتری تکنولوژیکی و علمی در خاورمیانه با همکاری ۲ ابرقدرت غربی و شرقی، شاکله کتاب یا مانیفست خاورمیانه جدید که از سوی صهیونیست مشهور «شیمون پرز» تدوین شد و انتشار گسترده یافت بر محوریت برتری طلبی یا هژمونی صهیونیستی بر سراسر خاورمیانه استوار بوده است. او در این کتاب که به زبان‌های عربی و فارسی نیز ترجمه شده خطاب به همه به ویژه کشورهای عربی، خطر اصلی در سراسر منطقه را پیروزی انقلاب ایران و تشکیل جمهوری اسلامی معرفی و نقد می‌کند. زمان انتشار آن در اوج جنگ تحمیلی صدام علیه ایران است که در آن شعار همسویی دولت‌های عربی و اسرائیل به منظور تقابل با انقلاب اسلامی ایران را با گزاره «دشمن اصلی همزیستی مسالمت آمیز اعراب و اسرائیل، ایران است، تبیین ساخت. جریان سازش از زمان ریاست جمهوری «انور سادات» در مصر با تأکید بر این گزاره که «جنگ با اسرائیل نتیجه‌ای ندارد و از این پس سازش اعراب و اسرائیل محوریت دارد.» آغاز شد.

انور سادات به اسرائیل رفت و در «کنست» (مجلس اسرائیل) این شعار خود را با تبیین «صلح» ارائه داد. این جریان «هژمونی طلبی» صهیونیستی را ابتدا با اعلام روابط دوجانبه با دولت‌های مسلمان منطقه همزمان برتری نظامی اسرائیل برنامه‌ریزی و به اجرا در آورد تا آنجا که رژیم صهیونیستی در حالی که تا امروز عضویت «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» را نپذیرفته است، اما خود را یکی از کشورهای دارای سلاح اتمی می‌خواند و مانور قدرت برتر می‌دهد؛ آن هم در حالی که دو ابر قدرت شرقی و غربی یعنی روسیه و آمریکا و سه کشور اصلی اروپایی، (انگلیس، فرانسه و آلمان) هر پیشنهاد یا قطعنامه آژانس انرژی اتمی درباره بررسی و رسیدگی به شرایط اتمی رژیم صهیونیستی را وتو و رد کرده‌اند!

جریان سازش با اسرائیل تا برقراری روابط رسمی سیاسی با رژیم صهیونیستی از سوی چند دولت عربی و غیرعربی ادامه یافت. در حالی که در تقابل با هژمونی طلبی رژیم صهیونیستی بر سراسر کشورهای مسلمان، جریان «مقاومت» سر برآورد و نشان داد که «رژیم صهیونیستی» همچنان بر سلطه هژمونی تفکر نژادپرستی استوار است. «حماس» جریان مقاومت فلسطینی در چنین شرایطی صف شکنی کرد. آن هم در حالی که «نتانیاها» با یک رأی اضافی و حمایت راستگرایان افراطی صهیونیست در اسرائیل، نخست وزیر شد و دولت تشکیل داد. سه بار، وزیر کشور او که از افراطیون صهیونیست است، به «مسجد الاقصی» رفت و شعار ویران‌سازی «گنبد الاقصی» (قبله دوم مسلمین جهان) را به طور علنی فریاد زد. حماس در چنین فضایی قیام و صف شکنی کرد و عملیات خود را «طوفان الاقصی» نامید و آن را صف شکنی «مقاومت فلسطینی» در برابر افراطیون صهیونیست در دولت نتانیاها نامید. صف شکنی جنبش مقاومت حماس، فریاد مظلومیت مسجد الاقصی است. بمباران‌ها و کشتار زنان و کودکان فلسطینی تا ویران‌سازی

شاخص امنیت ملی ۲۰۲۳



مجتبی جامعی

ناظر علمی گروه مطالعات جامعه و سیاست اسرائیل

شاخص امنیت ملی که توسط مؤسسه مطالعات امنیت ملی (INSS) تدوین شده است، بطور منظم و سیستماتیک گرایش‌ها و نظرات مردم اسرائیل را درباره مسائل امنیت ملی دنبال می‌کند. اواخر سال ۲۰۲۲ اسرائیل با مسائل متعددی همچون روی کار آمدن دولت جدید، افزایش بحران امنیتی و حمله‌های تروریستی و گزارشاتی از افزایش فعالیت هسته‌ای ایران مواجه بود. آخرین نظرسنجی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که عموم مردم از تهدیدات اجتماعی داخلی در اسرائیل بیشتر از تهدیدات امنیتی خارجی نگران هستند (۶۴٪ در مقابل ۲۶٪). یکی از مباحث اصلی در سال گذشته، حاکمیت و امنیت فردی شهروندان اسرائیل در پی وقایع خشونت‌آمیز در جاده‌ها، افزایش جرم و احساس ضعف حاکمیت در کشور بوده است. علاوه بر این برای اولین بار، مردم نگرانی بیشتری نسبت به جنایت و خشونت در جامعه نسبت به خشونت‌های ناشی از مسائل ملی‌گرایی دارند. تقریباً ۶۰٪ مردم اخیراً کاهش احساس امنیت شخصی را تجربه کرده‌اند و درباره صدمات فیزیکی خود یا اعضا خانوادشان به دلیل راندگی‌های بی پروا در جاده نگرانند (۳۱٪)؛ ۱۴٪ دیگر برای دستگیر شدن حین تماشای درگیری بین باندهای تبهکاری و دسته‌های خلافکاران ابراز نگرانی کرده‌اند. به همین ترتیب، ۳۰٪ درباره صدمات ناشی از حملات تروریستی و ۱۴٪ دیگر درباره صدمات ناشی از درگیری‌های بین اعراب و یهودیان ابراز نگرانی کرده‌اند. هزینه زندگی، امنیت شخصی و مسئله حاکمیت، اولویت ۷۳٪ مردم از دولت آینده است (به ترتیب ۳۷ و ۳۶٪). شاخص‌ها نشان می‌دهد که امسال هم اکثریت مردم باور دارند که وضعیت امنیت ملی قابل قبول بوده اما کاهش مشخصی در طول دو سال گذشته داشته است. سوال بعدی این بود که بهترین گزینه برای حل تعارض اسرائیل و فلسطین در آینده نزدیک چیست؟ زمانی که امکان انتخاب چند گزینه به ایشان داده شد، گزینه مطلوب جدایی و تلاش برای یک توافق جامع بود بطوریکه دو دولت برای دو ملت ایجاد گردد: ۵۶٪ با این مورد موافقت کردند (توافق برای جدایی از فلسطینی‌ها ۳۱٪، تلاش برای توافق جامع دو ملت دو دولت ۲۵٪). همچنین ۱۲٪ به حفظ وضع موجود رای دادند؛ ۱۰٪ از گزینه یک کشور دو ملیتی بدون اعطای حقوق برابر به فلسطینی‌ها حمایت کردند؛ ۵ درصد نیز گزینه دولت واحد دو ملیتی با اعطای حقوق برابر به فلسطینی‌ها انتخاب نمودند؛ و باقی پاسخ دهندگان گزینه نمیدانم را ترجیح دادند. با توجه به سیاست اسرائیل در قبال بیت المقدس، بیش از نیمی از مردم خواهان بازدید آزادانه یهودیان از

مسجدالاقصی هستند (۵۵٪، ۶۱٪ یهودیان و ۲۲٪ اعراب)، از این میان ۱۶٪ از اسرائیلی‌ها باور دارند که یهودیان باید اجازه عبادت در این مکان را داشته باشند. یک پنجم مردم مخالف بازدید یهودیان از مسجدالاقصی بوده و ۲۴٪ گزینه نمیدانم را انتخاب کردند.

سوال بعدی این بود که اسرائیل چگونه باید به ساخت موشک‌های نقطه‌زن توسط حزب الله پاسخ دهد؟ با توجه به افزایش تنش بین آمریکا و چین، بیش از نیمی از اسرائیلی‌ها (۵۶٪) معتقدند که اسرائیل باید در صورت خواست آمریکا، به هر طریقی از صادرات تکنولوژی به چین خودداری کند. نتایج نشان می‌دهد که ۷۱٪ از مردم باور دارند که اسرائیل به منظور حفظ روابط ویژه خود، باید در تنظیم سیاست‌هایش، نیازها و منافع آمریکا را در نظر بگیرد، و همچنین یافته نشان می‌دهد که نصف مردم (۴۳٪) معتقدند اسرائیل می‌تواند از پس تبعات کاهش حمایت آمریکا از این دولت بر بیاید. سوال بعدی این بوده که اگر آمریکا درخواست کند که اسرائیل از صادرات تکنولوژی به چین خودداری کند، اسرائیل باید چه اقدامی کند؟ ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

برخی از برنامه‌های مرکز در سال ۱۴۰۲

پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه برگزار می‌کند:

وارسی تخصصی؛ رخداد غزه و آینده ترتیبات استراتژیک خاورمیانه

با حضور و سخن:

	آقای محمد علی مهتدی (پژوهشگر ارشد در مرکز مطالعات خاورمیانه) (روایت بحران)
	دکتر یدالله کریمی پور (دانشگاه خوارزمی) (تأثیرات ژئوپلیتیک رخداد)
	دکتر شهریار نیازی (دانشگاه تهران) (ارکان استراتژیک بحران)
	دکتر ابوالقاسم قاسم‌زاده (عضو شورای سیاست‌گذاری مرکز) (تبار تاریخی رخداد)
	آقای فریدون مجلسی (نویسنده و دیپلمات ارشد بازنشسته) (ملاحظات آمریکا در رخداد غزه)
	دکتر عبدالامیر نبوی (مدیر گروه مطالعات مصر) (ملاحظات مصر در رخداد غزه)
	دکتر هادی آذری (مدیر گروه حقوق در مرکز مطالعات خاورمیانه) (امکان وارسی حقوقی رخداد)
	دکتر امین پرتو (مدیر گروه سوریه شناسی) (مختصات نظامی اطلاعاتی رخداد)
	آقای منصور بواتی (متخصص مسایل اسرائیل - فلسطین) (آینده حماس)
	پروفسور راهبر کفرانس : دکتر قدیر نصیری (استاد دانشگاه و رییس پژوهشکده مطالعات خاورمیانه)

زمان: یک‌شنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۲ ساعت ۱۶ الی ۲۰
مکان: تهران، بلوار کشاورز، خ نادری، شماره هشت

گروه مطالعات خلیج فارس و کشورهای همجوار
پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه برگزار می‌کند:

آینده عادی‌سازی مناسبات عربستان سعودی - اسرائیل و گزینه‌های پیششاروی ایران

با سخن و ارایه:

	دکتر شیرین هانتر (استاد دانشگاه جرج تاون)
	دکتر نادر انتصار (استاد دانشگاه آلابامای جنوبی)

با اداره و پرسش‌های:

	دکتر جواد حیران‌نیا (مدیر گروه مطالعات خلیج فارس و کشورهای همجوار)
---	--

زمان: پنج‌شنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۲، ساعت ۱۹ تا ۲۰:۳۰
شیوه برگزاری: به صورت مجازی از طریق این لینک:
<https://www.skyroom.online/ch/imess509/webinar>

پایان دموکراسی اسرائیل؟

به قلم؛ الیوا لیبلیچ و آدام شینار

ترجمه؛ حمیدرضا کریمی

بنیامین نتانیاهو پس از کسب یک پیروزی غیره منتظره در انتخابات نوامبر ۲۰۲۲، راست‌گرا ترین دولت تاریخ اسرائیل را تشکیل داده است. اعضای افراطی ناسیونالیست و افراطی ارتدوکس این کابینه در مورد همه چیز اتفاق نظر ندارند، اما بر یک هدف متمرکزاند که عبارت است از: تضعیف قوه قضاییه اسرائیل و تقویت کنترل دولت بر دادگاه‌ها و خدمات دولتی. ماه گذشته دولت نتانیاهو از برنامه‌هایی برای انجام این کار رو نمایی کرد. اگرچه این تغییرات به صورت معتدل بیان می‌شد اما آن‌ها تمام موازنه در نهادها را به برهم می‌زند و قدرت عظیمی را به قوه مجریه می‌دهد. این امر به نوبه خود گام بعدی را که ائتلاف بر سر آن توافق کرده بود، یعنی سوق دادن ملت به استبداد هم در سرزمین‌های اشغالی و هم در اسرائیل، را ممکن می‌سازد. نتانیاهو معتقد است که این اصلاحات برای بازگرداندن موازنه قوا بین قوه مقننه و قوه قضاییه ضروری است. اما بسیاری از اسرائیلی‌ها مخالف هستند و در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۳ بیش از ۱۳۰ هزار نفر به خیابان‌های تل‌آویو و دیگر شهرها آمدند تا به تغییرات پیشنهادی اعتراض کنند. از آن زمان تاکنون، اعتراضات روزانه علیه آنچه که بسیاری از اسرائیلی‌ها از دیکتاتوری قریب الوقوع آن می‌ترسند، شکل گرفته است. تظاهرات دیگری در ۲۸ ژانویه با حضور بیش از ۱۰۰ هزار نفر شکل گرفت. نتانیاهو و متحدانش این اعتراضات را با برچسب توطئه خارجی و چپ‌گرا بودن رد کرده‌اند. اما دانشگاهیان و دانشجویان همگی علیه طرح وی بسیج شده‌اند و... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

رونمایی و واری محتوایی برخی از کتاب تازه منتشره شده در سال ۱۴۰۲

گروه رندهای فکری پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه
با همکاری انجمن علمی علوم سیاسی ایران برگزار می‌کند:

**گفت و گو با پروفسور فرهنگ رجایی / استاد دانشگاه کارتون کانادا
به مناسبت انتشار کتاب:
حضور و بازیگری در امر سیاسی:
انسان ورزی و سیاست**

مدیر نشست:
دکتر قدیر نصری
(دانشیار دانشگاه خوارزمی و رییس پژوهشکده)

زمان: **دوشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۲ ساعت ۱۷**
مکان: تهران، بلوار کشاورز، خیابان نادری، شماره هشت، پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه

گروه رندهای فکری پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه
با همکاری انجمن علمی علوم سیاسی ایران برگزار می‌کند:

**رونمایی و واری نکته‌ها و آموزه‌های کتاب:
مدرنیته بازاندیشانه؛ سیاست و سنت در نظم اجتماعی مدرن**

با حضور و سخن:

- دکتر حسین سلیمی (استاد سیاست و روش‌شناسی در دانشگاه علامه)
- دکتر عباس کاظمی (نویسنده و پژوهنده در جامعه‌شناسی)
- دکتر رضا نجف‌زاده (عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر سلمان صادقی‌زاده (مترجم اثر و عضو هیات علمی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

مدیر نشست:
دکتر قدیر نصری
(دانشیار اندیشه سیاسی در دانشگاه خوارزمی)

زمان: **یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲ ساعت ۱۶ تا ۱۷**
مکان: تهران، بلوار کشاورز، خیابان نادری، شماره شش، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

بازسازی ارتش سوریه تهدیدی برای اسرائیل



به قلم؛ **دین کادوری**، **یهوشوآ کالیسکی** و **تال آوراها**
ترجمه؛ **دکتر مجتبی جامعی**

قدرت عملیاتی ارتش انجام داده که در راس آنها جذب و آموزش سربازان جدید، انتصاب فرماندهان جدید و بهبود آموزش های معمول است. اعتقاد عمومی بر این است که در سال های اخیر، ارتش سوریه برنامه آموزشی طراحی شده برای آماده سازی سربازان برای جنگ با اسرائیل را از سر گرفته است. طی سال گذشته، ارتش سوریه که به دلیل جنگ داخلی به شدت تضعیف شده بود، با سرعت بسیار روند بازسازی را پشت سر گذاشته است که این امر همزمان با بازسازی غیرنظامی در سوریه شکل گرفت. اگرچه ارتش سوریه با چالش های زیادی مواجه بوده و از تهدید فوری برای اسرائیل دور است، اما تلاش ها برای بازسازی باید مورد توجه قرار گیرد؛ برخی از این بازسازی ها قبلاً تهدیدات راهبردی بالقوه ای را برای اسرائیل ایجاد کرده اند: در حوزه متعارف؛ موشک ها، پهپادها و سیستم های پدافند هوایی و در حوزه غیرمتعارف؛ قابلیت های تهاجمی، تسلیحات شیمیایی و....

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

چالش اصلی در بازسازی نظامی سوریه (و همچنین در بازسازی کشور به طور کلی) وضعیت وخیم اقتصادی است. امسال اقتصاد سوریه با تورم افسار گسیخته، بحران ارز خارجی و کمبود شدید سوخت به پایین ترین حد خود از زمان آغاز جنگ داخلی رسید. این بحران از سال ۲۰۱۹ تا حدودی به دلیل بحران مشابه در لبنان ادامه یافته است. همه گیری کووید-۱۹، تحریم های بین المللی و جنگ در اوکراین نیز به اقتصاد سوریه آسیب رساند، بحران سوخت را تشدید کرد و منابع روسیه را از سوریه به اوکراین منحرف کرد. در عین حال، کاهش سرعت حمل و نقل نفت از ایران به سوریه به طور قابل توجهی به اقتصاد رژیم آسیب وارد کرد. علاوه بر بحران اقتصادی، ارتش سوریه با کمبود نیروی انسانی مواجه است. نیروهای موجود، که برخی از آنها شورشیان سابق تحت فرماندهی ارتش هستند، از نظر وفاداری، آموزش عملیاتی و اثربخشی رزمی مورد تردید می باشند. اما سوریه با همکاری روسیه و ایران اقدامات متعددی را برای احیای توانایی و

چرا ایران وارد جنگ حماس و اسرائیل نمی‌شود؟



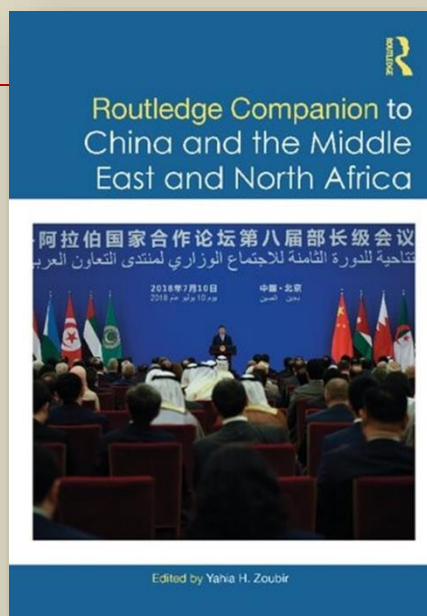
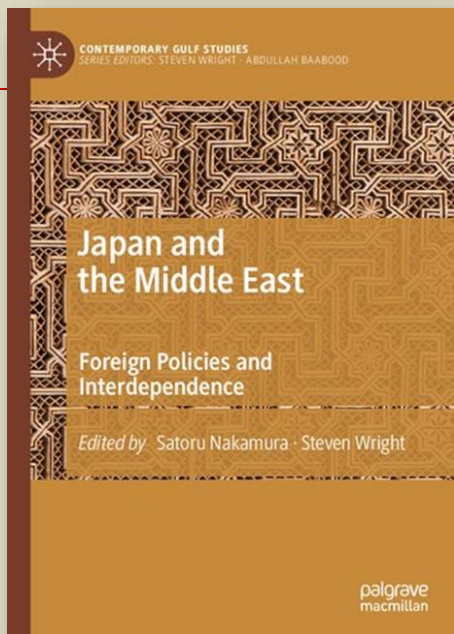
به قلم: مسعود رضائی

دفاع» خود بی‌اطلاع بوده و یا اینکه همانند حادثه ۱۱ سپتامبر، کم توجهی و نادیده گرفتن چنین حادثه‌ای را به عنوان تصمیمی سخت و طرحی محرمانه برای پاکسازی غزه از نیروهای حماس و حتی سکویی برای هموار کردن ابتکارهای امنیتی آینده در خاورمیانه در نظر بگیریم؛ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست که آیا اسرائیل واقعاً مایل است در این جنگ، طرف بازنده نبرد اطلاعاتی دیده شود یا قربانی خشونت‌های نیابتی؟ در نتیجه این جنگ، چه کسی مقهور خواهد شد و کدامیک زنده خواهد ماند؟ جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت از این جنگ متفع خواهند شد و یا ناخواسته در زمین اسرائیل بازی کرده‌اند، متفاوت خواهد بود. فارغ از این ملاحظات و ابهام‌های استراتژیک و همچنین تهدیدهای آشکاری که ابتدای جنگ از طرف تهران مبنی بر احتمال باز شدن جبهه‌های جدید علیه اسرائیل به صورت مستقیم و یا توسط حزب‌الله و حوثی‌های یمن مخبره شد، فرمانده...

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

حمله ناگهانی نیروی مقاومت فلسطینی حماس به اسرائیل در پانزدهم مهر ماه ۱۴۰۲، طی عملیاتی با عنوان «طوفان الاقصی»، حیرت و شگفتی جهان را در پی داشت؛ تا جایی که بسیاری از مقام‌های غربی، ناظران و رسانه‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان بازیگر پشت پرده و مغز متفکر این عملیات معرفی کردند. رویدادی نادر و بی‌سابقه که در ظاهر، با مفاهیمی چون شکست تاریخی، خدشه‌دار شدن شهرت بازدارندگی، ضعف دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی و پایان افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل برجسته شد. موضوعی که البته با اظهارنظرهای متعدد و مواضع متناقض بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و نظامی در تهران، همانند جنگ اوکراین، به چهره امنیتی جمهوری اسلامی ایران، ابعاد جدید و گسترده‌تری بخشید. بسته به اینکه بپذیریم اسرائیل با وجود برخورداری از طیف وسیعی از دارایی‌های وسیع اطلاعاتی و امنیتی (از ایستگاه‌های هشدار زمین پایه تا سامانه‌های فضایی و سایبری) از برنامه ریزی، تحرک‌ها و احتمال چنین حمله‌ای در «حلقه اول مرزهای قابل



به قلم؛ شهاب دلیلی

عنوان کتاب؛ ژاپن و خاورمیانه

ساتورو ناکامورا، استاد روابط بین الملل در دانشگاه کوبه (ژاپن) و دستیار ویژه سفارت ژاپن در ریاض با همکاری استیون رایت، دانشیار روابط بین الملل در دانشگاه حمد بن خلیفه (قطر) در کتاب «ژاپن و خاورمیانه» (۲۰۲۳) به واریسی سیاست خارجی توکیو پرداخته‌اند. به عقیده آن‌ها با پایان حضور بریتانیا در شرق سوئز در ۱۹۷۱ بخش قابل توجهی از ادبیات دانشگاهی صرفاً به روابط اقتصادی و سیاسی خاورمیانه و آمریکا توجه و تمرکز کرده‌اند و کمتر به روابط دیگری مانند روابط ژاپن و کشورهای خاورمیانه متمرکز شده‌اند. این در حالی بود که ژاپن از سال ۱۹۶۸ به لحاظ حجم تولید ناخالص داخلی در رتبه دوم کشورهای جهانی ایستاده و قدرت اقتصادی در سطح بین الملل به حساب می‌آید؛ و به تدریج در مجامع بین المللی مانند سازمان ملل یا گروه G۷ نقش تعیین کننده‌ای به دست آورده بود. آن‌ها در آسیای نیز... ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

عنوان کتاب؛ چین، خاورمیانه و شمال آفریقا

یحیی زبیر، استاد روابط بین الملل در دانشکده بازرگانی دانشگاه KEDGE و پژوهشگر مهمان در مرکز بروکینگز در دوحه به همراه گروهی از نویسندگان از جمله منوچهر دراج، کامبیز زارع و... در کتاب «چین و خاورمیانه و شمال آفریقا» (۲۰۲۳) رشد روزافزون روابط تجاری و اقتصادی پکن با کشورهای منطقه منا واریسی کرده‌اند تا به یک سوال مرکزی پاسخ دهند مبنی بر این که چرا برخلاف روابط تجاری و اقتصادی، پکن روابط سیاسی و امنیتی خود با کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را افزایش و ارتقاء نداده است؟ با آن که پکن چیزی در حدود ۵۰ درصد انرژی مورد نیاز خود را از این منطقه به دست می‌آورد اما چرا همچنان تلاش دارد تا روابط سیاسی و امنیتی خود با کشورهای این منطقه را محدود نگه دارد؟ پکن از دهه ۲۰۱۰ روابط خود با اکثر کشورهای خاورمیانه و... ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

ارزش راهبردی توفان اقصی و ابعاد آن در سطح بین‌المللی

به قلم؛ شهریار نیازی، استاد دانشگاه تهران و عضو شورای راهبری مرکز مطالعات خاورمیانه

۱. عملیات توفان اقصی به عنوان یک اقدام پیش‌دستانه بیش از آن که یک رویداد محلی و منطقه‌ای در چارچوب درگیری‌های اسرائیلی - فلسطینی و یا مناقشات اعراب و اسرائیل باشد، دارای ابعاد بین‌المللی است. این نوشته به ارکان و ابعاد بزرگ مقیاس این عملیات می‌پردازد.

۲. در چارچوب اقتدار قانونی یک دولت فلسطینی، بخش غزه افزون بر دسترسی مناسب به دریای مدیترانه دارای سهم قابل توجهی از منابع انرژی گاز طبیعی و نفت در شرق مدیترانه است. اکتشافات در شرق مدیترانه از حجم بزرگی از ذخایر گازی و نفتی در آب‌های ساحلی لبنان، اسرائیل و فلسطین به ویژه غزه خبر می‌دهد که در صورت بهره‌برداری ثروت قابل توجهی را در «میدان مارین» برای بخش غزه رقم می‌زند. به نظر می‌رسد رژیم اسرائیل با تلاش برای کوچ دادن اهل غزه و کشتار سازمان‌یافته آنان در صدد است حاکمیت قانونی بهره‌برداری از این ثروت ساحلی را از بخش غزه سلب کند. در حال حاضر استحصال گاز غزه توسط اسرائیل انجام می‌گیرد و با تبدیل آن به میعانات گازی L.N.G از طریق مصر به اروپا صادر می‌شود.

۳. اسرائیل در صدد است با بهره‌برداری کامل از ذخایر گازی مشترک با لبنان و همچنین در آب‌های ساحلی خود و نوار غزه، در آینده‌ای نزدیک از طریق خط لوله دریایی و از مسیر قبرس، یونان و ایتالیا گاز رسانی به اروپا را از آن خود کند. تا در غیاب گاز روسیه و یا استحصال ناشی از اکتشافات دریای سیاه توسط ترکیه و یا گاز ایران و قطر جایگزین تعیین‌کننده آنان باشد.

۴. افزون بر مساله انرژی که بر ایجاد اختلافات مرزی دریایی و تنش در شرق مدیترانه دامن می‌زند، موضوع گذر راه‌های استراتژیک که شرق آسیا را به عنوان ابر تولیدکننده از طریق غرب آسیا به عنوان مالکان گذرگاه‌ها به مصرف‌کنندگان اروپایی و آفریقایی و دیگر متقاضیان متصل می‌کند، غزه را در توفان اقصی محور یک تنش بین‌المللی با آمریکا، اروپا و اسرائیل قرار داد. در نشست G۲۰ تفاهمی زیر نظر آمریکا بر ایجاد گذر راه اقتصادی جدید IMEEC انجام شد که هند را به کشورهای جنوبی خلیج فارس از طریق دریا و نیز به اسرائیل و بندر حیفاز مسیر خشکی پایه متصل می‌کرد.

توفان اقصی در مسیر این کریدور ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک اتفاق افتاد این گذر راه که هنوز در آغاز راه است از میان کرانه غربی و غزه در سرزمین‌های فلسطین اشغالی عبور می‌کند. توفان اقصی یک ناامنی بزرگ استراتژیک برای آینده این معبر بود که آمریکا و اسرائیل به آن امید بسته بودند و در رقابت با نفوذ چین و جاده نوین ابریشم آن بود. توفان اقصی این بازی بزرگ بین‌المللی را برهم زد، این که آیا می‌توان به نظم پیشین بازگشت و راه را ترمیم کرد محل سؤال بزرگی است.

۵. کشورهای مختلفی در حال بازاریابی برای مشارکت در مسیر ترانزیت خدمات و کالا از شرق به غرب هستند. کریدورهایی که عمدتاً از آغازهای دریایی و زمینی هند و چین شروع می‌شوند و با عبور از گذر راه‌ها و بنادر میانی نظیر بندر گوادر در پاکستان، بندر فاو در عراق و بندر چابهار و انزلی در ایران و یا آستراخان در روسیه و نیز پایانه‌هایی در ترکیه، باریکه اشغالی اوکراین و یا احتمالاً بنداری در سوریه، بندر حیفا در اسرائیل و یا بندر عریش در مصر در شرق مدیترانه به بنادر پایانی در ایتالیا، یونان، فرانسه و یا شمال اروپا اتصال می‌یابند.

این گره‌گاه‌ها، آغازها و پایانه‌ها و باراندازها آینده اقتصاد جهان را رقم خواهند زد. کافی است که بدانیم گذر راه هند به حیفا و از آنجا به اروپا ۴۰٪ درصد حمل و نقل کالاها را نسبت به گذشته سرعت خواهند بخشید.

۶. توفان اقصی در معادله میان آمریکا، چین و روسیه به منافع جهانی چین و روسیه امتیاز داد و از آمریکا امتیاز گرفت، اما بازی گذرراه‌ها همچنان ادامه دارد، ایجاد توازن میان جنگ اوکراین و جنگ غزه شاید بی‌راه نباشد حتی حضور نظامیان آمریکا در شرق فرات نیز به این معادله‌ها مرتبط است، گذرراهی که ایران، عراق و سوریه را به هم متصل می‌کند، در مرزهای عراق و سوریه توسط آمریکایی‌ها مسدود است.

۷. در چارچوب این طرح‌های بزرگ در اقتصاد جهانی هنوز زود است که قضاوت شود، بازی بعدی کی و کجا اتفاق خواهد افتاد. اما آنچه محتمل به نظر می‌رسد آن است که آمریکا ناگزیر است به تغییراتی در اسرائیل کمک کند، همچنین ناگزیر خواهد بود به شروط اعراب و به ویژه عربستان تن دهد اگر همچنان خواستار احیای مجدد طرح گذرراه هندی - اروپایی باشد.

www.cmess.ir

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.



بررسی ناکامی اطلاعاتی اسرائیل در عملیات ۷ اکتبر حماس



به قلم: حامد حسینی

در حالی که ارتش اسرائیل حملات متقابل خود را به نوار غزه افزایش داده است، این سوال وجود دارد که چگونه تشکیلات اسلام‌گرای حماس توانست از بولدوزر، پاراگلایدر و موتورسیکلت برای انجام بزرگ‌ترین حمله ۵۰ سال اخیر علیه یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی و امنیتی خاورمیانه استفاده کند. این عملیات دقیقاً بدترین سناریویی بود که مقامات اطلاعاتی و نظامی اسرائیل قرار بود نگران آن باشند و برای جلوگیری از وقوع آن برنامه‌ریزی کنند.

روز شنبه، ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حدود ساعت ۶:۳۰ صبح به وقت محلی، حماس بیش از ۳۰۰۰ موشک پرتاب کرد و ۱۰۰۰ پیکارجو را از مرز غزه به شهرک‌های اسرائیلی فرستاد [۱]. با وجود گستردگی و دامنه این حمله، گزارش‌ها اعلام کرده‌اند که مقامات امنیتی اسرائیل مدعی شده‌اند هیچ هشدار خاصی مبنی بر اینکه حماس در حال تدارک یک حمله پیچیده است و نیاز به حملات هماهنگ زمینی، هوایی و دریایی دارد را نداشته‌اند. بسیاری از تحلیلگران سیاسی و نظامی، اسرائیل را به دلیل ناکامی اطلاعاتی‌اش در پیش‌بینی حمله مورد انتقاد قرار داده‌اند، اما موفقیت حمله غافلگیرانه حماس یک ضعف عملیاتی نیز بود.

محدودیت‌های اطلاعاتی

حمله حماس اولین بار نیست که یک دولت به طور فاجعه‌بار حمله دشمن را پیش‌بینی و شناسایی نمی‌کند. ژاپن در سال ۱۹۴۱ حمله مرگبار و غافلگیرانه‌ای را به پرل هاربر انجام داد، ناوگان اقیانوس آرام را نابود کرد و متعاقباً فرانکلین روزولت اعلام جنگ کرد و در نهایت حادثه‌ای بود تا سازمان اطلاعات مرکزی به وجود آید. همچنین سیا و سایر آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده ۲۳ فرصت را برای برهم زدن حادثه ۱۱ سپتامبر القاعده که نزدیک به ۳۰۰۰ نفر کشته داد را از دست دادند. خود اسرائیل تقریباً ۵۰ سال پیش غافلگیر شد تا روزی که نیروهای مصری و سوری در طول تعطیلات یهودیان به آن حمله کردند و آتش جنگ یوم کیپور را شعله ور ساختند.

البته این امکان وجود دارد که حماس بیشتر خوش‌شانس بود تا ماهر و برای پنهان کردن اهداف یا توانایی‌های خود هیچ کار قابل توجهی انجام نداد. برای مثال، تحقیقات در مورد حادثه ۱۱ سپتامبر نشان داد که تروریست‌های القاعده برای موفقیت نیازی به طرح‌های ضد جاسوسی خیالی یا حتی نام‌های جعلی ندارند. آن‌ها فقط به CIA و FBI نیاز داشتند تا طبق معمول عمل کنند. هنگامی که جنگ سرد پایان یافت و تهدید تروریستی در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت، سازمان‌های اطلاعاتی نتوانستند ساختار، انگیزه‌ها و فرهنگ خود را برای شناسایی و شکست یک دشمن جدید تطبیق دهند. در نتیجه، CIA و FBI نزدیک به دوجین فرصت را برای نفوذ و احتمالاً توقف حادثه ۱۱ سپتامبر از دست دادند. یکی از دلایل اصلی شکست این بود که قبل از ۱۱ سپتامبر، هیچ آموزش رسمی، فرآیند روشن یا اولویتی برای هشدار دادن به سایر سازمان‌های اطلاعاتی در مورد تروریست‌های خطرناکی که ممکن است به ایالات متحده سفر کنند، وجود نداشت.

در حال حاضر، اکثر تحلیل‌گران به طور مشخص نمی‌دانند که چرا اسرائیلی‌ها نتوانستند حمله حماس را شناسایی کنند و ممکن است ماه‌ها طول بکشد تا اسرائیلی‌ها بتوانند به این سوال پاسخ دهند. از لحاظ تاریخی، اسرائیل شاید یکی از بهترین بازیگران در جهان در نفوذ به سازمان‌های متخاصم خود بوده است، سازمان‌هایی که مسلماً نفوذ در آن‌ها دشوار است. اسرائیل یک طرح دفاعی طراحی کرده است که بر جلوگیری از حملات موشکی، گذرگاه‌های مرزی و هشدارهای اولیه تکیه دارد. اما این طرح دفاعی می‌تواند بخشی از کارها را انجام دهد. بخش کلیدی دیگر، درک نحوه تفکر و عملکرد دشمن است و شاید در آنجا اسرائیلی‌ها دچار ضعف مهم‌تری شدند. دیوار آهنین، دیوار امنیتی ۶۴ کیلومتری که غزه را از اسرائیل جدا می‌کند، در سال ۲۰۲۱ با هزینه ۱٫۱ میلیارد دلار تکمیل شد. این دیوار شامل یک حصار مجهز به سنسور به ارتفاع ۶۰۹ سانتی‌متر، صدها دوربین و شلیک مسلسل خودکار در هنگام خاموش شدن سنسورها است. اما دیوار در برابر حمله غافلگیرانه حماس مؤثر نبود. حماس توانست در نقاط متعددی در اطراف غزه از دیوار عبور کند و بدون مقاومت اولیه به حملات خود ادامه دهد. سیستم مراقبت مرزی اسرائیل تقریباً به طور کامل متکی به دوربین‌ها، حسگرها و مسلسل‌هایی است که از راه دور کار می‌کنند. فرماندهان اسرائیلی بیش از حد به تسخیرناپذیری این سیستم اطمینان پیدا کرده بودند. آن‌ها فکر می‌کردند که ترکیبی از نظارت و تسلیحات از راه دور، موانع زمینی مرتفع و دیوار زیرزمینی برای جلوگیری از حفر تونل‌های حماس به داخل اسرائیل، نفوذ دسته‌جمعی را بعید می‌کند و نیاز به استقرار تعداد قابل توجهی از سربازان را در طول خط مرزی کاهش می‌دهد. با ایجاد این سیستم، ارتش شروع به کاهش تعداد نیروها در آنجا کرد و آن‌ها را به مناطق مورد نگرانی دیگر از جمله کرانه باختری منتقل کرد. شکستن این مانع آسان‌تر از آنچه مقامات اسرائیلی انتظار داشتند، بود. به همین ترتیب، اسرائیل گنبد آهنین خود را نیز که یک سیستم دفاع هوایی است، ساخت تا از اسرائیلی‌ها.... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir



منافع و موانع عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل

به قلم؛ حامد حسینی

منابع اسرائیلی و آمریکایی به تازگی اعلام کردند که مذاکرات برای عادی سازی روابط بین پادشاهی عربستان سعودی و اسرائیل با میانجی گری ایالات متحده در حال انجام است. این منابع از خوش بینی آمریکا به امکان دستیابی به این توافق در آینده نزدیک حداقل قبل از انتخابات آمریکا در نوامبر ۲۰۲۴ خبر دادند. به نظر می رسد برآیند منافع و محرک هایی که طرفین را به سوی امضای توافق عادی سازی سوق می دهد و نیز موانع مهمی که بر سر راه این توافق وجود دارد باعث شده است تا حداقل در آینده نزدیک و قابل پیش بینی، امکان امضای چنین توافقی بعید باشد.

طی مصاحبه ای که محمد بن سلمان ولیعهد عربستان در مارس ۲۰۲۲ با مجله آمریکایی « Atlantic Magazine» انجام داد، اظهار داشت که عربستان سعودی اسرائیل را دشمن نمی داند، بلکه آن را متحد بالقوه تلقی می کند، زیرا این دو کشور دارای منافع مشترک هستند. وی در همان زمان اضافه کرد که امضای توافق عادی سازی با اسرائیل باید با حل و فصل برخی از مسائل باقی مانده باشد. در پی تمایل عربستان سعودی برای تجدیدنظر در روابط خود با اسرائیل، اولین تلاش جدی آمریکا برای دستیابی به توافق عادی سازی بین عربستان سعودی و اسرائیل در ماه مه ۲۰۲۲ در زمان دولت بنت-لایپید انجام شد. با این حال، مذاکرات پیشرفتی نداشت و علیرغم باز شدن حریم هوایی عربستان به روی پروازهای اسرائیلی، روند گفتگوها متوقف شد. شروع این تلاش ها در دوره دونالد ترامپ برای گنجاندن عربستان سعودی در پیمان ابراهیم در سال ۲۰۲۰ بود، اما عربستان سعودی به طور رسمی و علنی از عادی سازی روابط با اسرائیل خودداری کرد. بنیامین نتانیاهو پس از تشکیل دولت خود اعلام کرد که عادی سازی روابط با عربستان سعودی یکی از اهداف اصلی وی در این دوره خواهد بود. به باور نتانیاهو، این ابتکار دیپلماتیک

ادامه همان پیمان ابراهیم است که در دوره او روی داد و امیدوار است که عربستان سعودی نیز بخشی از این روند باشد.

اخیرا تلاش‌های آمریکا برای عادی‌سازی روابط دو کشور تجدید شده است. آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه در ماه ژوئن به همین منظور از ریاض بازدید کرد. همچنین بلینکن در بیانیه خود در اجلاس آپیک اظهار داشت که ایالات متحده منافع امنیتی در پیشبرد عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی دارد. این هدف به سرعت یا به راحتی اتفاق نخواهد افتاد، اما ما متعهد هستیم که روی آن کار کنیم. با این حال، این جایگزینی برای پیشرفت مذاکرات بین اسرائیل و فلسطینی‌ها نیست و نباید به قیمت یکدیگر تمام شود. این روند باید موضوع فلسطین را نیز ارتقا دهد. از سوی دیگر، عربستان سعودی سه موضوع را برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل به‌عنوان پیش‌شرط قرار داده است؛ اول: ساخت یک راکتور هسته‌ای غیرنظامی در عربستان سعودی با کمک آمریکا، دوم: تامین تسلیحات پیشرفته آمریکایی به عربستان و سوم: دستیابی به یک توافق یا تعیین مسیر سیاسی برای حل و فصل مسئله فلسطین. به احتمال زیاد، اسرائیل به دلیل ترس از اینکه ممکن است کشورهای دیگر نیز همین درخواست را مطرح کنند و همچنین نگرانی از اینکه ممکن است یک تغییر سیاسی (حتی با احتمال ضعیف) در پادشاهی، که ممکن است منجر به یک بحران جدی شود، درخواست عربستان در مورد ساخت یک راکتور هسته‌ای را رد می‌کند، حتی اگر این راکتور غیرنظامی باشد. به همین ترتیب، دولت کنونی نمی‌تواند هیچ درخواستی را در رابطه با پیشرفت در مسیر فلسطین انجام دهد، زیرا با منافع اردوگاه راست‌گرایان در تضاد است. اما تا زمانی که تسلیح عربستان سعودی برتری کیفی نظامی اسرائیل در منطقه را تهدید نکند، هیچ مخالفت قابل توجهی از سوی اسرائیل وجود ندارد.

در قرائت منابع اسرائیلی، روایت اسرائیل از این واقعیت ناشی می‌شود که مانع اصلی امضای توافق با عربستان سعودی، درخواست عربستان از ایالات متحده برای ساخت یک راکتور هسته‌ای غیرنظامی در این کشور است و نه مسئله فلسطین. این در حالی است که منابع سعودی بر محوریت موضوع فلسطین در مذاکرات عادی‌سازی با اسرائیل تاکید می‌کنند و برآیند دیدگاه‌های ایشان حاکی از این امر است که عادی‌سازی با اسرائیل تنها در صورت حل مناقشه فلسطین و اسرائیل امکان‌پذیر است. این دیدگاه مسلط عربستان در رابطه با موضوع فلسطین برجسته تلقی می‌شود، زیرا تأیید می‌کند که عربستان سعودی نه تنها می‌خواهد راهی را آغاز کند که افقی برای راه‌حل‌ها باشد، بلکه خواهان راه‌حلی برای پایان مناقشه است.

منافع سه جانبه

به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از منافع...

سیاست ایران در خصوص عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل

به قلم؛ جواد حیران نیا، مدیر گروه مطالعات خلیج فارس و کشورهای همجوار

برای بررسی سیاست ایران در خصوص عادی سازی روابط اعراب با اسرائیل و به طور ویژه عربستان با اسرائیل باید شرایط نظام بین الملل و نظم منطقه ای مورد بررسی قرار گیرد. این موضوع به ویژه بر اساس «نظریه نقش» قابل تحلیل است که مطابق نظم در حال گذار بین المللی و نظم منطقه ای متأثر از آن، نقش قدرتهای میانی چون عربستان در آن چیست. بر این اساس سیاست ایران در خصوص عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل از نگرانی تهران برای همگرایی بیشتر اعراب خلیج فارس با اسرائیل نشأت می گیرد. این نگرانی در نتیجه تحولات بین المللی است که بر تحولات منطقه ای نیز سایقه افکنده است. همزمان با ظهور چین و لزوم مهار آن از سوی آمریکا، واشنگتن استراتژی مهار چین را در دستور کار خود قرار داده است که دلالت هایی بر منطقه خلیج فارس داشته است. در این استراتژی متحدان منطقه ای آمریکا در تامین امنیت منطقه نقش بیشتری ایفا خواهند کرد و از طرف دیگر با وارد شدن اسرائیل به سازوکارهای امنیتی منطقه اجازه شکل گیری خلا قدرتی که می تواند توسط قدرت هایی چون ایران پر شود را نمی دهد. بر این اساس اسرائیل از «یوروکام» به «سنتکام» وارد شد تا همکاری های نزدیکتری با اعراب در خصوص تهدیدات ایران و متحدانش در منطقه داشته باشد. ارتباط سنتکام با کشورهای حوزه خلیج فارس می تواند روابط نظامی، اطلاعاتی و عملیاتی آنها را با این فرماندهی تقویت کند. در این راستا و برای نمونه در ۳ فوریه ۲۰۲۲ «بنی گانتز» در سفر به بحرین، یادداشت تفاهمی برای ارتقای همکاری اطلاعاتی، نهادینه کردن آموزش و رسمی کردن همکاری بین دو طرف امضا کرد و اسرائیل همچنین اعلام کرد که یک وابسته نظامی را برای مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین منصوب خواهد کرد. لذا عادی سازی روابط با اعراب و حضور نظامی اسرائیل در منطقه در قالب سنتکام به همراه توافقات امنیتی و نظامی دوجانبه با این کشورها با حمایت آمریکا، بخشی از اقدامات تل آویو برای مقابله و مهار جمهوری اسلامی است. ایجاد سامانه دفاع مشترک هوایی با مشارکت اسرائیل و اعراب خلیج فارس و با هدایت آمریکا که ایده آل همگرایی اعراب خلیج فارس و اسرائیل خواهد بود، نیز بر اساس همین استراتژی دنبال می شود. سیستم دفاعی مشترک اعراب و اسرائیل، توانایی های ایران را دور می زند و در صورت اجرا، روابط کشورهای خلیج فارس با اسرائیل و آمریکا را در تضاد کامل با منافع ایران تقویت می کند. به ویژه اینکه در صورت شکل گیری سیستم دفاع مشترک میان کشورهای منطقه با اسرائیل و هدایت آمریکا، آمریکا به عنوان یک security integrator برای این کشورها باقی می ماند و نوعی کسری موازنه به ضرر ایران ایجاد خواهد کرد. زمینه سازی این همگرایی منطقه ای بعد از عادی سازی روابط ناشی از توافقات ابراهیم در نشست نقب دنبال شد که در آن نخست وزیر وقت اسرائیل از «نظم نوین منطقه» و «طلوع خاورمیانه جدید» سخن گفته بود. نتانیاهو نیز در سخنرانی سالانه خود در مجمع عمومی سازمان ملل با

شمول عربستان در روند عادی سازی با اسرائیل از خاورمیانه جدید رونمایی کرد.

واکنش ایران به روند عادی سازی روابط اعراب خلیج فارس و اسرائیل

ایران در قبال عادی سازی روابط اعراب خلیج فارس اظهار نگرانی کرده است اما نگرانی اصلی ایران همگرایی بیشتر امنیتی اعراب خلیج فارس و اسرائیل است. تهران نشست نقب را محکوم کرد و آن را «خنجری از پشت به مردم مظلوم فلسطین» و «هدیه ای به رژیم کودک کش اسرائیل در ادامه کشتار مردم و اشغال سرزمین» خواند. از سوی دیگر، ایران حضور اسرائیل در منطقه و برگزاری این اجلاس را گامی در جهت فتنه‌انگیزی در منطقه خواند و ایران آمادگی خود برای همکاری و گسترش روابط دوجانبه با کشورهای منطقه جهت مقابله توطئه صهیونیستی - آمریکایی برای ایجاد اختلاف و بی ثباتی در غرب آسیا اعلام کرد. عادی شدن روابط عربستان با اسرائیل معنای متفاوت تری برای ایران خواهد داشت. عربستان مانند امارات و بحرین نیست و در صورت عادی شدن روابط اسرائیل با عربستان شاهد تأثیرات آن بر مناقشه فلسطین و اسرائیل نیز خواهیم بود. از سوی دیگر عادی سازی روابط عربستان با اسرائیل چراغ سبزی برای برخی دیگر از کشورهای عربی متحد ریاض برای پیوستن با این روند خواهد بود که باعث نگرانی ایران می شود.

واکنش مقامات نظامی



واکنش مقامات نظامی جمهوری اسلامی از نظر نحوه واکنش تهران به حضور اسرائیل در منطقه قابل توجه است. سوال اینجاست که آیا پاسخ ایران به معماری جدید امنیتی منطقه با محوریت اسرائیل صرفاً محدود به منطقه خلیج فارس خواهد بود

یا بر اساس دکترین نظامی قبلی، جمهوری اسلامی پاسخ خود را به مرزهای اسرائیل تسری خواهد داد؟ در این خصوص ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران در سخنانی به مناسبت روز ارتش گفته بود: مقصد نیروهای مسلح ما «مرکز رژیم صهیونیستی (اسرائیل)» خواهد بود. ایران همچنین اعلام کرد که در صورتی که اسرائیل اقدامی علیه ایران از طریق کشورهای عربی منطقه انجام دهد، کشوری که اسرائیل از آنجا اقدام کرده را هدف قرار می دهد.... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir



تلاقی غرور و خودخواهی با نفرت و کینه در اسرائیل

به قلم؛ شلومو بنابو (بن آمی)، معاون و از بنیانگذاران مرکز بین‌المللی تولدو برای صلح
ترجمه: رضا فضلعلی

دولت افراطی بنیامین نتانیاهو (نخست وزیر) با پافشاری بدون منطق و گستاخانه بر اینکه «مردم یهود حق مسلم و غیرقابل مذاکره‌ای بر تمامی نقاط سرزمین اسرائیل دارند»، آدمکشی و فاجعه انسانی را با نپذیرفتن هرگونه روند سیاسی در فلسطین، اجتناب ناپذیر کرد. لیکن این تنها دلیل برای ناکامی اسرائیل در جلوگیری از حمله حماس نمی‌باشد. دیر یا زود فریب سیاسی نتانیاهوی، جنگ طلب و خانمان برانداز که او را پانزده سال در قدرت نگه داشته، ناگزیر به وقوع یک مصیبت بزرگ نمود. او افراطی‌ترین و بی‌کفایت‌ترین دولت تاریخ اسرائیل را در سال قبل تشکیل داد و به منتقدانش اطمینان داد که نگران نباشید «من حواسم کاملاً جمع است!» مسلماً حتی زمانی که طرفداران صلح مانند اسحاق رابین و ایهود باراک بر سر کار بودند، خونریزی و جنگ در فلسطین وجود داشت. اما نتانیاهو برای حمایت از شرکای ائتلاف خود، به هر قیمتی بی‌پروا به خشونت متوسل شد. او اجازه داد تا زمین‌های فلسطینی‌ها را تصاحب و شهرک‌های غیرقانونی را گسترش دهند، بطوریکه احساسات مسلمانان در مورد اماکن مقدس (بیت‌المقدس) را تحقیر و تحریک کنند، تا حدی که تفکر شهادت را در مورد شکل بازسازی اورشلیم گسترش داد (دستور العملی نانوخته برای آنچه می‌تواند ریشه جهاد تمامی مسلمانان باشد). در همین حال، او عملاً رهبر میان‌رو فلسطینی محمود عباس در کرانه باختری را کنار گذاشت و حماس تندرو را در غزه تقویت کرد. بر اساس منطق نامشخص نتانیاهو، راه حل نهایی حکومت اسلام‌گرایان در غزه، سیاسی نمی‌باشد. او معتقد بود که با تشویق افراط‌گرایان و سرزنش و در حاشیه قرار دادن میان‌روها، برعکس چپ‌های ملایم، سرانجام راه

حلی برای مناقشه فلسطین پیدا کرده است. او با این توهم که با عادی شدن روابط اسرائیل توسط پیمان ابراهیم با چهار کشور عربی (احتمالاً بزودی شامل عربستان سعودی نیز خواهد شد)، شعله خشم فلسطینیان فروکش خواهد کرد. اما غرور کاذب نتانیاهو نسبت به دشمن خود در قالب وحشیگری حماس، در کشتار غیرنظامیان اسرائیلی در شهرک‌های اطراف غزه روبرو شد. دقیقاً پس از پنجاه سال و یک روز، حمله غافلگیرانه مصر و سوریه در جنگ یوم کیپور (روز آمرزش)، حماس به مرزهای غزه با اسرائیل یورش برد که بسیاری غیرنظامی بی دفاع کشته شدند. صحنه‌هایی از تجاوز به زنان جوان در کنار اجساد دوستانشان در شبکه‌های اجتماعی ثبت شد. حدود صد نفر از خانواده‌ها، زنان سالخورده و کودکان نوپا اسیر و به غزه انتقال داده شدند.

برخی از اینکه حماس توانسته بود به آسانی در امتداد مرز با غزه به خطوط دفاعی اسرائیل نفوذ کند، ابراز تعجب کردند. اما هیچ دفاعی وجود نداشت. زمانی که حماس کشتار صدها غیرنظامی بی دفاع را آغاز کرد، ارتش عظیم اسرائیل در جاهای دیگر مستقر شده بود. بسیاری از آنها برای حفاظت از شهرک نشینان مذهبی در درگیری‌ها (که گاهی توسط خود شهرک نشینان آغاز می‌شود) با فلسطینی‌های محلی، در جشنواره‌های ابداع شده (بدون ریشه تاریخی) اطراف اماکن مقدس کرانه باختری مستقر شده بودند. ساعت‌های طولانی زنان و مردان گرفتار برای کمک فریاد می‌زدند، لیکن خبری از قوی‌ترین ارتش خاورمیانه نبود! در اغلب اوقات فرض بر این بود که غزه یک اولویت حیاتی نیست. اسرائیل با ساخت دیوارهای زیرزمینی از دستگاه‌های حساس و بتن‌های مستحکم در اطراف این منطقه قرار بود، تونل‌هایی زیر زمینی را که حماس در گذشته از طریق آنها به روستاهای مرزی اسرائیل، نفوذ می‌کرد را مسدود کند. لیکن فایده‌ای نداشت چرا که شبه نظامیان حماس هنگام حمله به سادگی از حصارها عبور کردند. در مورد اهداف حماس نیز اطلاعاتی وجود نداشت. ملت استارت‌آپ (فن‌آوری‌های نوین) که واحدهای سایبری پیشرفته‌اش می‌توانند حرکت یک برگ درخت در پایگاه ایرانی مستقر در سوریه را تشخیص دهند، هیچ چیزی از برنامه‌های حماس نمی‌دانستند. آیا وسواس اسرائیل در مورد انفجار احتمالی هسته‌ای ایران و تمرکز سرویس‌های امنیت داخلی آن بر کرانه باختری اشغالی، این سهل‌انگاری را تا حدودی می‌تواند، توجیح کند! حمله حماس فقط یک غافلگیری تاکتیکی نبود، بلکه یک بمب راهبردی بود. اهداف حساب شده این گروه، مبنی بر عدم شرکت در هیچ یک از درگیری‌های دو سال گذشته بین اسرائیل و جهاد اسلامی، (از دیگر گروه‌های شبه نظامی در غزه)، آشکار بود. حماس این تصور را ایجاد کرده بود که احتمالاً بجای مبارزه مسلحانه، به دولتی ناکارآمد تبدیل شده که بیشتر بدنبال رفع نیازهای مادی مردمش است. بر این اساس اسرائیلی‌ها معتقد بودند که با وجود ادعاها و کمک‌های قطر، به اهدافشان رسیده‌اند و حماس را از عملیات نظامی در آینده منصرف کرده‌اند...

چشم انداز همکاری اقتصادی

عربستان و اسرائیل

به قلم؛ مهدی فقیه، عضو گروه روندهای فکری

شبکه «آی ۲۴ نیوز» اسرائیل روز جمعه ۱۷ شهریور، با انتشار گزارشی از حضور نخستین هیات تجاری اسرائیل در شهر دمام عربستان سعودی خبر داد. این خبر در حالی منتشر می شود که تلاش های دیپلماتیک با میانجی گری ایالات متحده آمریکا برای برقراری رابطه میان تل آویو و ریاض در ماه های اخیر دوچندان دنبال می شود. هیات های دیپلماتیک آمریکایی در یک سال گذشته بارها در خاورمیانه حضور یافته اند. همزمان با سفر نمایندگان دیپلماتیک اسرائیلی به واشنگتن در هفته گذشته، یک هیات از نمایندگان تشکیلات خودگردان فلسطینی هم به عربستان سعودی سفر کرد آی ۲۴ می گوید سفر هیات تجاری اسرائیل به عربستان سعودی، گام دیگری از چشم انداز خلق یک خاورمیانه نوین است.

اشغال نظامی عراق در ۲۰۰۳، منجر به خلأ قدرت منطقه ای شد. ایران چاره ای جز پر کردن خلأ منطقه ای نداشت. چنین فرایندی نقش منطقه ای ایران را ارتقاء داده و زمینه شکل گیری تضادهای بیشتر در فضای منطقه ای را اجتناب ناپذیر ساخته است. واقعیت های موجود بیانگر آن است که ریشه های جنگ و منازعه موجود دارای ابعاد ژئوپلیتیک، هویتی و بین المللی است. از ۲۰۰۳ به بعد و به ویژه پس از ۲۰۱۱ و بهار عربی خاورمیانه که تا آن زمان همواره دارای دو قطب محافظه کار - انقلابی (مترقی) بود سه قطبی شد. محور اول را کشورهای محافظه کار به رهبری عربستان سعودی که خواهان حفظ وضع موجود هستند، تشکیل می دهد. محور دوم شامل گروه های عربی - اخوانی است که از سوی ترکیه و قطر پشتیبانی می شود. ترکیه تا پیش از روی کار آمدن «رجب طیب اردوغان» سیاست «تنش صفر با همسایگان» را دنبال می کرد و بیشتر به دنبال پیوستن به اتحادیه اروپا بود ولی با روی کار آمدن «حزب عدالت و توسعه» به رهبری اردوغان محیط عملیاتی سیاست خارجی ترکیه به خاورمیانه تغییر کرد و این کشور فعالانه در منازعات منطقه ای شرکت می کند و از جنبش هایی با رویکرد «اخوان المسلمین» به همراه قطر پشتیبانی می کند.

محور سوم بر اساس رویکرد و اندیشه مقاومت تفسیر می شود. درباره محور مقاومت رویکردهای متفاوتی وجود دارد. برخی اعتقاد دارند که محور مقاومت عامل اصلی ارتقاء قدرت ایران در منطقه است. برخی دیگر انگاره دیگری را مطرح نموده و از مفهوم «سیاست انزوا» بهره می گیرند. با وقوع انقلاب ۵۷ ایران از بلوک محافظه کار در منطقه خارج و به بلوک انقلابی وارد شد، به ویژه که حمایت از نهضت های آزادی بخش را جزو وظایف خود می دانست. با تحولات پس از بهار عربی ایران توسط نفوذ منطقه ای خود را گسترش دهد، اما این گسترش پس از شهادت قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس در وضعیت حفظ وضع موجود قرار گرفت. در چنین شرایطی بلوک محافظه کار منطقه در مقابل اقدامات ایران، عادی سازی روابط

با اسرائیل را در دستور کار خود قرار دادند که این امر حضور اسرائیل را در کشورهای عربی خلیج فارس در پی داشت.

از سوی دیگر آمریکا به عنوان بازیگر فرا منطقه‌ای استراتژی سیاست خاورمیانه‌ای خود را بر مبنای «موازنه فرا ساحلی» تنظیم کرد و اولویت خود را در سیاست خارجی بر منطقه جنوب شرقی آسیا و چین متمرکز کرده است. این امر در کنار موفقیت حکومت سوریه در تثبیت نسبی فضای سیاسی، پایان التهابات سیاسی ناشی از «بهار عربی» و بر طرف شدن تهدید «داعش» زمینه را برای دگرگونی در منطقه خاورمیانه فراهم کرد.

چرخش اصلی با مرگ پادشاه سابق عربستان «ملک عبدالله» و روی کار آمدن «سلمان بن عبدالعزیز» و ولیعهدی فرزندش «محمد بن سلمان» روی داد. این جا به جایی باعث تحول در ساختار سیاسی عربستان و همچنین سیاست خارجی این کشور شد، بن سلمان در سیاست خارجی عربستان سعی کرد با سایر قطب‌های قدرت در نظام بین‌الملل (چین و روسیه) وارد تعامل جدی شود و تنها بر آمریکا تکیه نکند و مستقل‌تر عمل کند (سفر اخیر



آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده، به عربستان و دیدار با مقامات این کشور در همین راستا و برای تاثیر گذاری بر سیاست خارجی ریاض صورت گرفت). در عین حال برنامه‌های بلند پروازانه توسعه را دستور کار قرار داد. اکنون مشاهده می‌کنیم که اکثر کشورهای منطقه برنامه‌های

توسعه‌ای خود را دنبال می‌کنند، سیاست خارجی این کشورها سیاست خارجی توسعه‌گرا است. در مقطع زمانی کنونی ساختار سیاسی داخلی اکثر کشورهای عربی اقتدارگرا و در عین حال توسعه محور است بر همین اساس تلاش می‌کنند تا تنش در روابط با همسایگان به حداقل برسد و از مداخله در امور داخلی همدیگر پرهیز کنند تا بهتر بتوانند برنامه‌های توسعه خود را پیش ببرند. همزمان با گزارش «آی ۲۴ نیوز» مجله «اکنومیست»، شماره جدید خود را به «خاورمیانه جدید» اختصاص داده است؛ خاورمیانه‌ای که به جای گرفتار شدن در تضاد ایدئولوژیک، بر رشد اقتصادی متمرکز خواهد بود....

تنش زدایی

به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

پایه و نگاه سیاست خارجی در هر کشور و دولتی بر حفظ و فربه سازی منافع ملی استوار است که با ارائه «دیپلماسی» به معنای اجرای طرح‌ها و خواست‌ها به منظور فربه‌سازی توان ملی اعم از اقتصادی (به ویژه روابط تجاری)، سیاسی و فرهنگی مدیریت ملی می‌شود. نگاه دولت‌ها در هر کشوری به سیاست خارجی به طور عمده تدبیر مدیریت اجرایی در دو ساحت است. اول ساحت منطقه‌ای با تنظیم روابط دو و چندجانبه با همسایگان برای حفظ امنیت منطقه‌ای (جمعی) که همواره با داشتن و استمرار روابط دو و چند جانبه دولت‌های منطقه (در پیمان‌های مشترک) هدف‌گذاری می‌شود. دوم، روابط بین‌المللی که در تنظیم برنامه‌های سیاست خارجی همواره «منافع ملی» هر دولت و کشوری بسته به جایگاه تعاریف تأثیرگذاری‌های آنها در ساحت بین‌المللی تنظیم و اجرا می‌شود. از اقدامات خسارت بار بزرگ که به یکباره توازن سیاست خارجی دولت‌ها در منطقه ما (خاورمیانه و بخصوص خلیج فارس) را به هم ریخت، هشت سال جنگ تحمیلی بود که صدام (رژیم بعث عراق)، با حمایت آمریکا (غرب) و روسیه (شرق) علیه ایران به راه انداخت. در هشت سال جنگ تحمیلی هم واشنگتن و همراهانش (دولت‌های انگلیس، فرانسه و آلمان) از یکسو و از سوی دیگر «مسکو»، حمایت‌های گوناگون چه به لحاظ فربه‌سازی تسلیحاتی رژیم بعث عراق یا تقابل دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران به راه انداختند و امتداد دادند. شرح و بسط مفهومی، سیاسی برای ادامه سلطه دو قدرت برتر جهانی در دوران هشت سال جنگ تحمیلی صدام در برابر جمهوری نوپای اسلامی در ایران، آن گونه که واقعیت‌های تلخ و رنج آور آن برای همه ملت‌های مسلمان منطقه بوده تاکنون و آن گونه که «باید» رصد و نقد و تفسیر نشده است. اگرچه در فرصت محدود نوشته محک نیز امکان آن نیست و جا دارد تا صاحبان اندیشه سیاسی، تاریخی با محوریت چرایی و چگونگی هشت سال جنگ تحمیلی صدام علیه ایران ارائه تحقیق بررسی علمی و میدانی کنند تا مگر همه دولت‌ها و ملت‌ها در خاورمیانه از آن درس «عبرتی» بگیرند. از پی‌آمدهای جنگ تحمیلی، تثبیت تضاد «عرب و عجم» بود که تا حدودی مسکو و واشنگتن برای حک آن در منطقه موفق شدند. اگر چه هشت سال «مقاومت» برای تجزیه ایران از سوی دو ابر قدرت آن زمان (مسکو - واشنگتن) شکست خورد. (نگاهی به ماجرای معاهده برجام که تا آخرین لحظات وزیر خارجه روسیه (لاوروف) تلاش کرد به شکست انجامد و در گزارش مکتوب «ظریف» وزیر خارجه وقت آمده است، خود درس عبرت دیگری است. در این میان از نقش و عملکرد رژیم صهیونیستی از آن زمان تا امروز نباید غافل بود. اکنون اما با تجدید روابط حسنه ریاض - تهران، فصل جدیدی کلید خورده است که با محوریت «تنش زدایی» در منطقه می‌توان آن را بازبینی کرد. بلافاصله بعد از علنی شدن روال تنش‌زدایی

در منطقه خلیج فارس، نتانیاهو به طور علنی گفت: «فاجعه‌ای رخ داده است که همه محاسبات اسرائیل را در منطقه به هم ریخته است!»



وزیر خارجه عربستان سعودی به تهران می‌آید تا ضمن گشایش سفارتخانه ریاض به صورت رسمی طراحی سیاست خارجی با محوریت «تنش‌زدایی» در روابط دو جانبه تهران - ریاض و برای سراسر منطقه را رسمیت دهد. آن هم در حالی که روابط سه قدرت برتر نظامی جهان

یعنی چین، روسیه و آمریکا در اوج بحران است و اسرائیل از درون متلاطم شده است و هر روز خبرها از مشکلات و بحران‌های درونی در دولت راست‌گرای افراطی نتانیاهو در صدر اخبار قرار دارد. ریاض و تهران اراده کرده‌اند با استراتژی تنش‌زدایی دو و چندجانبه در فضای آشفته و بحران‌زده بین‌المللی ناشی از امتداد جنگ بایدن - پوتین در اوکراین و بحران چین و آمریکا که با محمل «تایوان» محوریت دارد و سه کشور بحرانی زده مالی - اقتصادی انگلیس، فرانسه و آلمان ناچار به هزینه پردازی‌های مالی - اجتماعی ناشی از ادامه جنگ در اوکراین شده‌اند، منطقه خلیج فارس را عاری از تنش کنند. به سرانجام رساندن سیاست تنش‌زدایی ریاض - تهران، اولاً ضربه بزرگ به رژیم صهیونیستی است که همچنان به اشغالگری سرزمین‌های اعراب، فلسطینان و کشتار آنها ادامه می‌دهد. ثانیاً خلیج فارس عاری از تنش میان همسایگان مسلمان آن را برای صلح و امنیت منطقه‌ای سامان خواهد داد. در این میان و در پایان این نوشته شاید تذکاری به اردوغان که با انتخابات اخیر ترکیه شده است، آن هم با رأی شکننده و در ایران از پیروزی او استقبال شد، ضرورت داشته باشد. گمان نویسنده محک چنین بود که اولین دیدار و سفر اردوغان به تهران خواهد بود، اما او به باکو رفت و در مصاحبه‌ای در کنار «علی‌اف» که نماینده رژیم صهیونیستی در سفارتخانه اسرائیل در باکو را «مبسوط‌الید» کرده است. کلماتی علیه ایران بیان کرد که هیچ انتظارش نبود! گمانم این بود که اردوغان تاریخ می‌داند و تقابل دوران عثمانی‌ها با ترکیه از سوی آذری‌های ایرانی در دوران صفویه را خوانده است. شاید مهمتر از آن تاریخ مشروطه ایران را می‌داند! که ایران وطن اجدادی آذریهاست. و البته حمایت جمهوری اسلامی ایران از پدر علی‌اف، هنگامی که باکو را از دست داد و در نخجوان پنهان شد - نگارنده محک خود از علی‌اف پدر «الهام‌اف» شنیدم که خطاب به «حسن‌اف» وزیر خارجه وقت آن کشور...

The Committee of Peace and International Relation in Iranian Peace Studies Scientific Association and Institute for Middle East Advanced Studies hold:

International scientific meeting on:

The Economic Effects of Peace Instability in West Asia



Igor Matveev

Associate Professor at the MGIMO University, Russia



Mehmet Perincek

Turkish Researcher & Visiting Professor at the Institute of Asian and African Studies of Moscow State University



Ariabarzan Mohammadi

Faculty member, University of Tehran and Visiting Researcher at Institute for Middle East Advanced Studies

November 11, 2023

Saturday at 3-5 pm (Tehran time)

- Address: Tehran, Keshavarz Blvd., Naderi St., No.8
Institute for Middle East Advanced Studies
- Link: meet.google.com/aum-fyyt-puu



مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

برخی از برنامه‌های مرکز در سال ۱۴۰۲

The Committee of Peace and International Relations in the Iranian Peace Studies Scientific Association in collaboration with Institute of Advanced Middle East Studies hold:

webinar on



مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

New Social Developments in Saudi Arabia and Areas for Cooperation with Iran

October 19, 2023 (Thursday at 5.30 pm - Tehran time)



Dr. Aryabarzan Mohammadi

Faculty member, University of Tehran



Dr. Aziz Alghashian

Lecturer and researcher on Saudi Arabia foreign policy

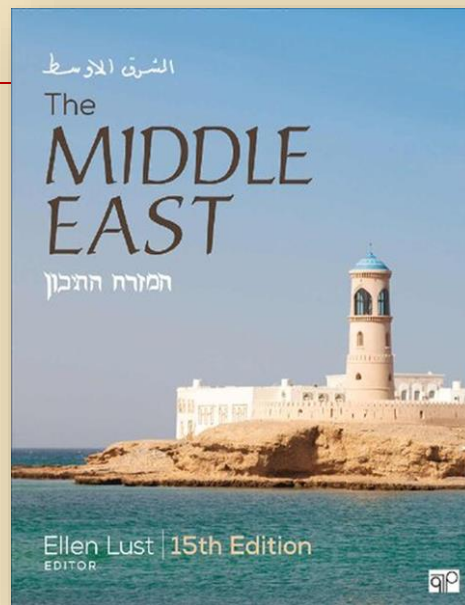
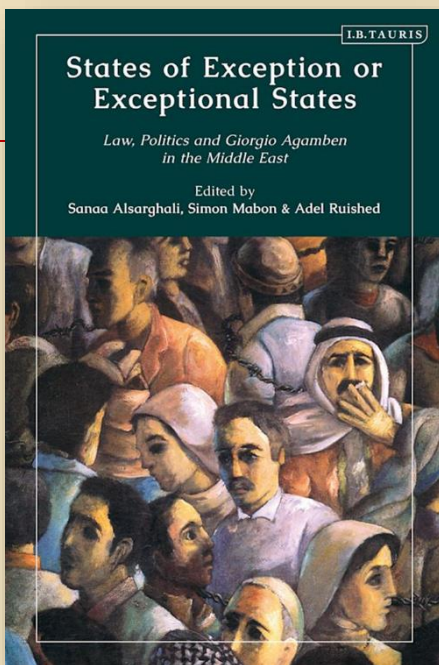


Moderator: **Amin Norafkan**

MA of Regional Studies,
ECO College, ATU



Link: <https://meet.google.com/mbx-cmsh-csf>



به قلم: شهاب دلیلی

عنوان کتاب؛

وضعیت استثنایی یا دولت‌های استثنایی در خاورمیانه

سیمون مابون به عنوان استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه لنکستر و خاورمیانه‌پژوه در موسسات کارنگی، ریچاردسون و... فعالیت دارد. او در کتابی با عنوان «وضعیت استثنایی یا دولت‌های استثنایی» (۲۰۲۳) وضعیت مردمان خاورمیانه را از منظر ایده وضعیت استثنایی (States of Exception) جورج آگامبن واری کرده است.

مابون در ابتدای این کتاب با اشاره به خاطره حضور در خاورمیانه از خود و به نوعی از مخاطبان کتاب می‌پرسد که چرا رژیم صهیونیستی بر خلاف پادشاهی‌های عربی خلیج فارس، تلاش دارد از قانون برای نقض قانون استفاده کند؟ در حالی که دیکتاتوری‌های عربی خاورمیانه برای نقض حقوق شهروندان خود، خود را درگیر قانون نمی‌کنند. او و همکارانش برای پاسخ به این سوال به سراغ آثار آگامبن رفته اند. این کتاب و نویسندگان آن تلاش دارد تا...

الباقی این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

عنوان کتاب؛

خاورمیانه

ویراست ۱۵ کتاب «خاورمیانه» به اهتمام الن لاست در سال ۲۰۲۳ در انتشارات سج منتشر شده است. این کتاب امروز به عنوان یک منبع مرجع در حوزه خاورمیانه پژوهی شناخته می‌شود. خانم لاست بیش از این که استاد علوم سیاسی در دانشگاه گوتنبرگ باشد، سابقه مدیریت مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه ییل و همچنین مدیر موسسه حکمرانی و توسعه محلی در آن دانشگاه را دارد.

به عقیده نویسندگان، هیچ منطقه‌ای به اندازه خاورمیانه پر آشوب‌ترین نبود و نیست؛ منطقه‌ای که درگیری‌های متوالی و جنگ‌های مدام در آن اتفاق می‌افتد. مقابله فلسطین و اسرائیل بیش‌تر از نیم قرن طول کشیده و همچنان نیز ادامه دارد. علاوه بر این «جنگ‌های داخلی» در لیبی، سودان و برخی دیگر از کشورهای این منطقه وجود دارد. به عقیده خانم لاست...

ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

در باب کهن الگوهای جنگ عادلانه و درس‌های آن برای جهان امروز

به قلم؛ روری کاکس

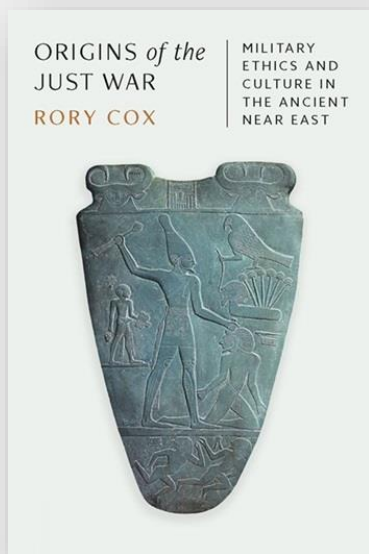
مترجم: راضیه غریبعلی

داستان‌های زیادی درباره رفتارهای خشونت‌آمیز و هولناک در جنگ، نوشته شده است به قول یوجین بی. اسلج، (کهنه‌سرباز جنگ دوم جهانی)، جنگ یک زیان بی‌رحم، شرم‌آور و وحشتناک است، بر این

اساس، نکته شگفت‌انگیز در مورد جنگ، وحشیانه یا زیان‌بار بودن آن نیست، بلکه تلاش‌های زیادی است که برای متعادل کردن یا کنترل ماهیت خشونت‌آمیز آن صورت گرفته است.

نکته این است که در کدام نقطه زمانی و مکانی از تاریخ باید به دنبال ریشه ملاحظات اخلاقی در جنگ گشت؟ پاسخ به این سوال بسیار جالب است. همانطور که در کتاب «ریشه‌های

جنگ عادلانه، اخلاق و فرهنگ نظامی در خاور نزدیک دوران باستان» (انتشارات دانشگاه پرینستون ۲۰۲۳) به این موضوع اشاره کردم: بیش از ۵۰۰۰ سال پیش، در قرون پایانی هزاره چهارم قبل از میلاد، اندیشه اخلاقی پیچیده‌ای درباره جنگ ظهور کرد. نکته قابل توجه اینجاست که دکتربین‌های باستانی



جنگ عادلانه، داستان‌های هشدار دهنده‌ای برای در میان گذاشتن با روابط بین‌الملل مدرن و نظریه جنگ عادلانه دارند. بسیاری از جوامع سیاسی، در طول اعصار و در زمان‌های مختلف به دنبال تمایزگذاری اخلاقی و قانونی میان «جنگ‌های خوب و جنگ‌های بد» یا «جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه» بوده‌اند. با این وجود، جنگ‌ها در طول تاریخ و به دفعات به اصول اخلاقی و قانونی که جوامع برای خود ترسیم کرده، خیانت کرده‌اند. پیش‌نیازهای عادلانه بودن جنگ که به معنای حقانیت و انصاف برای آغاز جنگ است، با منافع ملی فردی شکل می‌گیرد و نه معیارهای عینی عدالت. در عین حال، قوانین زمان جنگ (عدالت در جنگ) که به معنای هنجارهای حاکم بر اجرای صحیح آن است، حتی شکننده‌تر نیز به نظر می‌رسند. انتظارات مربوط به مصنوعیت غیر نظامیان، حمایت از اسرای جنگی و تناسب خشونت همه در عمل نادیده گرفته شده‌اند. جنگ در اوکراین یادآور تازه‌ای است که نشان می‌دهد ارزشها و استانداردهای اخلاقی و قانونی در جهت محدود کردن ورود به جنگ و هدایت آن بسیار با واقعیت فاصله دارند. روایت سنتی اروپامحور و مسیحی محور از توسعه سنت جنگ عادلانه، حق مطلب را بیان نمی‌کند. اولین تفکر اخلاقی در مورد جنگ در حدود ۵۰۰۰ سال پیش در خاور نزدیک دوران باستان ظهور کرد. این امر در مصر آغاز

شد و طی ۳۰۰۰ سال بعد، در پادشاهی‌های بین‌النهرین باستان، آناتولی و شام نیز توسعه یافت. به عبارت دیگر، قدمت جنگ عادلانه به بیش از سه هزار سال قبل از آگوستین قدیس (متوفی ۴۳۰) به اصطلاح «پدر» جنگ عادلانه بر می‌گردد. اندیشه جنگ عادلانه نیز از قرن ششم پیش از میلاد در چین در آثار کنفوسیوس، موهیست، دائوئیست و فلسفه لگالیست ظهور کرد که در هند آن دوران نیز، در حماسه‌های بزرگ سانسکریت، رامایانا و مهاباراتا دیده می‌شد. حداقل از سال ۳۱۰۰ قبل از میلاد مسیح، ایدئولوژی سلطنتی مصر، این ادعا را در میان مردم ترویج داد که فرعون برای جنگیدن، قدرت الهی دارد. مفهوم جنگ عادلانه در باور مصریان، دفاع از معات (نظم، عدالت، نیکوکاری) در برابر قدرت ویرانگر عصفت (هرج و مرج، بی‌عدالتی، شر) بود. دلایل عادلانه‌ای برای جنگیدن وجود داشت مانند دفاع از خود، دفاع از متحدان، و نیز عدالت مجازات‌گونه و انتقام جویانه، که در منابع مصری بین ۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به دفعات دیده می‌شود. با این حال، اشتیاق مصریان در مواجهه با نیروی شیطانی، توجیهی بی‌چون و چرا برای جنگیدن با ظلم به دولت داد، به طوری که تمام جنگ‌های مصر چه تدافعی و چه تهاجمی، فقط جنگ عادلانه بودند. از ۱۶۵۰ قبل از میلاد، هیتی‌ها (تمدن آناتولی که بخش اعظم ترکیه امروزی را در بر می‌گیرد) طیف پیچیده‌ای از ملاحظات را در مورد عادلانه بودن یا نبودن یک جنگ ایجاد کردند. هیتی‌ها به این امر توجه داشتند که جنگ‌های عادلانه باید دلایلی مانند دفاع از خود، دفاع از متحدان، استرداد اموال، یا انتقام برای صدمات مادی و معنوی (به ویژه نقض معاهده) داشته باشند. با این وجود، آنها با به رسمیت شناختن اینکه خود می‌توانند مرتکب اشتباه شده و در جنگ‌های عادلانه شرکت کنند، تغییری در این مفهوم ایجاد کردند. این امر گواهی بود بر نخستین تعامل جدی با عدالت بین‌المللی از یک مسئله عینی و نه کاملاً نسبی و جناحی که به سمت منافع داخلی ملت تغییر مسیر پیدا کرد. در مقابل، مفاهیم باستانی اسرائیل از جنگ عادلانه منعکس‌کننده رویکرد مصر بود و به شدت خودبرتر بینانه و مطلق‌گرایانه باقی ماند. تفکر اسرائیلی همه مردم غیر یهود و غیر اسرائیلی را پست‌تر، ویرانگر و متکبر...

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir



افزایش تنش در شرق فرات

به قلم؛ سید حسین موسوی

طی دو ماه گذشته میلادی گزارش‌هایی از جا به جایی سنگین کاروان لجستیک آمریکا توسط رسانه‌های محلی عراق انتشار یافت که با سکوت محافل رسانه‌ای بین‌المللی از یکسو و البته پوشش خبری گسترده رسانه‌های مقاومت و منطقه‌ای از سوی دیگر روبرو شد.

کاروان نظامی آمریکایی پس از ورود به شمال عراق رهسپار مرزهای عراق و سوریه شد و افزون بر انتقال نیروی نظامی، تجهیزات سنگینی به شرق فرات در سوریه منتقل کرد. این جابه‌جایی‌های گسترده در انتقال نیروی لجستیک به ویژه پس از افزایش تفنگداران نیروی دریایی آمریکا در دریای سرخ و خلیج فارس سوالات و احتمالات مختلفی را ایجاد کرد. برخی منابع عراقی بیان کردند، آمریکایی‌ها در حال بازگشت و استقرار مجدد در منطقه هستند. شایان ذکر است این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که درگیری‌های نظامی در منطقه محدود شده و فصلی از همکاری‌های دیپلماتیک و عادی‌سازی روابط میان کشورهای منطقه خاورمیانه در دست انجام است. همچنین جمهوری اسلامی در حال گسترش روابط با کشورهای عربی نظیر کشورهای عضو شورای همکاری و نیز مصر و دیگر کشورهای شمال آفریقا است. انجام این عملیات گسترده لجستیک که با پنهان کاری صورت گرفت از سوی جمهوری اسلامی ایران، رسانه‌های منطقه‌ای و جریان‌های مقاومت در سوریه، عراق و لبنان با واکنش اعتراضی روبرو شد. نخست وزیر اسبق عراق نوری‌المالکی این تحرکات را تلاش آمریکا برای قطع روابط مرزی عراق و سوریه دانست که در چارچوب فشار برای سرنگونی نظام سوریه انجام می‌گیرد. او اظهار داشت نگران اقدام آمریکا علیه عراق نیست، بلکه تحرکات نظامی اخیر هدفش بستن مرز عراق با سوریه است. در مورد دیگر اهداف این جابه‌جایی‌ها گفته شد، افزایش نیروی نظامی آمریکا در دریا و خشکی در پاسخ به تحرکات جمهوری

اسلامی ایران صورت می‌گیرد، آمریکا قصد

دارد ارتباطات جمهوری اسلامی ایران را

در دریا و خشکی با کشورهای منطقه قطع

کند و از ارسال کمک‌های ایران به سوریه،

لبنان و یمن جلوگیری نماید. برخی نیز

گمانه زنی کردند که هدف راهبردی از این

جا به جایی و انتقال تجهیزات به شرق

فرات تغییر قواعد رقابت با روسیه است.

نباید فراموش کرد که رهبران بلند پایه



جمهوری اسلامی ایران در دیدارهای خود با پوتین از او خواسته بودند که در بیرون راندن آمریکایی‌ها از شرق فرات کمک کند.

خالد الیعقوبی مشاور نخست وزیر عراق در امور امنیتی در گفتگو با تلویزیون عراق افزایش نیروهای آمریکایی در داخل عراق را تکذیب کرد اما اظهار داشت که نیروهای آمریکایی قصد استقرار مجدد در سوریه را دارند، منابع دیگر گفتند اصولاً آمریکایی‌ها این گونه نقل و انتقالات را با مقامات عراقی هماهنگ نمی‌کنند و عراقی‌ها چندان در جریان کم و کیف این گونه عملیات قرار نمی‌گیرند. فاضل ابورغیف کارشناس دیگری در عراق که به دولت عراق نزدیک است نیز گفت: با توجه به آنکه عراق اکنون به کشورهای منطقه به ویژه سوریه و عربستان نزدیک‌تر شده است، آمریکا به آرایش دوباره نیروهای خود پرداخته است و هدف این اقدامات ربطی به عراق ندارد، بلکه هدف آن کنترل جریان‌های افراطی نظیر داعش است. آمریکا از این طریق همچنین به ایران، ترکیه و سوریه پیغام می‌فرستد. بیانیه ائتلاف نیروهای آمریکایی مدعی شده است که واحدهایی از گردان‌های کوهستانی دهم جایگزین نیروهایی از گارد ملی اوهایو شده‌اند. این تحرکات صرفاً جایگزینی نیروهای جدید، شیفت بندی و انتقال مسئولیت‌های رزمی است. در نیمه اوت سال جاری ۲۰۲۳ یک هیئت بلند پایه‌ای از عراق با نگرانی نسبت به این تحرکات و احتمالاً هماهنگی بیشتر به ریاست ثابت‌العباسی وزیر دفاع این کشور به همراه گروهی از مسئولان امنیتی عراق به واشنگتن رفتند و با طرف آمریکایی بر سر ایجاد یک کمیته مشترک با ائتلاف بین‌المللی و انجام هماهنگی‌های مشترک توافق کردند. برخی از منابع هدف از این تحرکات را فراتر از مسائل منطقه‌ای دانستند و هدف آن را کنترل کریدورهای اقتصادی دانستند که کشورهای عربی با همکاری چین دنبال می‌کنند، نسبت دادند. این کریدورها که خلیج فارس را به دریای مدیترانه پیوند می‌دهد و عمدتاً با ابتکار چین در دست اجراست، محل نگرانی آمریکا شده است. لذا هدف احتمالی در حالت خوشبینانه می‌تواند قطع این کریدورها، کنترل مجاری عبور کالا و انرژی در منطقه باشد. شایان توجه است گذرگاه قائم - بوکمال میان عراق و سوریه مورد پایش نیروهای آمریکایی است و از ارزش بالای نظامی - امنیتی سیاسی اقتصادی، ژئوپلیتیک و حتی فرهنگی برخوردار است. ضمن آنکه مراکز نفتی شرق فرات در سوریه نیز تحت کنترل آمریکایی‌ها قرار دارد. ... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir



فهم کشورهای آسیایی از امنیت در خلیج فارس

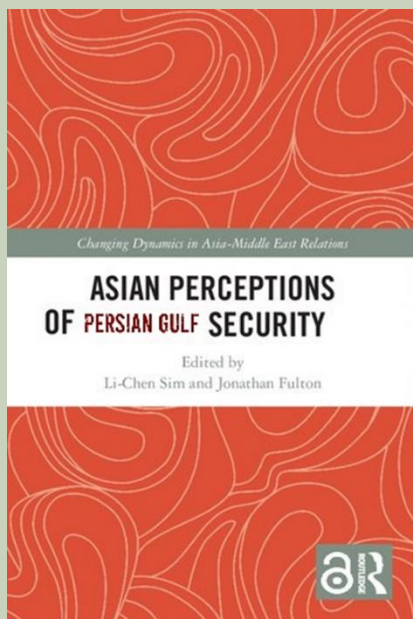
به قلم؛ شهاب دلیلی



جاناتان فولتون به همراه لی چن سیم در ادامه کتاب «قدرت‌های خارجی و پادشاهی‌های خلیج فارس» (۲۰۱۹) کتاب «فهم آسیایی از امنیت خلیج فارس» (۲۰۲۲) را منتشر و در آن به

مسئله امنیت خلیج فارس و تغییر تحولات روابط میان آسیا و خاورمیانه پرداخته‌اند. به گفته نویسندگان، کتاب اول به بررسی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای (آمریکا، روسیه، فرانسه، بریتانیا، برزیل، ترکیه، هند، چین، کره جنوبی و ژاپن) با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پرداخته اما تمرکز دقیقی بر روی سیاست خارجی کشورهای آسیایی نداشته است. فولتون بیان می‌کند که هدف اصلی در کتاب «قدرت‌های خارجی و پادشاهی‌های خلیج فارس»، فهم روابط چندوجهی پادشاهی‌های خاورمیانه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بود؛ اما سوال مهمتر این است که چگونه این کشورها می‌توانند با طیف وسیعی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای روابط اقتصادی داشته باشند و در عین حال با مسائل و مشکلات ژئوپولیتیکی کمتری روبرو شوند؟ به زبان ساده‌تر، در اغلب موارد روابط اقتصادی کشورهایی که در مناطق استراتژیک (مانند خاورمیانه) قرار دارند از یک رابطه اقتصادی به یک رابطه ژئوپولیتیکی متمایل می‌شود. فولتون و سیم معتقد هستند که پادشاهی‌های خلیج فارس به درستی این نکته را فهمیده و در حال رفتن به سمت نظم جدیدی هستند که سه ویژگی مهم دارد؛ ۱) توزیع عمودی قدرت در این کشورها در حال تبدیل شدن به توزیع افقی است. ۲) قدرت و نفوذ آمریکا در این کشورها کاهش می‌یابد و ۳) تمام اصولی که به خاورمیانه از منظر سیاست بین‌المللی دوره جنگ سرد نگاه می‌کرد تغییر می‌کند.

از زمان انتشار کتاب «قدرت‌های خارجی و پادشاهی‌های خلیج فارس» (۲۰۱۹) تا به امروز فاصله عربستان و امارات متحده عربی با آمریکا به طور تعجب‌برانگیزی افزایش پیدا کرده و اعتماد این دو کشور به واشنگتن کمتر و کمتر شده است. فولتون و سیم در این کتاب به روند خروج آمریکا از خاورمیانه می‌پردازند تا نشان دهند که کاهش حضور آمریکا در خاورمیانه که از دوره اوباما شروع و در دوره ترامپ نیز پیگیری شد بود در دوره بایدن نیز بر خلاف انتظارات ادامه یافت. بایدن حتی نتوانست در فردای حمله پوتین به اوکراین با ریاض و ابوظبی یک تماس تلفنی برقرار کند تا در مورد جنگ در اوکراین و مهمتر از آن قیمت جهانی انرژی با بن سلمان و بن زاید صحبت کند. آنها از پاسخ به تماس تلفنی بایدن خودداری کردند.



فولتون و سیم با اشاره به گفته‌های انور قرقاش در سال ۲۰۲۱ معتقد هستند که کشورهای خاورمیانه با خروج آمریکا از افغانستان وارد یک آزمون نگران کننده شده اند. از یک سو واشنگتن به روشنی اقیانوس آرام و اقیانوس هند را در اولویت خود قرار داده و چین را رقیب استراتژیک خود می‌داند و از سوی دیگر به تهاجم روسیه به اوکراین و روابط فرآتلانتیک متمرکز شده است. در نتیجه خاورمیانه و مسائل مبتلا به آن بر خلاف گذشته از رتبه اول به رده سوم در سیاست خارجی آمریکا نقل مکان کرده است. کشورهای عربی خلیج فارس نیز در واکنش به این تغییر و تحولات به مشارکت‌های فرامنطقه‌ای خود تنوع بخشیده‌اند و دیگر مانند گذشته واشنگتن را به عنوان تنها

گزینه موجود در نظر نمی‌گیرند. آنها حاضر شده‌اند برای اجتناب و دوری از تنش‌های منطقه‌ای با تهران و آنکارا نیز ارتباط برقرار کنند. به عقیده فولتون و سیم، کشورهای پادشاهی خاورمیانه در اثر ناپایداری‌ها و تنش‌های یک دهه گذشته و خروج آمریکا از خاورمیانه به این جمع‌بندی رسیده‌اند که دیگر نمی‌توانند اعتماد گذشته خود به واشنگتن را حفظ کنند و باید خود مسائل امنیتی خود را پیگیری کنند. در آن سو نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید در نوع نگاه خود به جنوب غرب آسیا تجدیدنظر کنند. به عقیده فولتون و سیم واشنگتن نیز به این جمع‌بندی رسیده که تعهدات امنیتی که تا به امروز در قبال کشورهای عربی خلیج فارس داشته زاییده نظم دوران جنگ سرد بوده و امروز دیگر کارایی گذشته را ندارد و لذا دیگر نیازی به حفظ آن ندارد.

فولتون و سیم در این کتاب تلاش دارند تا تأثیر نظم در حال تحول خلیج فارس بر منافع منطقه‌ای کشورهای آسیایی (چین، ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور، هند و پاکستان) را بررسی کنند. به عقیده آن‌ها هر یک از این کشورها در عین حالی که منافع استراتژیک در خاورمیانه دارند، با یکدیگر نیز اختلاف نیز دارند، مضاف بر این که کشورهای آسیایی در برابر بی‌ثباتی در خلیج فارس نیز آسیب‌پذیر هستند. آن‌ها می‌دانند که نمی‌توانند با پادشاهی‌های عربی خلیج فارس ارتباط اقتصادی داشته باشند اما سیاست‌های تهران، آنکارا و حتی تل‌آویو را نادیده بگیرند. کشورهای آسیایی به روشنی می‌دانند که برای ادامه روند رشد اقتصادی خود به انرژی خلیج فارس نیاز مبرم دارند. از سوی دیگر پادشاهی‌های عربی خلیج فارس نیز به منابع نیروی انسانی متخصص، نیروی کار ارزان، دانش فنی و... کشورهای آسیایی نیاز دارند. در چنین وضعیتی یک سوال مهم مطرح می‌شود مبنی بر این که کشورهای آسیایی چه تغییراتی در سیاست خارجی خود در قبال ملاحظات امنیتی خلیج فارس خواهند داد؟ و چگونه خود را با نظم جدید سازگار خواهند کرد؟ آیا خلیج فارس به منطقه‌ای برای...

نبرد نابرابر

به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

جنگ، واقعیت انکار ناپذیر تاریخ بشری است و همواره ظهور و بروز جنگ‌ها، نتیجه قدرت و سلطه طلبی حاکمان بوده است و «صلح» و «اصلاح» اصلی‌ترین پیام انبیای الهی و تاریخ ادیان توحیدی. اکنون جنگی دیگر در مسیر تاریخ تکوین رژیم صهیونیستی با فرماندهی دولت نتانیاهو کلید خورده است. حاصل آن تکرار ویرانی و کشتار مردم عادی فلسطینی از مردان و زنان و کودکان است. مهم‌ترین ویژگی تاریخ سیاسی اسرائیل، جنگ است، آن هم با اصل «برتری نژادی».

«گه عون لوی» روزنامه نگار و ستون‌نویس ثابت روزنامه مشهور «هاآرتص»، یهودی و اصالتاً اهل سودلند چکسلواکی است و عده‌ای از خانواده‌اش در کشتارهای هیتلری جان باخته‌اند. اکنون او را روزنامه‌نگار یهودی و پژواک دهنده وجدان معذب جامعه اسرائیلی می‌نامند. وی اخیراً در سخنانی گفته است: «... می‌خواهم سه اصل را بیان کنم تا ما اسرائیلی‌ها بتوانیم با واقعیت‌های وحشیانه موجود، در آرامش کامل زندگی کنیم:

اصل اول؛ ۷۵ سال تبعیض و آپارتاید نژادی حتی درون کشور خود با تفکیک یهودیان (شرقی و غربی).

اصل دوم؛ ۵۶ سال اشغال و نادیده گرفتن همه قطعنامه‌های سازمان ملل.

اصل سوم؛ ۱۶ سال محاصره بی‌رحمانه غزه و تبدیل آن به بزرگ‌ترین زندان جهان برای «فلسطینیان» آواره. اگرچه در کنار اسرائیل سه مقصر دیگر هم وجود دارند:

الف: پشتیبانی نامشروط آمریکا از اسرائیل و خودداری از فشار آوردن به آن برای اجرای راه‌حل دو دولت. ب: گره خوردن مسأله فلسطین با ساختار عقب مانده خاورمیانه (به ویژه دولت‌های عربی) به گونه‌ای که در ۷۰ سال گذشته رژیم‌های غیر دمکراتیک منطقه با نمایش حمایت از آرمان فلسطین، در واقع در جستجوی مشروعیت ناشی از آن برای مصرف داخلی و «سلطه قدرت» خود بوده‌اند.

بر این سه محور، اضافه کنید برخی سازمان‌های فلسطینی را که طی دهه‌ها به مجمع تاجران و بوروکرات‌های سیاسی کهنه کار و پیمان‌کاران منطقه‌ای تبدیل شدند و می‌گویند: «ما یهودیان در اسرائیل و در جهان، خود را نژاد برتر و منتخب «یهوه» می‌شماریم».

این روزنامه نگار «هاآرتص» در اسرائیل سخنش را با این جملات پایان می‌دهد: «پشت تمامی این وقایع، کبر و غرور اسرائیلی‌ها (رهبران آنها) قرار دارد؛ این فکر که ما می‌توانیم هر چه دلمان خواست انجام دهیم، بدون آنکه هرگز بهایی برای رفتارمان بپردازیم یا مجازات شویم. ما بدون هیچ مزاحمتی به کارمان ادامه می‌دهیم».



چامسکی، جامعه‌شناس مشهور آمریکایی که سال‌ها پرونده اسرائیل و فلسطین و فلسطینیان را مطالعه و نقد کرده است، جمله «صهیونیسم مترادف نژاد پرستی است» را حاصل تحقیقات خود از اسرائیل و گذر تاریخی دولت‌های آن می‌داند. تاریخ ۷۵ سال گذشته تا امروز در خاورمیانه، با اصل «نژادپرستی صهیونیستی»، همواره و مرحله به مرحله جنگ‌های متعددی را تجربه کرده است. اکنون «نتانیاها» بعد از «شارون» سکانداری آن را به عهده گرفته است. حمایت بی‌چون و چرا دولت‌های آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان (سکانداران قدرت غربی)، میدان را بر هرگونه جنایت او باز گذاشته است. از سوی دیگر رخوت کشورهای اسلامی و بازی دولت‌هایشان با زمان به ویژه در منطقه ما که رفتارهای مسألت آمیز «اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه با نتانیاها شاخص آن است، فضا را برای ادامه کشتار فلسطینیان از مرد و زن و کودکان باز گذاشته است. این که بحران خونبار جنگ طلبی رژیم صهیونیستی نتانیاها به کجا می‌انجامد، گمانه زنی‌های متفاوتی دارد. «شارون» و اشغال لبنان و فاجعه قتل عام فلسطینیان در یک نیمه شب تا صبح در دو اردوگاه «صبرا» و «شتیلا» را به یاد آورید. اکنون نتانیاها و ارتش اسرائیل به فرماندهی او در شعاع وسیع‌تر، همان قتل عام را در «غزه» انجام می‌دهند؛ آن هم در حالی که شهروندان اسرائیلی به سرعت به کشورهای اروپایی و آمریکا فرار می‌کنند و فرودگاه‌های بین‌المللی اسرائیل مملو از شهروندان اسرائیلی است که می‌خواهند از کشور خارج شوند. این جنگ بار دیگر نشان دهنده ویژگی اصلی رژیم صهیونیستی است که برای ادامه سلطه تفکر برتری نژادی (صهیونیسم)، جنگ و استیلای نظامی اصلی‌ترین شاکله تعریف آن است.



«نیروی هوایی فقرا» در جنگ شمشیرهای آهنین

به قلم؛ ادن کادوری، بهوشوا کالیسکی و تال آوراهاام
ترجمه؛ مجتبی جامعی

طول سال‌ها، به دنبال استفاده داعش و حماس از پهپادها و با توجه به استفاده از آن‌ها در جنگ اوکراین، بحث در این زمینه شدت گرفته است. در اصل، طرح مفهومی این ادوات در دموکراسی-های غربی توسعه یافت، که از اوایل دهه ۲۰۰۰ از آن‌ها در جنگ علیه تروریسم استفاده کردند تا با حملات متمرکز، آسیب به غیرنظامیان بی‌گناه را در عملیات‌های مختلف محدود کنند. اما اکنون، کشورهای غیر دموکراتیک و سازمان‌های تروریستی از آنها به قصد تخریب اهداف غیرنظامی، گسترش ترس مداوم در میان مردم غیرنظامی و تعقیب اهداف نظامی که اغلب ناقض قوانین بین‌المللی است، استفاده می‌کنند. بر این اساس، تغییری در مفهوم کلاسیک تهدید هوایی ایجاد شده است. چنین ادعا می‌شود. که استفاده عناصر غیر غربی از پرنده‌های هدایت‌پذیر بدون سرنشین... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

پهپادها را «نیروی هوایی فقرا» نامیده‌اند، زیرا روشی ارزان برای جمع‌آوری اطلاعات و حمله هوایی با دقت نسبی ارائه می‌کنند، قابلیتی که قبلاً در اختیار کشورهای پیشرفته بود. قبل از ظهور این ادوات، ارتش‌هایی که به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از هوا با وسایل نقلیه بدون سرنشین و استفاده از همان ادوات برای حملات هوایی بودند، نیاز به دسترسی به پهپادهایی مانند Predator آمریکایی داشتند که حدود ۲۰ میلیون دلار هزینه دارد، در حالی که استفاده از DJI چینی که مواد منفجره حمل می‌کند تنها چند صد دلار هزینه در بر دارد. در این زمینه، حماس نیز تحقیقاتی در مورد استفاده از این فناوری انجام داده که گاهی به دلیل بازدارندگی اسرائیل و برای حفظ وجه بین‌المللی خود به عنوان یک نیروی فرودست از نظر فناوری، ترجیح می‌داد از آن استفاده نکند. در عین حال، واضح بود که حتی اگر این ابزارها پیش پا افتاده باشند، اکثر کشورها و ارتش‌های جهان پاسخی به این تهدید ندارند. در

ایران؛ ضرورت جلوگیری از پیشرفت هسته‌ای و سنگربندی منطقه‌ای

نویسندگان: سیما شاین، راز زیمیت، افرایم اسکولای، سارا لرج زیربگ و یوال ریمون

ترجمه: محمد هاشمی

توضیح پژوهشکده

«برآورد استراتژیک اسرائیل در سال ۲۰۲۳» عنوان سالنامه‌ای است که به واری جدیدترین تهدیدات و مخاطرات معطوف به رژیم اسرائیل، اختصاص دارد. برخی داوری‌ها و عبارات مورد استفاده نویسندگان این گزارش لبریز از ذهنیت و جهت‌مند است اما در این نشریه از حیث روش تحلیل و محتوا نکته‌های ناگفته‌ای نهفته است که می‌تواند برای خاورمیانه‌شناسان ایرانی جالب باشد. همین که سیاست‌های جاری تل‌آویو، عمیقاً منبعث از این تحلیل‌ها هست، آموزنده بوده و می‌تواند رصد تصمیمات آتی مقامات سیاسی امنیتی را تسهیل نماید. مترجم اثر (آقای محمد هاشمی)، با زحمت و دقت شایان وصفی، عین فرم متن اصلی را در قالب فارسی آن تنظیم نموده تا بتواند روح و کالبد اثر اصلی را منتقل نماید. گروه ترجمان استراتژیک مرکز مطالعات خاورمیانه، متن‌های اساسی و داغ را انتخاب و ترجمه می‌کند. متن حاضر یکی از متون داغ و تازه است که اینک بدون تأیید صحت و سقم این مقال، عین آن را ترجمه و عرضه می‌کنیم.

ارزیابی موقعیت

از دید ایران سال ۲۰۲۲ ترکیبی از دستاوردها و چالش‌ها را به همراه داشت. چهار سال پس از خروج رئیس‌جمهور، ترامپ، از توافق هسته‌ای (برجام)، برنامه هسته‌ای ایران با شتاب در حال پیشرفت است و ایران را به آستانه هسته‌ای شدن رسانده است. این مرحله به رژیم ایران این اجازه را می‌دهد که در صورت تمایل، مراحل ساخت یک بمب و آزمایش هسته‌ای را طی کرده و در یک بازه ۲ ساله، به یک کلاهک هسته‌ای نیز دست پیدا کنند. برنامه هسته‌ای ایران اکنون شامل موارد ذیل می‌شود: غنی‌سازی اورانیوم در دو مرکز، غنی‌سازی در سطوح بالا، مواد آماده شکافت در سطوح غنی شده مختلف که امکان غنی‌سازی سطح بالا برای ساخت ۴ بمب هسته‌ای در تنها چند هفته را فراهم می‌کنند، فعالیت هزاران سانتریفیوژ که بسیاری شان سانتریفیوژهای پیشرفته هستند و استفاده از اورانیوم فلزی (بیشتر مواد در سطوح غنی‌سازی ۶۰ درصد در اصفهان قرار دارند که در آنجا امکان تبدیل به فلز را دارند). علاوه بر این، برنامه هسته‌ای ایران تحت نظارت بسیار محدود و جزئی قرار دارد. در عین حال ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر سر مراکز اعلام نشده‌ای که در آن‌ها آثار اورانیوم وارد شده از کشورهای دیگر یافت شده با یکدیگر درگیر هستند. تهران در خصوص این جنبه از برنامه هسته‌ای، که در تعارض با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نیز است، توضیحات قانع‌کننده‌ای ارائه نکرده است. در عرصه بین‌المللی ایران با جانبداری آشکار از روسیه در جنگ با اوکراین، قدم شگرفی برداشت که آثار آن در تامین پهپادها و متخصصین و همچنین تعهد به ساخت یک کارخانه تولید پهپاد و موشک بالستیک در خود روسیه نمود یافته‌اند. برای نخستین بار... فایل کامل این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

پیامدهای عملیات موفقیت آمیز طوفان الاقصی در سطوح منطقه و بین‌المللی چه بوده است؟

رمزگشایی از مهم‌ترین پیام موشک‌های مقاومت

به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

اسماعیل هنیه فرمانده حماس بعد از پایان عملیات موفق رزمندگان فلسطینی، سجده شکر به جای آورد و در دفتر فرماندهی‌اش گفت: «طوفان از غزه آغاز شد و به همه جا سرایت خواهد کرد. حماس محاصره شکنی رژیم صهیونیستی را با موفقیت انجام داد.» گزارش‌های رسانه‌ای و اعلام مواضع دولت‌ها همچنان ادامه دارد و از حمله طوفانی حماس شرح و تفسیر ارائه می‌دهند. چندان دور از انتظار نبود که دولت‌های انگلیس، فرانسه و آلمان دستپاچه شدند و به سرعت ادامه حمایت خود از رژیم صهیونیستی را اعلام کردند. دولت روسیه هر دو طرف را به خویشتنداری و ممانعت از گسترش جنگ دعوت کرد.

۱ - اولین پیامد خبری، سیاسی و امنیتی طوفان حماس، شکسته شدن دو گزاره بود، اول، حصار امنیتی «گنبد آهنین» آمریکایی برای اسرائیل که همواره از آن به «دژ مستحکم و خلل ناپذیر» یاد و تبلیغ می‌شد، فرو ریخت.

حماس با حملات هوا و زمین خود، باور نفوذناپذیری این سپر ایمنی را درهم شکست و به هم ریخت. مقاومت در برابر تجاوزهای مداوم اسرائیل به سرزمین‌های اشغالی نه فقط نتیجه داد که دولتمردان صهیونیست و حامیان آنها به ویژه در آمریکا و اروپا را «شوکه زده» کرد. به بیان دیگر تعریف و مفهوم اسرائیل به عنوان نقطه‌ای امن و با ثبات فرو ریخت.

۲ - شهروندان اسرائیلی که چندین ماه است علیه سیاست‌های نتانیاهو و دولت راست افراطی آن تظاهرات علنی اعتراضی داشته و دارند و خواهان عزل و برکناری او از قدرت هستند، با حمله نظامی موفق و شکستن دیوارهای امنیتی - نظامی اسرائیل در عملیات محاصره شکنی حماس، اکنون نتانیاهو را «خائن» به سرزمین و ملت خود می‌نامند؛ تا آنجا که برخی از صاحب‌نامان نام در نظام حکومتی اسرائیل، خواهان استعفا یا عزل فوری نتانیاهو شده‌اند. دولت راست افراطی اسرائیل اکنون مسئول اصلی «فاجعه» ملی در اسرائیل خوانده می‌شود.

۳ - اغلب دولت‌های عربی و غیر عربی در کشورهای مسلمان منطقه نیز که مسیر سازش با نتانیاهو را پیش گرفته‌اند، «حیرت‌زده» شده‌اند و در شوک خبری به سر می‌برند. در این میان «اردوغان» رئیس‌جمهوری ترکیه که به تازگی در نشست سالانه سازمان ملل به ملاقات نتانیاهو رفته و دست در دست او عکس یادگاری گرفته بود، اکنون در «حیرت» مانده و بهت زده است.

صف شکنی حماس در عملیات نظامی موفق علیه رژیم صهیونیستی شوک بزرگی به جریان «سازش» برخی دولت‌های مسلمان منطقه با اسرائیل وارد کرد و نشان داد مقاومت فلسطینیان همچنان زنده و استوار است. در همین راستا، طوفان حماس در اراضی اشغالی بر بار سنگین سیاسی و تحکمی که دولت‌های آمریکا و اروپا در چند ماه اخیر برای انجام سازش و اعلام روابط رسمی سیاسی دولت سعودی با رژیم صهیونیستی داشتند، ضربه وارد کرد. دولت عربستان سعودی اکنون می‌تواند نشان دهد که از میراث داران حراست از قبله اول مسلمین (مکه) و قبله دوم (قدس شریف) است که دولت نتانیاها و سران راست افراطی در این دولت، شعار ویران‌سازی آن را مکرر تکرار می‌کنند!

۴ - واقعیت امروز چنین است که رژیم صهیونیستی با رهبری نتانیاها دچار بحران‌های متعدد در درون اسرائیل است و ضربه سختی از محاصره شکنی حماس خورده است. نتانیاها فرمان تهاجم نظامی در سراسر غزه را داده که حاصل آن ویرانگری افزون‌تر سرزمین فلسطینیان است. فلسطین و فلسطینیان مظلوم‌ترین سرزمین و انسان‌ها در تاریخند که اینک راهی به جز مقاومت ندارند. رهبری حماس به درستی گفت: «طوفان مقاومت از غزه آغاز شده و به همه جای سرزمین‌های اشغالی از سوی صهیونیست‌ها سرایت خواهد کرد.» لبنان، سوریه و سراسر فلسطین اشغالی، جغرافیای مقاومت ملی و دینی شده است.





به قلم؛ ریچارد هاس

ترجمه؛ رضا فضلعلی

با گذشت بیش از یک سال جنگ برای اوکراین بسیار بهتر از آن چیزی بود که پیش‌بینی‌ها می‌شد. تلاش روسیه برای به زانو درآوردن همسایه خود با شکست مواجه شد. هنوز اوکراین مستقل و با دموکراسی فعالی که حدود ۸۵ درصد از سرزمین‌های اشغال شده قبل از حمله روسیه در سال ۲۰۱۴ خود را در اختیار دارد، در عین حال خوش‌بینی برای پیش‌بینی نتیجه جنگ نیز دشوار است. در حالی که هزینه‌های فراوان انسانی و اقتصادی باعث شده تا مسکو و کیف برای حرکت‌های بعدی خود در جنگ آماده شوند. بر این اساس به احتمال زیاد نتیجه کشمکش، با وجود مهارت و روحیه عملیاتی بیشتر اوکراین و همچنین دسترسی این کشور به حمایت غرب و در مقابل، برتری نظامی ارتش روسیه، بدون شک پیروزی کامل اوکراین نیست، بلکه بن‌بستی خونین خواهد بود. به این دلیل، افزایش تماس‌ها برای پایان دادن به درگیری به صورت دیپلماتیک، قابل درک و فهم‌تر است. لیکن هنوز مسکو و کیف هر دو مایل به ادامه جنگ (برای پیروزی) هستند شرایط برای یک توافق از طریق مذاکره فراهم نشده است. به نظر می‌رسد روسیه مصمم است تا بخش بزرگی از دونباس را اشغال کند و اوکراین نیز در حال آماده شدن حمله‌ای جهت شکستن ارتباط زمینی بین دونباس و کریمه است. همانطور که همیشه «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین تاکید می‌کند که سرانجام راهی برای اخراج کامل نیروهای روسیه و بازگرداندن تمامیت ارضی اوکراین باز خواهد کرد. لذا غرب نیازمند رویکردی است تا واقعیت‌ها را بدون زیر پا گذاشتن اصول خود بشناسد. بهترین مسیر رو به جلو، یک استراتژی دو وجهی متوالی است که ابتدا توانایی نظامی اوکراین را تقویت می‌کند و چه بسا زمانی که جنگ در اواخر امسال به پایان برسد، مسکو و کیف را از میدان جنگ به میز مذاکره سوق می‌دهد. البته غرب باید با سرعت بخشیدن به ارسال تسلیحات به اوکراین و افزایش کمیت و کیفیت آنها شروع کند. هدف اصلی باید تقویت دفاعی اوکراین و در عین حال موفقیت آمیز

بودن حمله احتمالی بعدی به روسیه و تحمیل خسارات سنگین باشد، تا مسکو تمایل بیشتری به راه حل‌های دیپلماتیک داشته باشد و مجبور به کنار گذاشتن گزینه‌های نظامی باشد. شاید با اتمام حمله، اوکراین ایده حل و فصل از طریق مذاکره را ترجیح دهد، زیرا حداکثر تلاش خود در میدان نبرد را انجام داده و در ادامه این وضع با افزایش محدودیت‌های نیروی انسانی و کمک از خارج نیز مواجه خواهد شد. دومین مرحله هدف و راهبرد غرب با این که ممکن است حرکت دیپلماتیک شکست بخورد باید در اواخر سال جاری ارائه طرحی برای میانجی‌گری آتش‌بس در جهت روند صلحی پایدار و پایان درگیری باشد. حتی اگر تلفات و خسارات روسیه و اوکراین افزایش قابل توجهی داشته باشد، شاید یکی یا هر دوی آنها ترجیح به ادامه جنگ دهند. لیکن به دلیل افزایش هزینه‌های جنگ و چشم‌انداز آینده بن بست نظامی است، با افزایش فشار باید برای آتش‌بسی که بتواند از درگیری مجدد جلوگیری کند و زمینه را برای ترک مخاصمه و صلحی پایدار فراهم کند.

جنگی که پایانی نخواهد داشت؛

در حال حاضر، راه حل دیپلماتیک دور از انتظار است. شاید «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه نگران است که اگر جنگ را متوقف کند، روس‌ها او را به خاطر آغاز جنگی پرهزینه و بیهوده مقصر خواهند دانست. به هر حال نیروهای روسی هیچ یک از چهار استانی را که مسکو در سپتامبر گذشته به صورت یک طرفه ضمیمه کرده به طور کامل کنترل نمی‌کنند، در حالی که ناتو بزرگ‌تر و قوی‌تر شده و اوکراین بیش از هر زمان دیگری از روسیه فرمان نمی‌برد و فاصله گرفته است. لذا در ظاهر پوتین معتقد است که زمان به نفع او می‌باشد و تحریم‌های اقتصادی که هنوز نتوانسته اقتصاد روسیه را زمین‌گیر و از بین ببرد و حمایت مردم از جنگ ادامه دارد، عملیاتی که بر اساس نظرسنجی‌های مرکز لوادا، هنوز بیش از ۷۰ درصد از روس‌ها همچنان از آن حمایت می‌کنند. پوتین به ادامه روند قدرت اوکراین و حامیان غربی آن شک دارد و انتظار دارد که آنها در تصمیم خود تجدید نظر بکنند. او با اطمینان از این که با ورود سربازان جدیدش به جنگ، روسیه می‌تواند دستاوردهای ارضی خود را گسترش داده تا بتواند اعلام کند که مرزهای روسیه را به صورت قابل توجهی گسترش داده است.

رهبری و عموم مردم اوکراین به طور قابل درک به دنبال باز پس‌گیری کنترل تمام سرزمین‌هایی مانند کریمه هستند که روسیه از سال ۲۰۱۴ تصرف کرده است به همین علت اوکراین نیز تمایلی به حل و فصل این مناقشه ندارد. اوکراینی‌ها، همچنین مسکو را در قبال جنایات جنگی نیروهای روسی مسئول می‌دانند که باید هزینه‌های هنگفت بازسازی را پردازند. علاوه بر این، کیف با دلایل قابل توجه و مستندی، شک دارد که آیا به پوتین برای پایبندی به توافق صلح می‌توان اعتماد کرد! لذا رهبران اوکراین خواهان افزایش کمک نظامی و اقتصادی از ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

انتخابات ۲۰۲۴ ترکیه



به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

۱. روند انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در ترکیه از دیروز کلید خورد که با اخذ آرای شهروندان ترکیه در خارج از کشور همراه شد. ترکیه بیش از چند میلیون شهروند در خارج به ویژه در کشورهای همسایه اروپایی خود از جمله آلمان، فرانسه و... دارد و مجموع آرای آنها در رقابت انتخابات سراسری ریاست جمهوری و پارلمانی، تعیین کننده و حائز اهمیت است. در این انتخابات چگونگی آرای شهروندان ترکیه در خارج کشور به لحاظ نزدیکی رقابت اردوغان و کمال قلیچ داراوغلو از حساسیت و اهمیت افزونتری برخوردار شده است.

احزاب مخالف اردوغان با سکوی مخالفت استمرار با «اسلام‌گرایی» در تعریف دولت ترکیه، در خارج از کشور، هواداران بیشتری دارند. اما این تفاوت به لحاظ عددی و کمی در شرایطی تعیین کننده خواهد شد که رقابت نهایی آرای انتخاباتی در داخل کشور بسیار نزدیک به هم شود.

۲. اگر چه در این انتخابات چندین حزب از احزاب گوناگون در ترکیه با یکدیگر رقابت انتخاباتی و سیاسی دارند، اما در اغلب روزنامه‌های ترکیه و در خارج از این کشور، رقابت اردوغان از حزب «عدالت و توسعه» با کمال قلیچ داراوغلو از حزب «جمهوریخواهان خلق» را اصلی. عمده و در نهایت با ائتلاف با احزاب متوسط و کوچک دیگر، تعیین کننده نهایی این انتخابات می‌شمارند.

۳. یکی از روزنامه‌های صبح تهران در شرح و توصیف انتخابات ترکیه با طرح این پرسش که اردوغان با چه کسی رقابت می‌کند؟ شرح می‌دهد: «کمال قلیچ داراوغلو که در این انتخابات براساس یک مکانیزم تفاهم گروهی از سوی شش حزب بزرگ مخالف حزب عدالت و توسعه به عنوان رقیب انتخاباتی اردوغان معرفی شده است، چهره‌ای ملی‌گرا، تکنوکرات و از همه مهم‌تر «اقتصاددان» است. با این وجود، او طی بیست سال گذشته در بسیاری از رقابت‌های انتخاباتی از کسب اکثریت بازمانده است و در موردش می‌گویند که از حداقل کاریزمای لازم برای پیروزی در برابر اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری

برخوردار نیست.

رہبر ۷۴ سالہ حزب جمہوری خواہان خلق حتی برای جلب نظر ہر شش حزبی کہ برای رقابت با اردوغان در انتخابات پیش رو ائتلاف کردہ اند ہم با مشکل روبہ رو بودہ است، با این حال توافق نہایی شش حزب بر سر او باعث شدہ است کہ انتخابات پیش رو در ترکیہ بہ جای یک پیروزی آسان برای اردوغان، تبدیل بہ چالشی مسألہ بر انگیز شود. آقای قلیچ داراوغلو، کارمند بازنشستہ دولت و سیاستمدار سوسیال دموکرات است او رہبر حزب جمہوری خواہ خلق است و از سال ۲۰۱۰ رہبر اپوزیسیون اصلی ترکیہ بودہ کہ بہ عنوان نمایندہ پارلمان در حوزہ دوم انتخابات استانبول ہمین طور بہ عنوان نمایندہ حوزہ دوم انتخاباتی ازمیر در مجلس حاضر بودہ است. قلیچ داراوغلو در دورہ کارمندی اش، بہ عنوان مدیر کل موسسہ بیمہ اجتماعی کار کردہ است. در انتخابات محلی سال ۲۰۰۹، ہم بہ عنوان نامزد حزب جمہوری خواہ خلق برای شہرداری استانبول معرفی شدہ، اما در برابر نامزد حزب عدالت و توسعہ شکست خوردہ است. اما انتخابش بہ عنوان معاون رئیس انترناسیونال سوسیالیست در ۳۱ اگوست ۲۰۱۲، بہ محبوبیتش نزد چپ‌ہای ترکیہ افزودہ است. قلیچداراوغلو از سال ۲۰۱۰ رہبر حزب متبوع خود بودہ و باعث افزایش آرای حزبش در انتخابات‌ہای بعدی از این سال بودہ است اما در انتخابات‌ہای متعدد نتوانستہ است حزب عدالت و توسعہ را بہ قدری عقب براند کہ از قدرت تعیین کنندہ آن در فضای سیاسی ترکیہ کم کند. او کہ تحصیلات تکمیلی خود را در فرانسه گذرانندہ است، جزو اقلیت دینی «علوی» ترکیہ است و یکی از شگفتی‌ہایی کہ در این انتخابات ایجاد کردہ ہمین اشارہ علنی بہ تعلق خودش بہ علویان ترکیہ است کہ گرہ چندان محبوبی در میان مسلمان‌ہای عموماً سنی ترکیہ بہ حساب نمی‌آیند».

۴. دو رقیب اصلی و عمدہ در این انتخابات یعنی اردوغان و کمال قلیچ داراوغلو کھولت سن دارند ضمن این کہ بہ خاطر سابقہ طولانی فعالیت در عرصہ سیاسی بہ نوعی برای نسل جدید ترکیہ خستہ کنندہ شدہ‌اند و نزد افکار عمومی ہم باتوجہ بہ اعلام موضع و سخنرانی‌ہای خود جذابیت یا «کاریزما»ی بالا و فوق‌العادہ ندارند. شرایط کنونی را اغلب تحلیلگران سیاسی - اجتماعی در داخل ترکیہ رصد کردہ‌اند و نتیجہ انتخابات را در حد بہرہ‌مندی ائتلاف‌ہای سیاسی - تشکیلاتی در مجموعہ احزاب ترکیہ و حاکمیت از این رخداد تفسیر می‌کنند و نہ زمینہ‌ای برای ترسیم آیندہ‌ای روشن و متفاوت از گذشتہ و عبور از بحران‌ہای کنونی کشور و تحول اساسی در جامعہ ترکیہ واقعیت این است اگر چہ انتخابات و تنوع احزاب در ترکیہ نشانہ‌ہای ادامہ دموکراسی خواہی در این کشور است، اما واقعیت این است کہ حضور بیش از دو دہہ شخصیت‌ہای مشہور در رأس ہرم قدرت سیاسی، خود بہ خود نشانہ ادامہ تکرار گذشتہ از نظر و دیدگاہ مردم ترکیہ، بہ ویژہ نسل جوان آن است؛ لذا پیش‌بینی بسیاری از رسانہ‌ہای ترکیہ‌ای آن است کہ انتخابات بہ دور دوم در خردادماہ کشیدہ خواہد شد، در حالی کہ برخی دیگر از رسانہ‌ہا، پیروزی اردوغان در دور اول را قطعی دانستہ‌اند.

عبرتی برای اردوغان و علی‌اف

به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

ابتدا این خبر را بخوانید که در صدر اخبار مربوط به ترکیه با عنوان «انهدام یک شبکه جاسوسی «موساد» (سازمان امنیت اسرائیل) در چندین خبرگزاری آمده است: «طبق گزارش‌ها، تحقیقات درباره یک شبکه جاسوسی موساد در ترکیه که از اهداف آن شرکت‌ها و افراد دخیل در روابط تجاری ترکیه با ایران بودند، با اعلام جزئیاتی درباره فعالیت‌های سرکرده آن که یک کارآگاه خصوصی به نام «کوچک کایا» بود، به پایان رسیده است. کوچک کایا در عملیاتی در «ماه مه» گذشته توسط سازمان اطلاعات ملی ترکیه بازداشت شده بود.» بعد از انتشار این اطلاعیه، دفتر دادستانی عمومی استانبول (ترکیه) علیه ۱۷ نفر که ۶ تن از آنها در بازداشت به سر می‌برند، برای اتهام ارائه اطلاعات محرمانه و سرّی به سازمان‌های خارجی به منظور جاسوسی سیاسی و نظامی، کیفرخواست صادر کرد. کوچک کایا به منظور تسهیل ارتباط میان اعضای این شبکه که وظیفه تعقیب اهداف اطلاعاتی - جاسوسی موساد را برعهده داشتند، گروهی در شبکه اجتماعی «واتس آپ» تشکیل داده بود. این کارآگاه خصوصی چهار سال، ۱۱ بار با مأموران موساد در ۱۰ شهر مختلف اروپایی دیدار و ۲۷ میلیون لیر ترکیه به عنوان دستمزد از آنها دریافت کرده بود. طبق تحقیقات به عمل آمده، او اهداف موساد در ترکیه از جمله یک شرکت و ۲۲ فرد را که با ایران روابط تجاری داشتند، زیر نظر داشته است. اطلاعات و گزارش‌هایی که او گردآوری کرده و در اختیار موساد گذاشته بود، برای منافع ترکیه «حساس و حیاتی» تلقی شد. این که در سفارتخانه‌های اسرائیل مأموران موساد (سازمان امنیت اسرائیل) حضور دارند، چندان خبرساز نبوده و نیست. اما اینکه یکی از وظایف مهم و اصلی مأموران موساد با استفاده از چتر سیاسی سفارتخانه اسرائیل در کشورها و به ویژه کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه ایران، جمع‌آوری اطلاعات از چگونگی روابط رسمی این دولت‌های مسلمان با یکدیگر است تا براساس گزارش‌های امنیتی - سیاسی موساد دولت اسرائیل، موجب تخریب روابط ایران و همسایگانش همچنین تثبیت امواج خبرسازی‌های منفی برای تثبیت ذهنیت علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و مجموعه کشورهای مسلمان شود، واقعیتی که به طور رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای برادر و مسلمان خود در دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس همچنین ترکیه و جمهوری آذربایجان، هشدار داده است. رژیم صهیونیستی، رژیمی است که محوریت بقاء آن نه تنها در گسترش بحران‌ها در منطقه که همواره براساس جنگ و تجاوز استوار است.

اردوغان و علی‌اف (ترکیه و آذربایجان) روابط رسمی با دولت صهیونیستی (اسرائیل) برقرار کردند در حالی که تهران بارها هشدار داده است، داشتن این سطح از روابط رسمی با رژیم صهیونیستی که بقای خود را در تضادآفرینی و تشدید اختلاف‌های کشورهای مسلمان تا مرز بحران روابط دوجانبه آنها می‌داند، به صلاح منطقه نیست. بعد از دیدار وزراء خارجه ایران و عربستان در پکن و امضاء توافق‌نامه از سرگیری

روابط دوجانبه تهران - ریاض، اولین واکنش را نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی ابراز کرد و به طور علنی همراه با خشم گفت: «همه برنامه‌های ما با این دیدار به هم ریخته است و انجام این توافق (ریاض - تهران) فاجعه بزرگ برای اسرائیل است!» در فاصله کوتاهی، شبکه‌های صهیونیستی در غرب از دیدار مقامات کاخ سفید با دولت عربستان سعودی با محوریت پذیرش و اعلان روابط رسمی دولت عربستان سعودی و دولت اسرائیل خبرسازی کردند تا اینکه دیروز خبر فرستادن سفیر عربستان برای روابط رسمی دوجانبه با دولت خودگردان فلسطین به ریاست محمود عباس، یکباره در منطقه و در سطح بین‌المللی شوک خبری سعودی‌ها برای اسرائیل خوانده شد. رژیم صهیونیستی و دولت دست راستی افراطی نتانیاهو اکنون نه تنها در داخل اسرائیل که در سطح منطقه منفور و در انزوا قرار گرفته است، زیرا این دولت (اسرائیل) تخریب مسجد الاقصی، قبله دوم مسلمانان جهان را از اهداف اصلی خود می‌خواند. تاریخ تثبیت رژیم صهیونیستی، تاریخ جنگ و ایجاد تضاد و تخاصم در روابط کشورهای مسلمان منطقه است و این رژیم به مفهوم نظری و عملی سیاسی، بقای خود را بر «هژمونی» بلامنازع در خاورمیانه می‌داند.



براساس چنین سیاستی است که به جنگ با مصر، سوریه، اردن و لبنان پرداخت و فلسطینیان را از سرزمین خود آواره کرد. اکنون نیز بعد از «ژنرال شارون» جنایتکار جنگ افروز، دولت نتانیاهو به دولت راست افراطی و جنگ طلب در داخل و خارج از اسرائیل شهرت یافته است. آن هم در حالی

که دولت آمریکا چه در زمان ترامپ و اکنون بایدن همچنان دیکته سلطه صهیونیستی با محوریت ایپک در واشنگتن و نیویورک را مدیریت و اجرا می‌کند. چنبره سرمایه‌داران بزرگ یهودی در آمریکا و انگلیس و آلمان و فرانسه، باعث شده است سیاست‌های آن‌ها در حمایت و تأیید بی‌چون و چرا از اسرائیل به اجرا درآید. به ویژه مجموعه رسانه‌های غربی در سلطه سرمایه‌داران بزرگ صهیونیستی است. از سوی دیگر روسیه و چین نیز در راستای چنین حمایتی، سیاست‌های خود را اجرا می‌کنند. آیا تاکنون حتی یک جمله از پوتین در نفی سیاست‌های نژادپرستانه صهیونیست دیده یا شنیده‌اید؟! آیا تاکنون حتی یک‌بار دیده‌اید که اشغال سرزمینی سوریه و اردن و بخشی از لبنان را دولت‌های روسیه و چین محکوم کرده باشند؟! انتشار خبری از جاسوسی موساد در ترکیه که چندی است روابط رسمی دوجانبه با رژیم صهیونیستی برقرار کرده است و همچنین روابط رسمی دوجانبه کشور مسلمان همسایه ما جمهوری آذربایجان با اسرائیل که «علی‌اف» آن را به انجام رساند، هشدار و زنگ خطر جدی است و شاید درس عبرتی شود تا دریابند مبنا و محور روابط رژیم صهیونیستی با این دو کشور، ایجاد تنش و بحران در روابط ترکیه و آذربایجان با ایران است.

چرا فلسطین بخش مهمی از گفتار انتخاباتی اردوغان و کلیچدار اغلو بود؟



به قلم؛ رضا صولت

بازنگشتند. این تصویری است که در ذهن یک ترک نقش بسته است. در ذهنیت یک ترک از یک فلسطینی تصویر برادری است که در روزهای سخت به یاری اورفته بود و از این رو کمک به وی در آن اضطرار امری واجب به شمار می‌رود؛ زیرا تمایزی به نام عرب با ترک وجود ندارد. اگر به جایگاه جنگ چاناک قلعه و قداستی که برای ترکیه دارد نگاه کنیم متوجه می‌شویم که چرا در طول تاریخ جمهوریت ترکیه هر چند حکومت سیاست خاورمیانه‌ای نداشته و نسبت به حوادث این منطقه و حتی سرزمین‌های پیشین خود مسکوت مانده است، اما همواره حس همدلی و هم‌ذات‌پنداری با مردم فلسطین در میان ملت ترک موج زده است. این واقعیتی انکارناپذیر است؛ زیرا چنانکه گفتیم...

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

در سخنرانی‌های انتخاباتی اردوغان و کلیچدار اغلو کلید واژه فلسطین و غزه مدام تکرار می‌شود. این امر ریشه در حوادث و سوانح تاریخی ترکیه و البته امپراتوری عثمانی دارد. برای فهم بیشتر این موضوع، و چرایی اهمیت تحولات غزه در کمپین‌های ائتلاف جمهور و ائتلاف ملت، موضوع را در سه سطح مورد بررسی قرار می‌دهیم؛

سطح داخلی: در فاصله جنگ جهانی نخست در سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۶ امپراتوری عثمانی در نبرد زمینی و دریایی دشوار با مؤتلفینی بود که می‌کوشیدند با به‌دست آوردن تنگه‌های استانبول و چاناک قلعه پایتخت را فتح و کنترل امپراتوری رابه‌دست بگیرند. در این میان، بسیاری از ملت‌های مختلف موجود در امپراتوری به‌ویژه فلسطینی‌هایی بودند که با پیمودن ۲۵۰۰ کیلومتر خود را به میدان‌های جنگ رساندند و هرگز به خانه‌های خود

John Ghazvinian
A reflection on the history of Iran-US relations



با سخن و حضور
جان قزوینیان
مدیر اجرایی مرکز خاورمیانه در دانشگاه پنسیلوانیا
نویسنده کتاب ایران و آمریکا تاریخ یک رابطه ۱۷۸۰ تا ۲۰۲۰
دیپلمات
عازق مسعودی

مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
گروه مطالعات سیاست خارجی و تمدن ایرانی
تلفی بی پیشینه ی مناسبات ایران و آمریکا
زمان: جمعه ۱۸ شهریور ماه ۱۴۰۲ - ۲۰:۳۰
ساعت ۱۹ الی ۲۱

<https://www.skyroom.online/zh/mess509/webinar>

Dr. S.Dabbagh & Dr. A.Bostani
Religious Intellectuals:
The Perspective for The Fifteenth Century AH



با حضور:
دکتر سروش دیباغ
عضو هیات هیئت علمی موسسه ی
پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
پژوهشگر، محقق در پژوهش های فلسفه و عرفان
پژوهشگر و دانشمند در پژوهش های
اسنادی، علوم سیاسی، فلسفه خوارزمی و فلسفه علمی
گروه مطالعات سیاست و تمدن ایرانی

دکتر احمد بستانی
مدیر پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
گروه مطالعات سیاست و تمدن ایرانی
چشم انداز روشنگری دینی
در سده ی پانزدهم هجری قمری
زمان: پنج شنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۹
ساعت ۱۹ الی ۲۱

<https://engage.ahel.com/zh/me-4br-yzx-px1>

برخی از برنامه های مرکز در سال ۱۴۰۲

Homayoun Katouzian
Humour in Iran



گفتگو با:
دکتر همایون کاتوزیان
اساتذہ مطالعات شرقی دانشگاه کمبریج
دیپلمات
عازق مسعودی

مرکز پژوهش های علمی و مطالعات بینرشته ای استراتژیک خاورمیانه
گروه مطالعات سیاست خارجی و تمدن ایرانی
هزار سال هجو نویسی در ادبیات فارسی
زمان: جمعه ۲۱ مهر ماه ۱۴۰۲
ساعت ۱۷:۳۰ الی ۱۹

<https://www.skyroom.online/zh/mess509/webinar>

Ali Mirsepassi
Discovery of Iran



گفتگو با:
دکتر علی میرسپاسی
اساتذہ مطالعات سیاسی و علوم سیاسی دانشگاه پنسیلوانیا
دیپلمات
عازق مسعودی

مرکز پژوهش های علمی و مطالعات بینرشته ای استراتژیک خاورمیانه
گروه مطالعات سیاست خارجی و تمدن ایرانی
کشف ایران - جهان وطنی رادیکال
زمان: جمعه ۷ مهر ماه ۱۴۰۲
ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

<https://www.skyroom.online/zh/mess509/webinar>



ترکیه از شرق تا غرب

سیاست خارجی ترکیه به کدام سو می‌رود؟

به قلم؛ سید محسن مصطفوی، مدیر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه

رئیس جمهور اردوغان در بهار و تابستان ۲۰۲۲، سال شلوغی را به لحاظ دیدارهای خارجی پشت سر گذاشت، از حضور در اجلاس سران ناتو تا حضور در تهران و جلسه سه جانبه با ایران و روسیه در مورد مسایل سوریه و اوکراین، دیدار با پوتین در شهر سوچی روسیه و دیدار با رئیس جمهور زلنسکی در شهر لویو اوکراین و قبل از آن نیز کارخانه تولید پهپادهای بایرکتار در اوکراین شروع به کار کرده بود، پهپادهای که در جنگ اوکراین و روسیه بالای جان تانک روسی شده است.

اردوغان تنها عضوی از سران ناتو است که از ابتدای بحران اوکراین دو مرتبه با پوتین دیدار کرده و به نوعی نقش میانجی را بازی کرده است و از جمله دست آوردهای این دیدارها اجازه صادرات غلات اوکراین به دنیا با واسطه ترکیه بوده است و حتی صحبت از میانجگری ترکیه برای دیدار مستقیم پوتین و زلنسکی می‌باشد. از طرف دیگر شاهد آن هستیم که ترکیه در حال ترمیم روابط خود با اسرائیل است و دو کشور تصمیم گرفته‌اند که روابط دیپلماتیک خود را به بالاترین سطح رسانده و به طور متقابل به انتصاب سفیر اقدام نمایند و در عین حال و به طور همزمان اردوغان به حمایت از حقوق مردم و حل مسئله فلسطین می‌پردازد! اردوغان حتی موضوع قتل خاشقچی در سفارت عربستان در ترکیه را از یاد برده و بن سلمان را به آنکارا دعوت و به توسعه روابط خود با عربستان مشغول است، در سوریه نیز علی‌رغم اشغال بخشی از خاک سوریه و حمله به سربازهای سوری توسط نیروهای نظامی خود سعی در برقرای ارتباط با حکومت اسد دارد... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
با همکاری انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا برگزار می‌کند.

**رونمایی و واریسی یافته‌ها و بایسته‌های کتاب:
نوستالژی امپراتوری (سیاست نوعثمانیسم)**

با حضور و نکته‌های:

دکتر قدیر نصری
(دانشیار دانشگاه خوارزمی و رئیس پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه)

دکتر سید اسدالله اطهری
(رئیس انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا)

دکتر رضا دهقانی
(مدیر گروه ترکیه‌شناسی دانشکده مطالعات جهان)

دکتر رحمت حاجی مینه
(دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی و مترجم کتاب)

دکتر محسن یوسفی
(پژوهشگر مسایل ترکیه و مترجم کتاب)

زمان: شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۲ ساعت ۱۷ تا ۱۹
مکان: تهران، بلوار کشاورز، خیابان نادری، شماره هشت، پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه

پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه، به ابتکار دو گروه
روندهای فکری و گروه مطالعات ایران
و با همکاری انتشارات قصیده سرا برگزار می‌کند.

**رونمایی و بررسی آورده‌ها و بایسته‌های دو کتاب:
افشاء سیاست**

بحران در آگاهی اروپایی

با حضور و گفتار:

دکتر گارینه کشیشیان سیرگی
(عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب)

دکتر مجید توسلی رکن‌آبادی
(عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)

دکتر علی اشرف نظری
(عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران)

دکتر بهنام جودی
(دکتری فلسفه سیاسی، مؤلف و مترجم آثار)

دکتر مختار نوری
(مدیر گروه روندهای فکری پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه)

زمان: شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۷ الی ۱۹
مکان: تهران، بلوار کشاورز، خیابان نادری، شماره هشت، پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه

برخی از برنامه‌های مرکز در سال ۱۴۰۲

دپارتمان مطالعات ترکیه انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا با همکاری گروه مطالعات ترکیه
پژوهشکده مطالعات پیشرفته خاورمیانه و خانه ادیب‌شناسان علوم انسانی برگزار می‌کند.

**روابط ایران و ترکیه
و تاثیر آن بر حوزه قفقاز جنوبی و فلسطین**

با حضور و مباحثه‌ی:

فهییم تاشکین (روزنامه‌نگار و پژوهشگر)
مرزها و امکانات مشارکت ایران و ترکیه

رافت باللی (نویسنده و روزنامه‌نگار)
آنکارا-تهران: هم همکاری و هم رقابت

سیدعلی قائم مقامی (کارشناس ارشد مسائل ترکیه)
توسعه روابط ایران و ترکیه عامل همبستگی در منطقه پنج دریا

مدیر نشست:
هانیه پناهلو (دبیر دپارتمان مطالعات ترکیه انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا)

مترجم:
دکتر حامد عظیمی (عضو انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا)

زمان: دوشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۲ ساعت ۱۷:۳۰
به صورت مجازی در لینک زیر:
<https://www.skyroom.online/ch/hossein5092811/iawas>

iranianhht.ir
01-88511111
ihht.ir
iranianhht

دپارتمان مطالعات ترکیه انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا
با همکاری
انجمن ایرانی مطالعات جهان و گروه ترکیه‌شناسی پژوهشکده مطالعات
پیشرفته خاورمیانه برگزار می‌کند:

ترکیه پس از انتخابات ۲۰۲۳

دکتر رضا دهقانی
دانشیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

دکتر سیامک کاکایی
پژوهشگر حوزه ترکیه و مدیر دپارتمان مدیترانه شرقی
انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا

سید علی قائم مقامی
کارشناس و پژوهشگر مسائل ترکیه

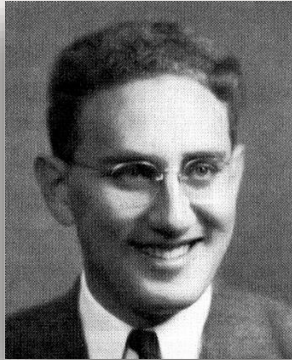
مدیر نشست:
هانیه پناهلو
دبیر دپارتمان ترکیه‌شناسی
انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا

در لینک زیر:
<https://www.skyroom.online/ch/iawas/turkey>

زمان: یکشنبه ۱۲ شهریور ماه ۱۴۰۲
ساعت: ۱۹:۳۰ الی ۲۱:۳۰

کیسینجر در صد سالگی

به قلم؛ دکتر محمود سریع القلم
اگر خانواده هنری کیسینجر به جای آمریکا در سال ۱۹۳۸ به کشور دیگری مهاجرت کرده بود، چه سرنوشتی در انتظار او بود؟ او وقتی وارد نیویورک شد، ۱۵ ساله بود، پنج سال بعد در ۲۰ سالگی تبعه آمریکا شد. آمریکا تنها کشور در



جهان است که به یک مهاجر با مهارت، فضا و فرصت بروز و ظهور می‌دهد. کانادا، انگلستان و استرالیا هم این فرصت را ایجاد می‌کنند؛ ولی نه در حد آمریکا. کیسینجر جوان، استعداد خود را کشف و دنبال کرد و در دانشگاه هاروارد، بررسی تاریخ و دیپلماسی اروپا را مبنای رساله دکتری خود قرار داد. در دهه ۱۹۵۰ میلادی هنوز در رشته روابط بین‌الملل، نظریه پردازی، ریاضیات و روش‌شناسی‌های چند بعدی

رئیس او، ریچارد نیکسون، هم این گونه بود و به ندرت تحلیل‌های نهادهای مطالعاتی، اطلاعاتی و امنیتی را می‌پذیرفت و بیشتر آنها را بوروکرات‌هایی می‌دانست که اداری می‌اندیشند تا تحلیلگرانی توانمند باشند.

یک بار کیسینجر در یک ناهار دوونیم ساعته با این نویسنده گفت: اگر او امروز وزیر امور خارجه آمریکا شود، نخواهد توانست مانند سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۷ دست فراخی در سیاست ورزی داشته باشد؛ زیرا در ساختار فعلی آمریکا، کنگره نقش به... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir

بعدی امروز مورد اقبال نبود و بیشتر تحت تأثیر رشته تاریخ بود؛ اما کیسینجر از یک ظرفیت خاصی در تحلیل و سیاست‌ورزی برخوردار بود که او را از دیگران متمایز می‌کرد: تسلط او بر روان‌شناسی و طبع سیاسی بشر. منتقدان کیسینجر به درستی می‌گویند که او چه در سیاست‌شناسی و چه در سیاست ورزی بر افراد تصمیم‌گیرنده تمرکز دارد تا بر پروسه‌های تصمیم‌گیری، حال چه دموکراتیک باشند؛ مانند آمریکا و چه من‌غیردموکراتیک مانند روسیه. به همین دلیل است که کیسینجر چه در داخل آمریکا و چه در خارج از آمریکا با شبکه وسیعی از افراد سیاسی و غیرسیاسی، دوستی‌های نیم‌قرن دارد و با آنها به فهم مسائل یا حل آنها می‌پردازد.

به بهانه صد سالگی هنری کیسینجر

به قلم؛ حامد حسینی

درحالی که هنری آلفرد کیسینجر ۱۰۰ سالگی حیات خود را در ۲۷ مه جشن می‌گیرد، منطقی است که به گذشته نگاه کنیم و میراث او را بررسی کنیم و ببینیم که او چگونه - چه خوب و چه بد - بر دنیایی که در آن نقش مهمی داشته، تأثیر گذاشته است. در ۱۰۰ سالگی، هنری کیسینجر هم به خاطر درخشش دیپلماتیکش مورد ستایش قرار می‌گیرد و هم به خاطر تصمیماتش که به هزینه زیادی تمام شد، محکوم می‌شود. او با تجربه‌ترین دولتمرد آمریکاست و به جای گذشته بر آینده متمرکز است. برای حامیان، هنری کیسینجر در واقع یک نابغه دیپلماتیک است که بر هنر تشخیص دست یافتنی‌های سیاسی تسلط دارد؛ برای منتقدان، او یک جنایتکار جنگی است. اما برای بسیاری، او و میراث سیاسی‌اش در جایی بین این دو دیدگاه قرار می‌گیرند.

کیسینجر تقریباً هر بحران یا فرصتی را که امروز با آن مواجه می‌شویم، لمس کرده یا تحت تأثیر قرار داده است و در طول این مسیر، جهان سیاست را به اندازه کافی تغییر داده است. در طول دوران تحصیلش، او با دقت پایه‌های فکری خود را به عنوان یک مرجع پیشرو در تفکر استراتژیک برای روسای جمهور هر دو حزب، پیش از اینکه در نهایت به سمت جمهوری‌خواهان جذب شود، بنیان نهاد. در دوران کیسینجر ابتدا به عنوان مشاور سیاست خارجی و سپس به عنوان وزیر امور خارجه، او در پایان دادن به جنگ ویتنام، وارد شدن به تنش‌زدایی با اتحاد جماهیر شوروی، باز کردن روابط ایالات متحده با چین و باز ترسیم مرزهای چند کشور مشارکت داشت. پس از ترک پست، کیسینجر در قالب شرکت خود به ارائه مشاوره‌های ژئوپلیتیک و فرصت‌های سرمایه‌گذاری به بسیاری از رهبران پرداخت. کیسینجر را می‌توان به عنوان شخصیتی توصیف کرد که مشاهده می‌کند و درک می‌کند، تأثیر می‌گذارد، حتی رویدادهایی را تغییر می‌دهد و دنیای او بزرگ است. سپس این سؤال پیش می‌آید که با

چنین صحنه فراگیری، با این همه رویدادها و بحران‌های همگرا، چگونه می‌توان برخی از اقدامات او در گذشته و یا اکنون را توجیه کرد؟ استواری در واقع موضوعی بود که در سراسر دوران کاری کیسینجر و دنیایی که او پس از ترک سمت خود با آن تلاقی کرد، وجود داشت.



جنگ در ویتنام و تعهد گسترده جان‌ها و قدرت نظامی آمریکا به درگیری که از نگاه برخی تحلیلگران به نظر می‌رسید توجیه واقعی کمی داشت همه چیز را تحت‌الشعاع قرار داد. کیسینجر و ریچارد نیکسون با رسیدن به قدرت، مشارکت عمیقی در ویتنام به ارث بردند، میراثی که هر کاری برای جلوگیری از شکست انجام می‌داد. بسیاری از کسانی هستند که از ویتنام به عنوان گزینه‌ای یاد می‌کنند که باعث شد ایالات متحده در آن زمان به دنبال دیگر درگیری‌های گسترده‌تر و پرهزینه‌تر، به ویژه افغانستان نرود. اما، نحوه پایان...

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.emess.ir

چه کسی دنیا را اداره می کند؟



نویسنده: ایان برمر

مترجم: سمیه رستمی حاصلوئی

انتخاب متن و نظارت: آنا یوسفیان

متحده تمایل کمتری داشت که پلیس جهان، معمار تجارت جهانی و حتی طرفدار ارزش های جهانی باشد و بسیاری از کشورهای دیگر به قدری قدرتمند شدند که قوانینی را که دوست نداشتند نادیده گرفتند و گهگاه برخی را خودشان وضع کردند. این نظم جهانی G-Zero است که من نام شرکت رسانه ای خود را بر اساس آن گذاشتم و به طور مداوم در مورد آن می نویسم: جهانی بدون رهبر. زمانی که معماری جهانی دیگر با توازن قدرت زیربنایی همخوانی نداشت، سه عامل اتفاق افتاد و باعث این «رکود ژئوپلیتیکی» شد. اول، ایالات متحده کشور روسیه را وارد نظام بین المللی تحت رهبری ایالات متحده نکرد. روسیه که اکنون یک قدرت بزرگ سابق در حال افول جدی است، به شدت خشمگین شده و ایالات متحده... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

اگر سن شما هم مثل من بیش از ۴۵ سال است، در دنیایی بزرگ شده اید که تحت سلطه دو ابرقدرت است. ایالات متحده و متحدانش قوانین را در یک طرف دیوار برلین تعیین کردند، در حالی که اتحاد جماهیر شوروی در سوی دیگر کنترل را در دست داشت. تقریباً هر کشور دیگری مجبور بود سیستم های سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را با یکی از طرفین هماهنگ کند. این یک دنیای دو قطبی بود. اگر شما زیر ۴۵ سالتان است، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بزرگ شده اید. ایالات متحده به این طریق به تنها ابرقدرت جهان تبدیل شد که هم از طریق نقش برجسته اش در سازمان های بین المللی و هم با اعمال قدرت بی قید و شرط، نتایج را دیکته می کرد و این یک دنیای تک قطبی بود. حدود ۱۵ سال پیش، جهان باری دیگر دستخوش تغییراتی شده و بسیار پیچیده تر از قبل شد. ایالات

قلت آگاهی اجتماعی در خاورمیانه



به قلم؛ دکتر حسین دهشیار

پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

کشورهای خاورمیانه ویژگی‌های مشابهی را متجلی می‌کنند. همان طور که تمایزات فاحش و قابل توجهی را نیز به صحنه می‌آورند. این را باید کاملاً طبیعی و دائمی ترسیم ساخت چرا که حوادث تاریخی و شرایط متفاوتی را در طول حیات خود تجربه کرده اند. اما در بطن پذیرش این نکته، مهم است که توجه شود بعضی از این ویژگی‌ها به ضرورت اینکه ماهیت زیستی زیرساختی را دارا هستند از تعیین‌کنندگی و ضریب تاثیرگذاری به شدت فزاینده تری برخوردار می‌باشند. در گستره‌ای زیست می‌کنیم که سرچشمه بسیاری از دانش‌ها و علوم بوده هر چند که در این پهنه جغرافیایی، امروزه کثیری کمترین بهره‌ای از آگاهی اجتماعی را متجلی می‌کنند. آگاهی اجتماعی بر خاسته از تعاملات انسان‌ها فرای خط کشی‌های نژادی، زبانی، قومیتی و جغرافیایی می‌باشد. در سطحی کلان انسان‌ها در جوامع این سرزمین‌ها بدون توجه به جایگاه آنان در قبال یکدیگر کمترین میزان از چسبندگی اجتماعی را که اساساً ماهیتی انتخابی و اکتسابی را دارا می‌باشد هویدا می‌سازند چرا که علقه‌های نژادی، زبانی، قومیتی و جغرافیایی به عنوان مولفه‌های ازلی از ریشه‌های تاریخی ژرف و وسیعی در این منظومه انسانی برخوردار می‌باشند. علقه‌های ازلی خصلت ملی و یکپارچگی عام را فاقد هستند و به همین روی برای دوران پسا کشاورزی و عصری که تحرک و جا به جایی در تمام حیطه‌ها را به ضرورت ارتقای انسانی طلب می‌کند به هیچ روی کار آمد نمی‌توان در نظر گرفت. قرار گرفتن در چمبره‌ی ویژگی‌های ازلی مانند زبان، نژاد و غیره که به صرف زائیده شدن از آن بهره‌مند می‌شویم فاقد ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

تنافر دولتها در سازمان ملل

به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده



هفتاد و هشتمین نشست مجمع عمومی سالانه سازمان ملل در نیویورک در حالی انجام می‌پذیرد که جنگ بایدن - پوتین در اوکراین همچنان ادامه دارد و بر مجموعه روابط بین‌المللی کشورها و دولت‌ها سایه سنگینی انداخته است؛ آن‌هم در حالی که دولت‌های آمریکا و چین به اوج اختلاف تا آستانه درگیری نظامی بر سر تایوان رسیده‌اند و رقابت‌های حذفی آنها در چرخه اقتصادی در بازارهای تجاری و صنعتی جهان تنافر واشنگتن - پکن را تشدید کرده است.

سایه سنگین این تنافر در بالاترین و اصلی‌ترین نهاد سازمان ملل، شورای امنیت چنان اثر گذاشته است که سه کشور آمریکا، روسیه و چین صاحبان «حق و تو» در نهاد اصلی سازمان ملل (شورای امنیت) نه تنها همسویی درباره بحران‌های کنونی بین‌المللی ندارند که در حوزه‌های سیاسی - امنیتی تا اقتصادی و محیط زیست و بحران‌های اقلیمی منفعل‌اند. در چنین فضای «تنافر» به جای «تفاهم» است که هر دولت یا کشوری در جهان به قول معروف ساز خود را می‌نوازد زیرا از مختصات اصلی روابط بین‌المللی، کنونی، حفظ منافع دولت‌هاست. در حدی که اکنون دبیر کل سازمان ملل نیز ناکارآمدی این سازمان را در تنظیم روابط بین‌المللی به صورت علنی بیان کرده است؛ آن‌هم در حالی که چندبار خطر «جنگ اتمی» برآمده از امتداد جنگ در اوکراین و آماده‌باش نظامی در دریای چین و آرایش جنگی پکن - واشنگتن را هشدار داده است. در آستانه تشکیل مجمع عمومی سازمان ملل، دبیر کل ناتو «استولتنبگ» استراتژی نبرد با روسیه را برای جنگ طولانی اینگونه چنین تشریح کرد: «اکثر جنگ‌ها بیشتر از آنچه در ابتدا انتظار می‌رود، طول می‌کشند و براین اساس، ما باید خودمان را برای جنگی طولانی در اوکراین آماده کنیم». چند روز قبل از این اظهارنظر دبیر کل ناتو، وزیر خارجه آلمان نیز با صراحت و علنی درباره ناکارآمدی سازمان ملل به خصوص در حل و فصل بحران‌ها گفت: «باید در شاکله تعریف تشکیلاتی این سازمان به ویژه جایگاه شورای امنیت و حق و توی انحصاری سه کشور آمریکا، روسیه و چین، تجدیدنظر و تغییر اساسی صورت گیرد». او از داشتن «حق و تو» دولتش (آلمان) برای ایجاد تحول و کارآمدی سازمان ملل و ضرورت آن سخن گفت. واقعیت در صحنه بین‌المللی، به هم خوردن طراز قدرت دولت‌ها هم در دایره منطقه‌ای آنها و هم در تنظیم روابط صلح‌آمیز بین‌المللی شده است.

در منطقه ما منشاء اصلی این بحران همچنان افزون طلبی رژیم صهیونیستی و دولت راست افراطی صهیونیستی «نتانياهو» است که اکنون داخل اسرائیل به شدت دچار بحران های اجتماعی تا اعتراض های علنی و عمومی مردم اسرائیل علیه او شده است. آن هم در حالی که نتانياهو و دولتش آشکارا ویران سازی «قدس شریف» و مسجدالاقصی را می خواهند! «نتانياهو» که مورد نفرت اکثریت مردم اسرائیل است، قبل از رفتن به نیویورک و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل گفت «به نیویورک می روم تا در سخنرانی ام خطر جدی جمهوری اسلامی ایران برای «صلح» را به گوش جهانیان برسانم».

در چنین شرایطی که «تنافر» اصلی ترین شاخصه روابط بین المللی دولت ها است، سران دولت های انگلیس و فرانسه اعلان کرده اند که امسال به نیویورک نمی روند و در نشست مجمع عمومی سازمان ملل حضور نخواهند داشت. علاوه بر سران دولت های انگلیس و فرانسه، شی چین پینگ رئیس جمهوری چین، ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه و نارندرامودی نخست وزیر هند نیز به دلایل مختلف در هفتاد و هشتمین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک شرکت نمی کنند. در این شرایط، دبیر کل سازمان ملل در آستانه مجمع عمومی این سازمان گفت: «... بشریت با چالش های بزرگی روبه رو است و مردم برای خروج از این بحران ها از رهبران خود توقع راهکار دارند».

«صلح پایدار» در روابط بین المللی که اساس تشکیل سازمان ملل بر آن بنا نهاده شد، در شرایط کنونی در اغلب مناطق جهان دچار بحران زدگی های گوناگون تا مرز خطر تقابل نظامی و جنگی سه قدرت بین المللی آمریکا، روسیه و چین شده است. واقعیت بین المللی در روابط کشورها «تنافر» است، به ویژه که سه قدرت اصلی دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل «آمریکا، چین و روسیه» آرایش جنگی علنی گرفته اند.





افسانه جهانی شدن

چرا پیوندهای منطقه‌ای
پیروز رقابت‌ها هستند؟

به قلم؛ شانون کی. انیل

ترجمه: راضیه غریبعلی

ریتم بی چون و چرا و ثابت در سیاست خارجی نشان از آن دارد که دنیا به سمت جهانی شدن گام بر می‌دارد. کمدها پر از لباس‌های خارجی است. ماشین‌ها و لوازم‌های الکترونیکی در آن سوی آب‌ها تولید و سپس صادر می‌شوند. ایالات متحده آمریکا در آسیا سرمایه‌گذاری می‌کند و هندی‌ها برای تحصیل به آمریکا سفر می‌کنند. این آمار و ارقام نشان دهنده طیف وسیعی از تبادلات بین‌المللی است. داد و ستد و تجارت در میان تمامی کشورها به بیش از ۲۰ تریلیون دلار رسیده است. این رقم در مقایسه با سال ۱۹۸۰ رشد ده برابری داشته است. این روند بین‌المللی آن هم در این بازه زمانی، رشد بسیار چشمگیری داشته و از ۵۰۰ میلیارد دلار به بیش از ۴ تریلیون دلار رسیده است. که این ۵ برابر شدن آمار سرمایه به سبب افزایش چشمگیر سفرهای خارجی مردم در طول این چهار دهه اخیر است. با این وجود ادعای درستی نیست اگر گفته شود روند تولید محصولات، ارائه خدمات و سفرهای مردم همگی در یک مقیاس جهانی ست. جهانی شدن، به عنوان یک درک متعارف، بیشتر شبیه یک افسانه است. واقعیت بسیار نزدیکتر به منطقه‌ای شدن است. هنگامی که کارخانه‌ها، زنجیره‌های تولید کالا و افراد به خارج از مرزها سفر می‌کنند، الزاما به معنای سفر به دور دست‌ها نیست، گویی آنها جایی در نزدیکی شهر و دیار خود باقی می‌مانند. تجارت را در نظر بگیرید. اگر مسافت‌های طولانی بر فروش بین‌المللی محصولات تاثیر نمی‌گذاشت، برای یک سفر معمولی و یک خرید ساده، باید مسافتی حدود ۵۳۰۰ مایل طی می‌شد (متوسط مسافت بین دو کشور انتخاب شده به صورت تصادفی) در عوض، نیمی از چیزی که در یک سفر خارجی فروخته می‌شود کمتر از ۳۰۰۰ مایل سفر می‌کند، نه خیلی دورتر از یک پرواز در سراسر ایالات متحده و نه آن اندازه دور که بتوان از اقیانوس‌ها گذشت.

بر اساس تحقیقات انجام شده توسط بخش لجستیک شرکت (DHL) و محققان دانشگاه کسب و کار استرن در نیویورک (NYU)، اگر فاصله دو کشور برابر با نصف فاصله دو کشور دیگر باشد، این تقابل و نزدیکی تنها میزان تجارت میان دو کشور نزدیک تر به هم را، تا سه برابر افزایش می‌دهد. سفر و یا

سرنوشت هویت‌های ملی در خاورمیانه

یک تقلید ناموفق



نویسنده: محمت فاحری دانش، پژوهشگر روابط بین‌الملل در دانشگاه آنتورک

مترجم: مریم خالقی‌نژاد

نمونه اولیه دولت - ملت مدرن که هویت «شهروند ملی» از آن متولد شد، از اوایل قرن نوزدهم به عنوان الگوی سازمان سیاسی غالب رایج گشت. این تحول ساختاری که تا حد زیادی نتیجه توسعه سیاسی و فرهنگی خاص اروپا بود، ویژگی «تکرارپذیری» داشت، همان طور که بندیکت اندرسون تاکید داشت، خیلی زود در همه جا نفوذ کرد و زمینه ساز نفوذ اروپا در جوامع مختلف شد. ایده‌هایی مانند ملت، ناسیونالیسم و دولت - ملت به دنبال لشکرکشی ناپلئون به مصر وارد خاورمیانه شد و به سرعت در میان آن دسته از مردم (عمدتا مسیحیان) که به زبان های غربی آموزش دیده بودند، گسترش یافت. اما مشکل اساسی این بود که شیوه‌های تعلق در خاورمیانه ریشه در زمینه‌های خاصی بر اساس مذهب و وفاداری به یک سلسله بومی خود را داشت. ایدئولوژی ناسیونالیسم قصد داشت این وفاداری‌ها را با مفاهیم خاص قومی یا جغرافیایی جایگزین کند به همین خاطر در تلاشی از سوی پژوهشگران خارجی ریشه ایده هایی مانند هویت عربی، سوری و لبنانی در میان روشنفکران عرب قرن نوزدهم مورد بررسی و کشف مجدد قرار گرفت تا به این هدف کمک کند. اما در این حین در اذهان همه ما پرسش‌هایی درباره اینکه آیا ملت ها «ساخته شده‌اند»، «از آغاز تاریخ وجود داشته‌اند» یا «بازکشف شده‌اند» از دیرباز از رایج ترین موضوعات بحث در علوم سیاسی بوده‌اند. متأسفانه، هنوز هیچ پاسخ عینی برای این سؤالات وجود ندارد، همان طور که در مورد بسیاری از سؤالات دیگر در علوم سیاسی این کاستی وجود دارد. عوامل واقعی که ما را در تفسیر طبیعی بودن ملت ها تعریف می‌کنند، دیدگاه‌های ایدئولوژیک یا دانشگاهی ما هستند. با این حال، می‌توان استنباط‌هایی را در این حوزه داشت. قبل از هر چیز، می‌توان مشاهده کرد که پشت هر جنبش سیاسی که هدف آن تبدیل «ملت» به شکل غالب تعلق است، مرحله‌ای از بیداری فرهنگی نهفته است که به طور گسترده از آن به عنوان رنسانس یاد می‌شود.

تاریخ ملی، زبان استاندارد، روایت‌های منتخب بافته شده از نمادها، قهرمانان، مفاهیم جغرافیایی مقدس و وصف و ستایش‌های روحانی به شیوه‌ای خاص توسط نخبگان یک جامعه ترتیب داده می‌شوند. در نتیجه در تلاش‌های «روشنفکران اسطوره ساز»، یک ملت با مرزهای مشخص، مفهومی قابل تعریف از «عادت مبنی بر ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه» مهم است و این‌ها هستند که در بازشناسی و باز کشف

ریشه ملت و هویت موثر هستند. در این مسیر اگر امواجی از فرهنگهای دیگر و یا جنبش‌های مختلف برای تغییر فرهنگ و ملت ظاهر شود باید دید که کدام گروه بیشتر از همه پذیرای آن بوده‌اند. در خاورمیانه، این جنبش‌ها بیشتر در میان جمعیت‌های مسیحی رخ می‌داد که به دلیل تسلط بر زبان‌های خارجی، پذیرای ایده‌های اروپایی بودند. ادبیات مسیحی سوریه و لبنان اولین فرهنگ لغت و دانشنامه مدرن عربی را همراه با کتاب‌هایی در ژانرهای ادبی مانند رمان، به عنوان بخشی از جنبش فرهنگی به نام «نهدا» (بیداری) تدوین کرده بود، بنابراین مرزهای «عرب بودن» را تعریف می‌کرد. در حالی که برخی نوشته‌ها درباره سوریه مانند دایره‌المعارف بوتروس البوستانی بر سوریه به عنوان سرزمین پدری تاریخی مشترک همه اعراب تاکید می‌کرده است، قهرمانان عرب رمان‌های تاریخی جرجی زیدان، گذشته حماسی این کشور را به نمایش گذاشتند. در زمان آستانه فروپاشی امپراتوری عثمانی، خاور نزدیک با ناسیونالیسم متضاد، مرزها و هویت‌های ساخته شده در هم تنیده شد. صحبت از مرکز اقتصادی و فرهنگی به نام بلاد الشام یا سوریه بزرگ، مقوله‌های عرب، سوری و لبنانی بودن زمینه اصلی مخالفت‌ها را تشکیل داد. معمولاً مرزهای این هویت‌ها با هم آمیخته شده بود و مثلاً نمی‌شد تفاوت عرب و سوری بودن را مشخص کرد. از مرد بی سواد خیابان گرفته تا روشنفکر، مردم خاورمیانه در آغاز قرن بیستم از نظر هویتی شخصیتی دورگه داشتند. مهم‌تر از همه، هویت‌های سکولار دولت - ملت که از غرب «کپی برداری» شده بودند، علی‌رغم همه استدلال‌های نظری در حمایت از آن‌ها، نتوانستند توده‌ها را جذب کنند زیرا ارزش‌های هویتی آنها برگرفته از عناصر مختلفی مانند دین بود و این تزریق نمی‌توانست در این جامعه موفق شود. مثلاً در یک محدوده از خاورمیانه به مدت ۵۰۰ سال، مدل سازمان اجتماعی عثمانی مبتنی بر مذهب به جوامع قومی مذهبی اجازه می‌داد در نهادهای خودمختار زندگی کنند. از سوی دیگر، بینش یک ملت، که تلفیق ایمان، فرقه، قومیت و هویت‌های دیگر را به عنوان هویت‌های «فرعی» در نظر می‌گرفت، همه این ارجاعات را کنار زد و هویت‌های ملی را جایگزین کرد که مرزهایشان بعداً مشخص شد اما هرگز عناصر نام برده شده از هویت‌سازی آنها حذف نشد. در ادامه گریزی ابتدا به جهان عرب بزیم و سپس مدرنیته را پیرامون این موضوع بررسی کنیم.

جهان عرب

عدم تطابق ارزش‌های هویتی غرب با ارزش‌های هویتی در خاورمیانه مشکل اساسی سیستم جدید غرب محور در خاورمیانه بود. شورش در فلسطین و عراق در سال ۱۹۲۰ و در سوریه در سال ۱۹۲۵ به وضوح نشان داد که بریتانیا و فرانسه نتوانستند یک هویت ملی فراگیر برای کشورهای عربی تحت قاعده قیمومت ایجاد کنند. شیوه‌های استعماری فرانسه در سوریه بیشتر بر ساختار جهان وطنی موجود تاکید کرد و آن را به مرزهای سیاسی تبدیل کرد و در نتیجه ساختارهای قومی مذهبی را ایجاد کرد که...

سلسله نشست‌های

بحران‌اندیشی و گفتگوهای ملی «بحران اخلاق، امید و همبستگی اجتماعی در ایران»

نویسنده گزارش؛ بهناز محمدی

«اخلاق، امید و همبستگی اجتماعی در ایران» عنوان نشست تخصصی از سلسله نشست‌های «بحران‌اندیشی و گفتگوهای ملی» است که به ابتکار دو گروه مطالعاتی روندها و جریان‌های فکری و مطالعات سیاست و تمدن ایرانی برگزار گردید. این نشست علمی با حضور دکتر محمدباقر تاج‌الدین، دکتر رسول رسولی‌پور، دکتر جواد حیدری، دکتر احمد زیدآبادی و دکتر امیرحسین خداپرست و با حضور علاقه‌مندان به این نوع مباحث برگزار شد. این نشست در دو پنل تخصصی با مدیریت دکتر عارف مسعودی و دکتر مختار نوری مدیران گروه‌های پژوهشی مذکور به بحث و بررسی در خصوص یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و بحران‌های مهم جامعه امروز ایران یعنی بحران اخلاق و همبستگی اجتماعی اختصاص داشت.

دکتر رسول رسولی‌پور به عنوان سخنران اول این نشست با طرح مباحث تئوریک در باب امید و الهیات امید سخن خود را آغاز نمودند. از نظر رسولی‌پور، امید آرزویی است که احتمال وقوع آن همواره وجود دارد. قرابت و نزدیکی موضوع امید با الهیات، زمینه روانشناختی و معرفت‌شناختی میان آنها است. به زعم رسولی‌پور، در بین مومنان ایمان به آخرت همیشه وجود داشته و مومنان همواره با نگاهی امیدوارانه به آینده ایمان دارند. دکتر رسولی‌پور با اتخاذ نگاهی الهیاتی به

مفهوم امید و همبستگی اجتماعی، به اندیشه سنت آگوستین اشاره نمود که بر مقولاتی چون ایمان امید، عشق و اطمینان تمرکز کرده و در ادامه بر متفکرانی چون ارنست بلوخ، یورگن مورتمان و هنری دروش متمرکز شدند. رسولی‌پور همچنین به تری ایگلتون اشاره داشتند که بحثی چون امید بدون خوش‌بینی را مطرح کرده‌اند. به نظر وی، ایگلتون امید بدون خوش‌بینی (عدم رضایت) را موتور محرک انسان امیدوار برای عمل می‌داند و انسان باید بدون خوش‌بینی به آینده امیدوار باشد. به زعم ایشان، در مقابل این نگرش می‌توان به ارنست بلوخ اشاره کرد که معتقد به امید با خوشبینی یعنی امید امیدوارانه است، چراکه بدبینی و امید توأم با بدبینی ممکن است منجر به افراط و تفریط و عدم ورود مومنان به حوزه عمل بشود و همین امر مانع از تغییرات اجتماعی شود. البته از طرفی امید خوشبینانه نیز اگر افراطی دنبال شود بسیار ساده‌لوحانه تلقی می‌شود و هر تغییر انجام نشده را به تحولی در آینده موکول می‌کند. رسولی‌پور در این نشست همچنین تأکید داشتند که امید حتماً باید امیدوارانه دنبال شود و امید به تحول، لازمه زندگی شخصی هر انسانی است. دکتر رسولی‌پور در نهایت بحث و نظر و خود را اینگونه به... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir



دهه خطرناک

سیاست خارجی در بحران

به قلم؛ ریچارد هاس

مترجم: آنا یوسفیان

دهه‌هایی هستند که هیچ اتفاقی نمی‌افتد، و هفته‌هایی هستند که به اندازه دهه‌ها در آن رویداد است. این سخنان به طور غیرمستقیم به ولادیمیر لنین، انقلابی بلشویک نسبت داده می‌شود، که به فروپاشی سریع روسیه تزاری کمی بیش از ۱۰۰ سال پیش اشاره دارد. اگر او واقعاً این کلمات را گفته بود، ممکن بود لنین اضافه کند که چندین دهه نیز وجود دارد که در آن‌ها به اندازه قرن‌ها شاهد رویداد هستیم.

جهان در میانه چنین دهه‌ای قرار گرفته است. مانند سایر چرخش‌های تاریخی، خطر امروز از کاهش شدید نظم جهان سرچشمه می‌گیرد. اما بیش از هر لحظه دیگر در گذشته، به دلیل تلاقی تهدیدات قدیمی و جدید در لحظه‌ای که ایالات متحده در موقعیت مناسبی برای مقابله با آنها قرار ندارد، این افول در معرض شدید تر شدن است. از یک طرف، جهان شاهد احیای برخی از بدترین جنبه‌های

ژئوپلیتیک سنتی است: رقابت قدرت‌های بزرگ، جاه‌طلبی-های امپراطوری، دعوا بر سر منابع. اکنون روسیه توسط یک فرد مستبد اداره می‌شود، رئیس جمهور ولادیمیر پوتین، که در آرزوی بازآفرینی یک حوزه نفوذ روسیه و شاید حتی یک امپراتوری روسیه است. پوتین تقریباً حاضر است هر کاری انجام دهد تا به خواسته خود برسد؛ او می‌تواند هر طور که می‌خواهد رفتار کند زیرا محدودیت‌های داخلی رژیم او عمدتاً از بین رفته است. در همین حال، در دوران ریاست جمهوری شی جین پینگ، چین تلاش برای برتری منطقه‌ای و بالقوه جهانی را آغاز کرده و خود را در مسیری قرار داده است که منجر به افزایش رقابت یا حتی رویارویی با ایالات متحده می‌شود. اما این همه چیز نیست. نه در یک دورنما، این خطرات ژئوپلیتیکی در حال

برخورد با چالش‌های جدید پیچیده در دوران معاصر، مثل تغییرات اقلیمی، همه‌گیری‌ها، و اشاعه هسته‌ای هستند. و جای تعجب نیست که نزاع‌های سیاسی ناشی از رقابت‌های فزاینده همکاری قدرت‌های بزرگ در زمینه چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را تقریباً غیرممکن کرده است، حتی زمانی که همکاری به نفع آنها باشد. آنچه تصویر را پیچیده تر می‌کند، این واقعیت است که دموکراسی آمریکایی و انسجام سیاسی تا حدی در معرض خطر هستند که از اواسط قرن



نوزدهم دیده نشده است. این مهم است زیرا ایالات متحده تنها یک کشور در میان بسیاری از کشورها نیست: رهبری ایالات متحده نظم و ترتیبی که در ۷۵ سال... [ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.](#)

چرا ایران وارد جنگ حماس و اسرائیل نمی‌شود؟



به قلم؛ مسعود رضائی

پژوهشگر مهمان در مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه

حمله ناگهانی نیروی مقاومت فلسطینی حماس به اسرائیل در پانزدهم مهر ماه ۱۴۰۲، طی عملیاتی با عنوان «طوفان الاقصی»، حیرت و شگفتی جهان را در پی داشت؛ تا جایی که بسیاری از مقام‌های غربی، ناظران و رسانه‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان بازیگر پشت پرده و مغز متفکر این عملیات معرفی کردند. رویدادی نادر و بی‌سابقه که در ظاهر، با مفاهیمی چون شکست تاریخی، خدشه‌دار شدن شهرت بازدارندگی، ضعف دستگاه‌های اطلاعاتی-امنیتی و پایان افسانه شکست ناپذیری اسرائیل برجسته شد. موضوعی که البته با اظهارنظرهای متعدد و مواضع متناقض بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و نظامی در تهران، همانند جنگ اوکراین، به چهره امنیتی جمهوری اسلامی ایران، ابعاد جدید و گسترده‌تری بخشید. بسته به اینکه بپذیریم اسرائیل با وجود برخورداری از طیف وسیعی از دارایی‌های وسیع اطلاعاتی و امنیتی (از ایستگاه‌های هشدار زمین پایه تا سامانه‌های فضایی و سایبری) از برنامه ریزی، تحرک‌ها و احتمال چنین حمله‌ای در «حلقه اول مرزهای قابل دفاع» خود

بی‌اطلاع بوده و یا اینکه همانند حادثه ۱۱ سپتامبر، کم‌توجهی و نادیده گرفتن چنین حادثه‌ای را به عنوان تصمیمی سخت و طرحی محرمانه برای پاکسازی غزه از نیروهای حماس و حتی سکویی برای هموار کردن ابتکارهای امنیتی آینده در خاورمیانه در نظر بگیریم؛ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست که آیا اسرائیل واقعاً مایل است در این جنگ، طرف بازنده نبرد اطلاعاتی دیده شود یا قربانی خشونت‌های نیابتی؟

در نتیجه این جنگ، چه کسی مقهور خواهد شد و کدامیک زنده خواهد ماند؟ جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت از این جنگ منتفع خواهند شد و یا ناخواسته در زمین اسرائیل بازی کرده‌اند، متفاوت خواهد بود. فارغ از این ملاحظات و ابهام‌های استراتژیک و همچنین تهدیدهای آشکاری که ابتدای جنگ از طرف تهران مبنی بر احتمال باز شدن جبهه‌های جدید علیه اسرائیل به صورت مستقیم و یا توسط حزب‌الله و حوثی‌های یمن مخابره شد، فرمانده کل قوا آگاهانه و در بالاترین سطح اعلام کرد که «جمهوری اسلامی نقشی در... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرماید.

www.cmess.ir



هوش مصنوعی، دموکراسی و نظم جهانی



به قلم؛ آنا یوسفیان، پژوهشگر مرکز
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

بهداشتی را به میلیون‌ها نفر ارائه دهد که تحت چارچوب‌های موجود نادیده گرفته شده‌اند و می‌تواند تحقیقات و توسعه را تا حد زیادی افزایش دهد و به طور بالقوه عصر طلایی جدیدی از نوآوری را آغاز کند. هم چنین می‌تواند تولید و انتشار اخبار جعلی را افزایش دهد، جایگزین نیروی کار انسانی در ابعاد وسیعی شود، ابزارهای مخرب و خطرناکی را ایجاد کند که از پتانسیل تقابل با موجودیت انسان برخوردار هستند. به بیان دقیق‌تر بسیاری بر این باور هستند که ورود هوش مصنوعی عمومی می‌تواند...

ادامه این مطلب را در سایت مرکز
مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir

برای دهه‌ها، دیپلمات‌ها و سیاستگذاران بین‌المللی فناوری را به عنوان یک موضوع زیر پیش‌بینی اکثر کارشناسان را تا یک دهه با مشکل مواجه کرده است. برای قرن‌ها، نوآوری‌های مهم - از اختراع ماشین چاپ و موتور بخار گرفته تا ظهور سفرهای هوایی و اینترنت - باعث توسعه اقتصادی، گسترش دسترسی به اطلاعات و مراقبت‌های بهداشتی و... ضروری شده است. اما چنین تحولات دگرگون‌کننده‌ای پیامدهای منفی نیز داشته و استقرار سریع ابزارهای هوش مصنوعی نیز تفاوتی نخواهد داشت. هوش مصنوعی می‌تواند کارهایی را انجام دهد که افراد از انجام آنها بیزارند. همچنین می‌تواند آموزش و مراقبت‌های

دیپلمات‌ها و سیاستگذاران بین‌المللی فناوری را به عنوان یک موضوع زیر پیش‌بینی اکثر کارشناسان را تا یک دهه با مشکل مواجه کرده است. برای قرن‌ها، نوآوری‌های مهم - از اختراع ماشین چاپ و موتور بخار گرفته تا ظهور سفرهای هوایی و اینترنت - باعث توسعه اقتصادی، گسترش دسترسی به اطلاعات و مراقبت‌های بهداشتی و... ضروری شده است. اما چنین تحولات دگرگون‌کننده‌ای پیامدهای منفی نیز داشته و استقرار سریع ابزارهای هوش مصنوعی نیز تفاوتی نخواهد داشت. هوش مصنوعی می‌تواند کارهایی را انجام دهد که افراد از انجام آنها بیزارند. همچنین می‌تواند آموزش و مراقبت‌های

برای دهه‌ها، دیپلمات‌ها و سیاستگذاران بین‌المللی فناوری را به عنوان یک موضوع زیر پیش‌بینی اکثر کارشناسان را تا یک دهه با مشکل مواجه کرده است. برای قرن‌ها، نوآوری‌های مهم - از اختراع ماشین چاپ و موتور بخار گرفته تا ظهور سفرهای هوایی و اینترنت - باعث توسعه اقتصادی، گسترش دسترسی به اطلاعات و مراقبت‌های بهداشتی و... ضروری شده است. اما چنین تحولات دگرگون‌کننده‌ای پیامدهای منفی نیز داشته و استقرار سریع ابزارهای هوش مصنوعی نیز تفاوتی نخواهد داشت. هوش مصنوعی می‌تواند کارهایی را انجام دهد که افراد از انجام آنها بیزارند. همچنین می‌تواند آموزش و مراقبت‌های



پارادوکس قدرت هوش مصنوعی

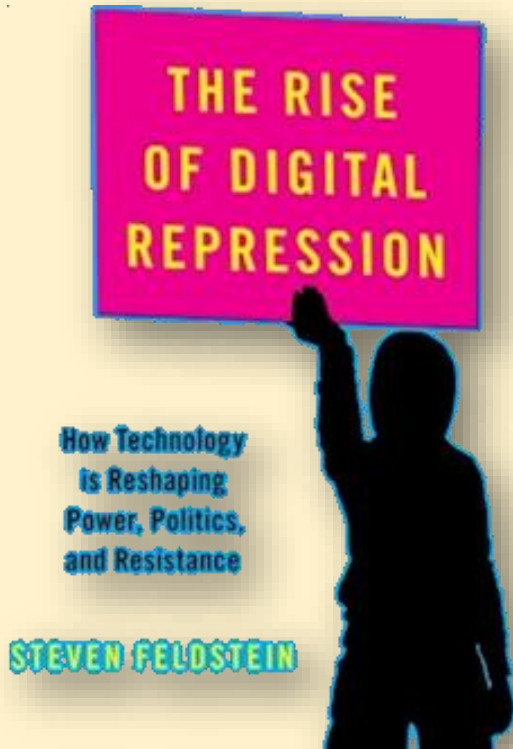
سال ۲۰۳۵ است و هوش مصنوعی در همه عرصه‌ها نفوذ پیدا کرده است، سیستم‌های هوش مصنوعی بیمارستان‌ها، خطوط هوایی را مدیریت و اداره، و در دادگاه‌ها از مباحث شدید مورد منازعه و گفتگو است. هم چنین در این دوران تولید و بهره‌وری به سطوح بی سابقه‌ای افزایش و تعداد انبوهی از کسب و کار که قبلاً امری غیرقابل تصور بود، با سرعتی بی سابقه افزایش یافته و پیشرفت‌های عظیمی در حوزه رفاه ایجاد شده است. تولیدات نوین، داروها و نوآوری‌ها هر روز به بازار می‌آیند، زیرا علم و فناوری هر روز در حال افزایش است. با این حال، جهان هم غیرقابل پیش‌بینی‌تر و هم شکننده‌تر خواهد شد زیرا تروریست‌ها که همچنان در حال گسترش‌اند از طریق سلاح‌های

سایبری هوشمند روش‌های جدیدی را برای تهدید جوامع پیدا می‌کنند، همچنین سرعت پیشرفت فناوری نیز باعث می‌شود که کارگران یقه سفید به طور دسته جمعی شغل خود را از دست بدهند. شاید همین یک سال پیش، چنین سناریویی کاملاً تخیلی بود اما امروز، تقریباً امری اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. سیستم‌های هوش مصنوعی در حال حاضر می‌توانند واضح‌تر و متقاعدکننده‌تر از بسیاری از انسان‌ها بنویسند و تصاویر، هنرها و حتی رمزهای کامپیوتری را بر اساس درخواست‌های زبان ساده تولید کنند. می‌توان گفت مولدهای هوش مصنوعی فقط نوک کوه یخ است که ورود آن نشانگر لحظه‌ای بیگ بنگ و آغاز یک انقلاب تکنولوژیکی در جهان در حال تغییر است که سیاست، اقتصاد و جوامع را بازسازی و دگرگون خواهد کرد. هوش مصنوعی همانند

امواج فناوری گذشته، باعث ایجاد فرصت‌های فوق‌العاده همراه با تغییرات و دگرگونی‌های عمیق و خطرات عظیم می‌گردد اما بر خلاف امواج قبلی، باعث تغییرات عمیقی در ساختار و توازن قدرت جهانی نیز خواهد شد؛ زیرا جایگاه دولت - ملت‌ها به عنوان بازیگران اصلی در عرصه ژئوپلیتیک جهان را چه آنها بخواهند و چه نخواهند به شدت تهدید می‌کند. مبتکران هوش مصنوعی خود بازیگرانی ژئوپلیتیکی هستند و تسلط آنها بر هوش مصنوعی بیش‌ازپیش نظم نوظهور تکنولوژی محور technopolar را تحت تأثیر قرار... ادامه این متن را در [سایت مرکز مطالعه بفرمایید.](#)



ظهور سرکوب دیجیتال



استیون فلدشتاین، پژوهشگر ارشد بنیاد کارنگی در کتاب «ظهور سرکوب دیجیتالی» (۲۰۲۱) به نحوه بهره برداری نظام‌های سیاسی از فناوری‌های نوظهور در امر حاکمیت می‌پردازد. او در سال ۲۰۲۳ بابت نگارش و انتشار این کتاب جایزه گراومایر (Grawemeyer Awards) را دریافت کرد. این جایزه به نویسندگانی تعلق می‌گیرد که در مسیر بهبود نظم جهانی فعالیت علمی تحقیقاتی داشته باشند. به گفته نویسنده، او از سال ۲۰۱۷ به طور مستمر در حوزه بین‌رشته‌ای سیاست و فناوری‌های نوظهور فعالیت پژوهشی داشته و در مجموعه گزارش‌های خود به شاخص جهانی ارزیابی سوءاستفاده دولت‌ها از ابزارهای دیجیتال و هوش مصنوعی برای سرکوب اشاره کرده است. فلدشتاین پس از مقدمه در هشت فصل به این سوال پاسخ می‌دهد که «فناوری‌های نوظهور چگونه قدرت، سیاست و مقاومت را تغییر می‌دهند؟».

او انگیزه‌های سیاستمداران برای استفاده از هوش مصنوعی به منظور سرکوب معترضان را بررسی می‌کند (فصل دوم) تا به الگویی جهانی در این زمینه دست پیدا کند (فصل سوم). به عقیده فلدشتاین نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک بیشتر از هر نظام سیاسی دیگری از فناوری‌های نوظهور برای سرکوب دیجیتال استفاده می‌کنند؛ لذا به سراغ تایلند، فیلیپین و اتیوپی می‌رود تا تأثیر هوش مصنوعی بر قدرت و سیاست در این کشورها را

بررسی و ارزیابی کند (فصول چهار، پنج و شش). او در نهایت به این جمع‌بندی می‌رسد که هوش مصنوعی و کلان داده‌ها (BIG DATA) توانسته‌اند نحوه مدیریت و امر سرکوب را متحول کنند و قدرت کنترل نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک را افزایش دهند. به عقیده فلدشتاین این باور اشتباه است که تکنولوژی‌های نوظهور تعادل بین شهروندان و دولت‌ها را برهم زده است؛ او معتقد است که آینده برآیندی از مبارزه مداوم بین مجموعه‌های متعدد بازیگران است و جنبش‌های اعتراضی نیز در این برآیند حضور تأثیرگذاری دارند و هر طرف برای رسیدن به پیروزی باید عوامل متعددی را در نظر بگیرد. فلدشتاین در فصل پایانی به نکته مهم اشاره می‌کند که ابزارها، ایده‌ها و استراتژی‌ها متعدد تعیین می‌کنند که چه کسی پیروز این... ادامه این متن را در [سایت مرکز مطالعه بفرمایید.](#)



خودکامگان خاورمیانه، اسلام هراسی و شرق‌شناسی وارونه

به قلم؛ جان هافمن

ترجمه: کامران کرمی

میراث بر جای مانده از چارچوب‌ها و گرایش‌های مستحکم شرق‌شناسانه همچنان بر مطالعات و مباحث خاورمیانه و مسلمانان سایه افکنده است. ادوارد سعید (از بنیان‌گذاران نظریه پسااستعمارگرایی) در اثر نمادین خود، شرق‌شناسی را به عنوان «سبکی غربی برای تسلط، بازسازی و داشتن اقتدار بر مشرق زمین تعریف کرده است.» موقعیت هژمونیک غرب، همراه با تمایز معرفتی و هستی‌شناختی بین «غرب» و «شرق»، به اولی این امکان را داده است که بر دومی دانش را تحمیل کند. شرق‌شناسی از طریق تولید دانش، روایت‌هایی را که تحت سلطه کلیشه‌ها و تعمیم‌های تعصب‌آمیز قرار دارد، تبلیغ، تقویت و بازتولید کرده که به گفتگوهای سیاسی و آکادمیک در مورد خاورمیانه و کسانی که در این منطقه زندگی می‌کنند، شکل داده است. این عقاید که مردم خاورمیانه برای دموکراسی «آماده» نیستند، یا اینکه اسلام با یک نظام حکومتی دموکراتیک «سازگار» نیست، برخی از برجسته‌ترین مضامین شرق‌شناسانه هستند که بر مباحث دانشگاهی و سیاسی در مورد خاورمیانه رخنه کرده است. برای دهه‌ها چنین استدلالی از نظر تاریخی برای توجیه امپریالیسم و استعمار غرب در منطقه مورد استفاده قرار گرفت و به طور هم‌زمان، منجر به این روایت شد که سیاستگذاران غربی بازیگران مستبد در خاورمیانه را به عنوان بهترین ضامن «ثبات» (که بیشترین توانایی را در پیشبرد منافع نخبگان سیاسی غرب در منطقه دارند) در نظر بگیرند. منطقه خاورمیانه با این دیدگاه‌ها که توسط برنارد لوئیس (مورخ و شرق‌شناس برجسته انگلیسی - آمریکایی) پرداخته شده و در آغاز خیزش‌های عربی ۲۰۱۱ استدلال کرد که دموکراسی «یک مفهوم سیاسی است که هیچ سابقه‌ای در جهان عرب و جهان اسلام ندارد و اعراب و مسلمانان برای انتخابات آزاد و عادلانه آماده نیستند»، به خوبی دریافت کرده است. با این حال، این گونه کلیشه‌ها اغلب توسط نخبگان سیاسی خاورمیانه منعکس می‌شود که منافع خود را در حفظ و تداوم وضعیت غیردموکراتیک موجود می‌بینند. برخی از بلندترین

صداهایی که می‌گویند خاورمیانه یا مسلمانان مجهز به دموکراسی نیستند، دولت‌های خودکامه ای هستند که از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر منطقه تسلط دارند. به عنوان نمونه، محمد بن زاید (MbZ)، رئیس دولت امارات متحده عربی و حاکم امارت ابوظبی در یک تلگراف محرمانه دیپلماتیک به مقامات ایالات متحده که محتوای آن به بیرون درز کرده است، گفت که «خاورمیانه کالیفرنیا نیست» و افزود: «در حالی که اعضای کنگره و سنای ایالات متحده به ایالت‌ها و حوزه‌های خود وفادار هستند، توده‌ها در خاورمیانه تمایل دارند با قلوب خود به اخوان‌المسلمین و جهادی‌هایی که توسط حماس و حزب‌الله نمایندگی می‌شوند، رأی دهند.» به همین ترتیب، شیخ محمد بن راشد آل مکتوم حاکم دبی، در مصاحبه ای با CNN در سال ۲۰۱۱ پس از خیزش‌های عربی، اظهار داشت: «ما دموکراسی خود را داریم. شما نمی‌توانید دموکراسی خود را به ما تحمیل کنید.» تشخیص اینکه چگونه این بازیگران محلی برای حفظ حمایت متحدان و نفع برندگان غربی خود از نوعی سلاح «شرق شناسی وارونه» استفاده می‌کنند، ضروری است. این تلاش‌ها برای بازتولید و تداوم «افسانه ثبات استبدادی» که زیربنای سیاست غرب، به ویژه ایالات متحده در قبال خاورمیانه است، طراحی شده اند. مرکز این استراتژی «شرق شناسی وارونه» که توسط مستبدان خاورمیانه به کار گرفته شده، ترویج و دستکاری استراتژیک اسلام هراسی است.



ترس‌ها و سوء تفاهم‌های غربی از اسلام توسط خودکامگان خاورمیانه و همچنین علمای دینی و نهادهای مرتبط با این رژیم‌ها که خود را تنها بازیگرانی معرفی می‌کنند که می‌توانند «ثبات» منطقه‌ای را در

مبارزه با «افراط‌گرایی» تضمین کنند، به راحتی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. مهم در اینجا، ساختن مقوله‌های دلخواه از آنچه است که محمود ممدانی (نویسنده و مفسر سیاسی هندی) به عنوان مسلمانان «خوب» و «بد» یاد می‌کند. اسلامی که رژیم‌های خودکامه در خاورمیانه اجرا و ترویج می‌کنند، به غرب به‌عنوان «خوب» و «میانه رو» معرفی می‌شود. همچنین این روایت به گونه‌ای طراحی شده که این دولت‌ها را به‌عنوان بهترین (و شاید تنها) شرکایی نشان دهد که قادر به همکاری با غرب برای مبارزه با اسلام «بد» و «افراطی» هستند. این خودکامگان با مرکزیت قرار دادن گفتگوها حول محور «نقص‌های» فرضی مردم خاورمیانه یا اسلام، می‌توانند توجه را از این موضوع منحرف کنند که چگونه سیاست‌های استبدادی آن‌ها اغلب کاتالیزورهای اساسی برای بی‌ثباتی منطقه‌ای است که در عین حال به حفظ حمایت غربی‌ها...

گروگانگیری یک ملت

به قلم؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

پوتین رئیس جمهور روسیه در آخرین سخنان خود درباره ادامه جنگ در اوکراین گفت: «روسیه جنگ ۲۰ ماهه در اوکراین را آغاز نکرده و در تلاش است تا آن را به پایان برساند.» او در نشستی در شهر شوچی دریای سیاه در سخنان خود کشورهای غربی آمریکا و سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس (اروپایی) را مقصر اصلی در آغاز این جنگ و ادامه آن تاکنون دانست و گفت: «آمریکا و متحدانش می‌خواهند هژمونی در حال فروپاشی خود را بر جهان تحمیل کنند و از درک واقعیت عاجز هستند. وظیفه مسکو اکنون ساختن جهانی جدید و درهم شکستن سلطه بین‌المللی غرب است.» با انتشار سخنان پوتین تحلیلگران سیاسی غربی نیز گفتند و نوشتن «تهاجم روسیه به اوکراین، بزرگترین اشتباه استراتژیک مسکو در دهه‌های اخیر است!»

دیدگاه اغلب تحلیلگران مستقل سیاسی در سطح بین‌المللی این است که بستر آغاز جنگ اوکراین را دولت بایدن (آمریکا) طراحی کرد و با کشاندن سه متحد خود در اروپا (انگلیس، فرانسه و آلمان) کلید زد. دولت فرانسه (ماکرون) بسیار تلاش کرد تا در هفته‌های آغازین این جنگ، آتش‌بس طرفینی برقرار و مذاکره برای پایان بخشیدن به آن کلید بخورد، اما موفق نشد. زیرا پوتین آغازگر این جنگ را آمریکا و دولت آن نامید و تا امروز هم بر این باور است که آمریکا مانع اصلی برای توافق دو طرف برای پایان بخشیدن به این جنگ است. او معتقد است که دولت آمریکا، ملت اوکراین را به گروگان گرفته است و دولت‌های آلمان و فرانسه خواسته یا ناخواسته همسو با سیاست جنگی بایدن شده‌اند. اگرچه امروز تلاش دارند که جنگ پایان پذیرد و دو طرف وارد مذاکره برای صلح شوند. اولین پیامد این جنگ، ویرانی اوکراین و آوارگی چندین میلیون تن از شهروندان و خانواده‌های اوکراینی است. به طوری که هم‌اکنون دو کشور آلمان و فرانسه دچار بحران ناشی از آوارگی میلیونی شهروندان اوکراینی و پناه بردن به این کشورها شده‌اند. واقعیت ادامه جنگ در اوکراین این است که یک کشور و ملت آن توسط دولت آمریکا برای جنگی ویرانگر به گروگان گرفته شده‌اند!

جنگ در اوکراین همچنان ادامه دارد، در حالی که زلنسکی رئیس دولت در اوکراین نیز مدام گلایه‌های خود را از حمایت ضعیف نظامی غرب (آمریکا و متحدانش) - ناتو - ابراز می‌کند. تا جایی که بازدید سیاستمداران مسئول آمریکایی - اروپایی از اوکراین برای تقویت روحی او و ادامه جنگ مدام انجام می‌گیرد. فرمانده ناتو نیز خسته از ادامه این شرایط در سخنرانی خود گفته است: «تصور کوتاه مدت و پایان این جنگ را نداشته باشید، جنگ در اوکراین، جنگی طولانی مدت است!» در چنین فضایی از باور افکار عمومی مردم اروپا که دولت آمریکا جنگ اوکراین را راه‌انداخت، اما هزینه‌های تخریبی آن را اروپایی‌ها می‌پردازند و آوارگی ده میلیون شهروند اوکراینی را بر کشورهای اروپایی تحمیل کرده است. مدام به دولت‌های خود در پیروی از سیاست جنگی دولت بایدن، اعتراض دارند.

فضای سیاسی در داخل آمریکا با محوریت انتخابات ریاست جمهوری آینده چنان متشنج و پرتنش شده است که در درون هر دو حزب حاکم «جمهوریخواه» و «دمکرات» بحران‌های شدیدی را آشکار و علنی کرده است. از یکسو مدام «بایدن» رئیس جمهور «فرتوت» نامیده می‌شود که به زوال عقل و فراموشی شدید دچار شده است. از سوی دیگر با محاکمه قضایی «ترامپ» پرونده مجرم دانستن او از سوی دادگاه رسیدگی به پرونده‌اش تا صدور حکم زندان برای او موضوع روز در داخل این کشور شده است. در چنین شرایطی «جوزپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هفته گذشته آشکار هشدار داد، «کشمکش‌های سیاسی درونی در آمریکا توانایی این کشور را برای تأمین مالی ارتش اوکراین تهدید می‌کند». بورل که در کنفرانس رهبران اروپا صحبت می‌کرد، گفت: «کشورهای اتحادیه اروپا دیگر قادر نیستند تا هرگونه کمبودی از جانب آمریکا را جبران کنند! کنگره آمریکا پولی را برای کمک به اوکراین در توافقنامه بودجه اخیر لحاظ نکرده است.» در چنین آشفته بازار سیاسی در داخل آمریکا و بن‌بست در ادامه جنگ در اوکراین یکباره فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) که مسئول واحدهای نظامی آمریکا در خاورمیانه است، اعلام کرد که: «آمریکا بیش از یک میلیون فشنگ ایرانی توقیف شده از ایران را به اوکراین ارسال کرده است!» بسیاری از خبرگزاریهای غربی این گفته فرماندهی مرکزی آمریکا را به مسخره گرفتند! و در فضای رسانه‌ای غرب «جوک مسخره» خوانده شده است. وال‌استریت ژورنال نوشت: «واشنگتن برای ادامه هزینه‌های جنگ اوکراین کم آورده است».



آمریکا چگونه در یک جنگ چهل ساله

خاورمیانه را از دست داد؟



نویسنده: لیزا اندرسون (۱۸ آوریل ۲۰۲۳)

ترجمه: رضا فضلعلی

چین میانجی‌گری در تجدید روابط دیپلماتیک بین عربستان سعودی و ایران را در مارس ۲۰۲۳ اعلام کرد. در واقع به کاهش نقش ایالات متحده در خاورمیانه سرعت بخشید. ایالات متحده اندکی پس از به قدرت رسیدن ریاست جمهوری «جو بایدن»، خروج نامطلوب خود از افغانستان را تکمیل کرد، کشوری که واشنگتن، نتوانست پس از بیست سال تلاش آن را با غرب همراه کند. او در دوران نامزدی ریاست جمهوری به عنوان منتقد، رژیم عربستان سعودی را به دلیل احتمال مشارکت «محمد بن سلمان»، ولیعهد عربستان در قتل «جمال خاشقجی»، را منفور (نفرت انگیز) اعلام کرده بود، لیکن خیلی زود متوجه شدند که سعودی‌ها درخواست ایالات متحده برای افزایش تولید نفت در طول جنگ اوکراین را رد خواهند کرد. در عین حال، تلاش‌های دیپلماتیک ایالات متحده برای احیای توافق هسته‌ای ایران در گیر و دار موج خشونت‌آمیز اعتراضات، توسط حکومت ایران به شکست انجامید. همزمان با روی کار آمدن افراطی‌ترین دولت راست‌گرای تاریخ اسرائیل و تهدید دموکراسی، با تحریک و ایجاد موج جدیدی از خشونت، توافقنامه مورد حمایت واشنگتن، ابراهیم (آبراهام) را به

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir



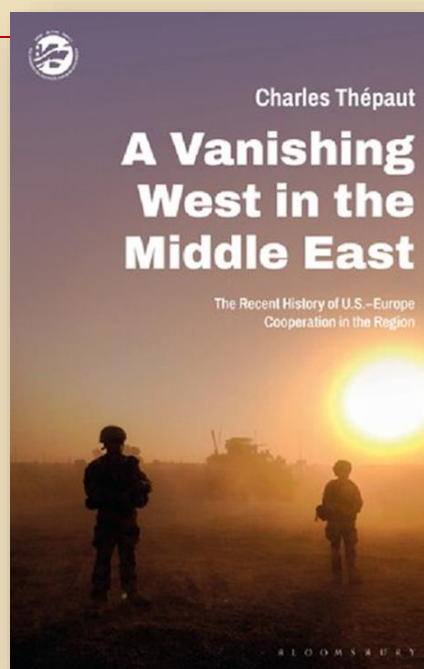
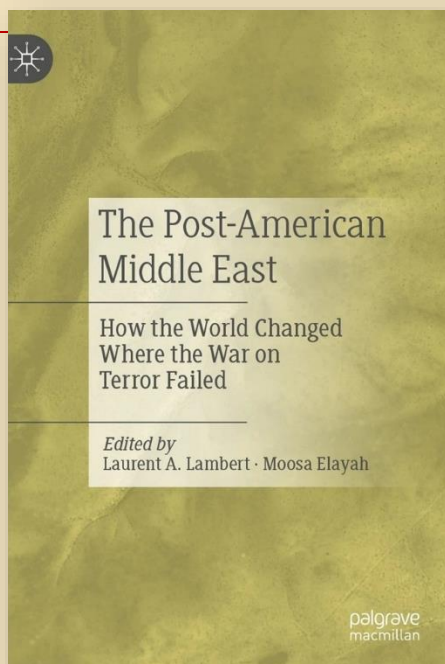
بی‌نظمی دنیای جدید

نویسنده: ریچارد هاس

مترجم: زهرا شیخ قمی

غیبت آشکار رهبرانی مانند شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین و نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند در هفتاد و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، بر چالش‌های بی‌شمار ژئوپلیتیک امروزی تأکید می‌کند. از جنگ اوکراین تا مسابقه تسلیحاتی هوش مصنوعی، چشم انداز جهانی تیره و تاریک به نظر می‌رسد و در شرف بدتر شدن است. یک جوک قدیمی شوروی وجود دارد که در آن یک روزنامه‌نگار از دبیر کل حزب کمونیست می‌خواهد اقتصاد کشور را ارزیابی کند. پاسخ ژنرال کوتاه بود. او گفت «خوب». روزنامه‌نگار از رهبر درخواست می‌کند که توضیح بیشتری بدهد تا بتواند مقاله خود را کامل کند. دبیر کل پاسخ می‌دهد: «در این صورت، خوب نیست». در مورد وضعیت امروز جهان نیز همین‌طور است. هنگامی که بسیاری از رهبران جهانی به استثنای شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین، ولادیمیر پوتین رئیس

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir



به قلم؛ شهاب دلیلی

عنوان کتاب؛ خاورمیانه پساآمریکایی

برخی تصور می‌کردند با فروپاشی شوروی و پایان نبرد تاریخی ایدئولوژی‌ها، جهان به جای بهتری برای زندگی تبدیل خواهد شد، اما چنین نشد. آمریکا پس از حملات یازدهم سپتامبر اعلام کرد که تمامی سازمان‌های تروریستی را نابود خواهند کرد. بسیاری از تحلیل‌گران معتقد بودند که حملات یازدهم سپتامبر و جنگ علیه تروریسم تأیید نظریه برخورد تمدن‌ها است که هانتینگتون پیش‌تر مطرح کرده بود، اما لورن لامبرت و موسی الیاح نظر دیگری دارند و در کتاب «خاورمیانه پساآمریکایی» (۲۰۲۳) به این موضوع می‌پردازند که نتیجه جنگ علیه تروریسم و حضور آمریکا در خاورمیانه چه بوده است؟ به عقیده آن‌ها، آمریکایی‌ها با این هدف و با این فکر که خاورمیانه را به منطقه‌ای دموکراتیک‌تر، باثبات‌تر، توسعه یافته‌تر و عاری از جنگ تبدیل کنند به خاورمیانه لشکرکشی... ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

عنوان کتاب؛ افول غرب در خاورمیانه

چارلز تپو پس از انتشار کتاب «جهان عرب تکه تکه شده؛ از بهار عربی تا عقب نشینی آمریکایی» (۲۰۲۰) کتاب «افول غرب در خاورمیانه» (۲۰۲۲) را منتشر کرد تا نشان دهد اروپا و آمریکا در قبال خاورمیانه سیاست خارجی یکسانی ندارند. به عقیده تپو با پایان جنگ سرد، خاورمیانه محل تنش سیاست خارجی اروپا و آمریکا شد و از آن زمان تا به امروز این تنش افزایش پیدا کرده است. تپو معتقد است که از سال ۲۰۰۳ و با حمله به عراق تا سال ۲۰۱۱ که اعتراضات موسوم به بهار عربی آغاز شد، این تنش افزایش قابل توجهی داشته و در نهایت در سال ۲۰۱۸ و با خروج آمریکا از برجام به اوج خود رسیده است. به این ترتیب که دولت بایدن خواهان کاهش حضور در خاورمیانه و در مقابل... ادامه این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

آینده محور عراق - سوریه



به قلم؛ سید حسین موسوی

تاکید کردند و نخست وزیر عراق این دیدار را ترجمان واقعی روابط برادرانه و تاریخی دو کشور برشمرد. همچنین رئیس جمهور سوریه این دیدار را فرصتی برای ایجاد روابط نهادی و دستیابی به یک جهش بزرگ در همکاری‌های دو جانبه قلمداد کرد. السودانی در این دیدار تاکید کرد که کلید امنیت و ثبات منطقه مقابله با چالش‌های اقتصادی مشترک است. گفته شده است طرفین درباره طیف وسیعی از موضوعات از جمله امنیت بیش از ۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک و گذرگاه‌های زمینی نیز گفتگو کرده‌اند. همکاری دو کشور در مبارزه با داعش و هسته‌ای پراکنده این گروه که در مناطق بیابانی بین دو کشور پناه گرفته‌اند البته امر جدیدی نیست. دو کشور همچنان در اتاق چهار جانبه‌ای که در زمان جنگ با داعش شکل گرفت و در آن کشورهای روسیه، سوریه، جمهوری اسلامی و عراق مشارکت داشته‌اند، حضور دارند. آنها در این اتاق که از آن به عنوان ۱+۴ نیز یاد می‌شود همچنان با تبادل اطلاعات و عملیات مشترک همکاری دارند و لازم به توضیح... ادامه این مطلب را در سایت www.cmess.ir مرکز مطالعه بفرمایید.

محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق، در هفته آخر تیرماه ۱۴۰۲ به منظور دیدار با رئیس جمهور سوریه بشار اسد به این کشور سفر کرد. شایان ذکر است از ۱۲ سال پیش یعنی از سال ۲۰۱۱ تاکنون هیچ سفر رسمی در این سطح به سوریه انجام نشده بود. پس از اجلاس فوق العاده اتحادیه عرب در ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ که با حضور وزرای خارجه کشورهای عرب برگزار شد، با رفع تعلیق عضویت سوریه در نشست اتحادیه، کشورهای عربی پس از ۱۲ سال قطع ارتباط یکی پس از دیگری روابط خود را با سوریه از سر گرفتند. رئیس جمهور سوریه در ۲۹ اردیبهشت با شرکت در سی و دومین نشست سران کشورهای عربی در جده و دیدار با سران کشورهای عرب از جمله محمد بن سلمان ولیعهد عربستان مجدداً توانست جایگاه خود را در اتحادیه عرب البته به صورت مشروط بدست آورد. در دیدار نخست وزیر عراق با رئیس جمهور سوریه، آنها علاوه بر تقویت همکاری‌ها بر هماهنگی در امور سیاسی و مبارزه با تروریسم

حاکمیت قانون در

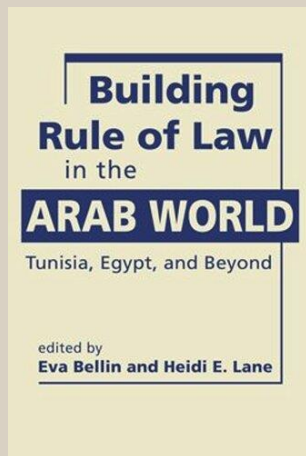
بنای

جهان عرب



به قلم؛ شهاب دلیلی

این سوالات پرداخته و در پاسخ به چهار بلوک اشاره می‌کند که می‌تواند به مردم منطقه کمک کند تا به سمت برقراری حاکمیت قانون بروند.



آن‌ها عبارتند از (۱) قوه قضائیه مستقل (۲) اصلاح پلیس امنیتی (۳) اصلاح ارتش (۴) ایجاد و تقویت سازمان‌های نظارتی ضد فساد.

او در سراسر کتاب به تجربه اعتراضات ۲۰۱۱ موسوم به بهار عربی اشاره می‌کند تا نشان دهد که معترضان برای برقراری حاکمیت قانون چه چالش‌ها و موانعی را پیش‌روی خود داشته‌اند. به عقیده برلین پیش از هر چیز باید به یک سوال بنیادین پاسخ داده شود...

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.
www.cmess.ir

سال‌هاست که حکومت‌های اقتدارگرا، دمدمی مزاج و خودسر در جهان عرب حاکم هستند و بی‌عدالتی، ظلم، فساد و تحقیر در این کشورها به قاعده اصلی حکمرانی تبدیل شده و خشم و کینه سیاسی را در میان مردم منطقه پرورش داده است. این خشم زمینه اعتراضات موسوم به بهار عربی را به وجود آورد؛ معترضان خواهان تغییرات سیاسی بنیادین و «حکومت قانون» بودند. اما سوال مهم نه مسیرهای اعتراض بلکه نحوه رسیدن معترضان به حکومت قانون بود. سوال مشخص این بود که آیا منوی ثابت و مشخصی از ابزارهای رسیدن به حاکمیت قانون و اقدامات تقویت‌کننده نهادهای آن در کشورهای متفاوت وجود دارد؟ زمان و نسبت هر اقدام با اقدام دیگر چگونه است؟ آیا نسبتی درونی میان ایجاد حاکمیت قانون و روند دموکراتیزاسیون وجود دارد؟ یا از اساس تحقق یکی بر دیگری تقدم دارد؟ برلین در کتاب «بنای حاکمیت قانون در جهان عرب» به



گفتگوی ملی در مصر؛ موافقان و مخالفان

به قلم؛ عبدالامیر نبوی؛ پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات خاورمیانه و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

تداوم برخی مشکلات داخلی و نیز فشارهای ناشی از تحولات پرشتاب خارجی، مصر را مانند سایر بازیگران منطقه‌ای به چاره جویی واداشته است. روشن است که گذر از این شرایط دشوار مستلزم تلاش بیشتر برای مدیریت وضعیت داخلی و به خصوص کاهش نارضایتی‌ها و تعارضات سیاسی است. با این هدف، عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور، در ۲۶ آوریل ۲۰۲۲ (۶ اردیبهشت ۱۴۰۱) خواستار آغاز روند گفتگو بین تمامی احزاب و نیروهای سیاسی مصر شد. در این سخنرانی که در جریان یک مهمانی افطاری ماه رمضان ایراد شد، تعدادی از مخالفان و منتقدان سیاسی هم حضور داشتند و نکته جالب تعبیر سیسی بود که از استقرار «جمهوری جدید» سخن می‌گفت. به نظر سیسی، این گفتگو بایستی با مشارکت تمامی جریان‌ها و گروه‌ها برای تعیین اولویت اقدامات ملی در مرحله فعلی صورت گیرد. این سخنان با استقبال زیادی روبرو شد، چراکه شدت گرفتن بحران اقتصادی و معیشتی از یک سو و نگرانی از سرعت و عمق تحولات خارجی از سوی دیگر، نگرانی‌های زیادی درباره آینده ایجاد کرده است. به همین منظور ضیاء رشوان، رئیس سندیکای روزنامه نگاران و رئیس بخش اطلاع رسانی ریاست جمهوری، مسئول هماهنگی شد تا پس از رایزنی با احزاب و نهادها و نیروهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هیئت امنای شورا تشکیل دهد. اسامی هیئت امنای ۲۶ ژوئن ۲۰۲۲ (۵ تیر ۱۴۰۱) پس از حدود ۲۰ روز رایزنی با نهادهای سیاسی و اقتصادی اعلام شد که شامل ۱۹ شخصیت از جمله افراد نسبتاً مستقل و یا وابسته به اپوزیسیون می‌شد. همچنین اعلام شد علاوه بر رایزنی با احزاب سیاسی، سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های کارگری، اتاق‌های بازرگانی، دانشگاه‌ها، نخبگان فکری، شیوخ، نمایندگان مجلسین، نمایندگان الازهر و کلیسا، روزنامه نگاران و هنرمندان، ۴۰۰ دعوت‌نامه نیز ارسال شده است تا از نمایندگی همه گروه‌ها در این روند اطمینان حاصل شود. از سوی دیگر، فرم‌های الکترونیکی درخواست مشارکت، از طریق یک وب‌سایت دولتی

منتشر شد که ۶۹۵۳۰ پاسخ دریافت گردید. همزمان، کمیته عفو ریاست جمهوری باردیگر فعال شد و تعدادی از زندانیان سیاسی، با هدف نشان دادن حسن نیت و شکل گیری فضای مناسب برای گفتگو، آزاد شدند.

به هر صورت، نخستین جلسه شورا روز ۵ ژوئیه ۲۰۲۲ (۱۴ تیر ۱۴۰۱) صرفاً با حضور اعضای هیئت امناء و بدون مشارکت احزاب تشکیل شد. در این جلسه و جلسات بعدی درباره سازوکارهای روند گفتگوی ملی و چگونگی فعالیت شورا بحث شد تا اینکه در ششمین جلسه در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲

الْأَخْوَانُ الْمُسْلِمُونَ

(۱۹ شهریور ۱۴۰۱) مدیران کمیته های اصلی و فرعی نیز تعیین شدند. این افراد که ۴۴ نفر (۱۲ نفر برای محور سیاسی و کمیته های آن، ۱۸ نفر برای محور اقتصادی و کمیته های آن و ۱۴

نفر برای محور اجتماعی و کمیته های آن) می شدند، ترکیبی از موافقان و مخالفان دولت بودند؛ مانند: علی الدین هلال، یکی از نمادهای رژیم مبارک، حمدین صباحی، فعال سیاسی مشهور، و مصطفی کامل السید، استاد دانشگاه. شورا در ضمن، حسام بدرآوی، از رهبران برجسته سابق حزب دمکراتیک ملی در زمان حسنی مبارک و حامی رئیس جمهور فعلی را به عنوان مشاور انتخاب کرد. همچنین تصویب شد جلسات و فعالیت های شورا از طریق رسانه‌ها در اختیار عموم قرار گیرد. در عین حال رشوان اعلام کرد اصلاح قانون اساسی جزء موضوعات مورد بحث نخواهد بود.

محدود شدن فعالیت شورا به تشکیل هیئت امناء، توافق بر سر محورهای اصلی و تشکیل کمیته‌های فرعی در ماه های نخست پس از سخنرانی سیسی، جدیت شورا را تا حدودی زیر سوال برد. این امر بدانجا کشید که «آماده‌سازی آهسته و غرق شدن در جزئیات» به عنوان نقدی جدی مطرح شد. در مقابل، اعضای شورا بیان کردند که این تاخیر عامدانه است و از تلاش برای جلب نظر تمامی مخالفان و منتقدان سیاسی برای «مشارکت واقعی» ناشی می شود که شامل معرفی نمایندگان آنها و ارسال پیشنهادهاشان است تا براین اساس دستورکار جلسات کمیته های اصلی و فرعی (بدون هیچ خط قرمزی) آماده شود. در این مورد حتی دبیرخانه شورا اعلام کرد پس از انتشار فراخوان گفتگوی ملی ۹۶ درصد نیروهای مختلف سیاسی اعلام حمایت کرده اند و ۴ درصد نیز به این دعوت با صحبت در مورد تضمین گفتگو پاسخ داده‌اند، لذا این آمار نشانگر جدیت برای کسب نظر همگان و عدم وجود مخالف است. در این میان، اخوان المسلمین یک غائب بزرگ محسوب می شود. البته پیش از این، سیسی طی مصاحبه‌ای در ۳ ژوئیه ۲۰۲۲ (۱۲ تیر ۱۴۰۱) اظهار کرده بود: «هدف از آغاز گفتگوی ملی...»



بهار عربی، بهاری بی ثمر!

نویسنده: حافظ غانم

ترجمه: محمد مهدی گلشاهی

موضوع در آثاری چون بهار عربی پنج سال بعد نوشته حافظ غانم مورد بررسی قرار گرفته است، مسئله اقتصاد سیاسی و عدالت اجتماعی پس از تحولات شکل گرفته است.

بر این اساس دکتر حافظ غانم معاون بانک جهانی در امور خاورمیانه و شمال آفریقا تحولات شکل گرفته موسوم به بهار عربی را بر خلاف سایر صاحب نظران مسائل عرب نه منظر جنبش اسلامی همچون جان اسپوزیتو و نه براساس دیدگاه چپ و امپریالیستی همچون سمیر امین بلکه از منظر اقتصاد سیاسی و نهادگرایی مورد بررسی قرار می دهد و در پی آن است که ضمن بررسی ریشه های تاریخی این تحولات به ارائه راهکارهایی از جنس اقتصاد سیاسی و نهاد گرایی پردازد، وی با صحنه گذاشتن...

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

نویسندگان و کارشناسان با رویکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به بررسی تحولات شکل گرفته پس از ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ در خاورمیانه موسوم به بهار عربی پرداخته اند. که از شاخص ترین آن ها می توان به آثار حافظ غانم اشاره کرد.

بررسی این تحولات از سه منظر حائز اهمیت است؛ اول آن که با تحولات شکل گرفته وضعیت دموکراسی در کشورهای عربی، عمدتاً استقلال یافته پس از جنگ جهانی دوم به کدام سو می رود؟ دومین تغییر معطوف به تغییر ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه و به ویژه نسبت حکومت های جدید با قدرت های فرامنطقه ای همچون آمریکا است و مسئله سوم که به عنوان محوری ترین

آیا جنبش دموکراسی خواهی در شمال آفریقا زنده است؟



توضیحی برای بسیج مردمی دموکراتیک منتهی شود. نتایج استفاده نشد، زیرا انتقادات شدیدی تحقیق اینگونه بود. به آن وارد شده است. این مفهوم افزایش انتظارات: اولاً برای افزایش نظریه پردازی به کار برده شد افزایش انتظارات، آزادسازی اولیه که کدام شرایط بافتی ملموس سیاسی ضروری است. البته، مردم انتظارات و تجربیات مردم از می دانند که تغییر به راحتی به دموکراسی را شکل می دهد. در مورد قیام های اعراب، دو شرط بافت تاریخی، اعتراض و لازم برای افزایش توقعات مردم در اصلاحات کوچک و مدیریت شده مورد دموکراسی سازی یک کشور را اجرا نمایند. با این حال، سابقه وجود دارد: اعتراض توده ای و منحصر به فرد دموکراسی سازی در آزادسازی سیاسی اولیه. تونس محیطی را ایجاد کرد که در پس از بحث در مورد این دو، من آن افزایش خواسته های بحث شد که چگونه انتظارات دموکراسی خواهانه، جدی تر افزایش یافته، کاهش میل به گرفته شد.

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.
www.cmess.ir

به قلم؛ نیلز اسپایرینگ
ترجمه؛ رسول صفراهنگ
آیا قیام های اعراب بر تمایل به دموکراسی در خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیر گذاشته است؟ این مطالعه توضیحی سیستماتیک از تأثیر متفاوت قیام ها بر تمایل مردم برای دموکراسی در سراسر منطقه ارائه می دهد. از اوایل سال ۲۰۱۱ به بعد، اعتراضات گسترده خاورمیانه و شمال آفریقا را فرا گرفت و مردم این کشورها خواستار دموکراسی بیشتر شدند، اما در واقعیت به آن دست پیدا نکردند. آرزوهای برآورده نشده با ماهیت محرومیت، پیوند داشتند. با این حال، از محرومیت به عنوان

گزارش تحلیلی از آخرین تحولات جمهوری سودان

به قلم؛ زهرا فلاح نژاد، دبیر گروه متن‌های اساسی در خاورمیانه‌شناسی

جمهوری سودان، قبل از منفک شدن بخش جنوبی، به عنوان بزرگترین کشور اسلامی از نظر مساحت به شمار می‌رفت، لیکن پس از جدایی بخش مسیحی نشین در سال ۲۰۱۱ میلادی، صرفاً به عنوان یک کشور مسلمان شناخته می‌شود. این کشور، علاوه بر عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، عضو اتحادیه آفریقا و سازمان کنفرانس اسلامی نیز می‌باشد. کشور سودان همچنین عضویت برخی مناسبات منطقه‌ای، از جمله اتحادیه بازار مشترک کشورهای شرق و جنوب آفریقا را نیز دارد. موقعیت کشور سودان از چند منظر دارای اهمیت می‌باشد، که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشند:

اول. جایگاه ژئوپلیتیکی سودان در شمال، شاخ آفریقا و به ویژه دریای سرخ و همجواری با کشورهای تاثیرگذار منطقه از جمله عربستان سعودی و مصر؛ دوم. جاری بودن دو شاخه اصلی رود بزرگ نیل (نیل سفید و نیل آبی) که مجموعاً حدود ۳۶۰۰ کیلومتر در داخل سودان جریان داشته و به همین علت، زمینه‌های بسیار مناسب کشاورزی و دامداری را ایجاد نموده است و نیز منابع عظیم زیرزمینی سرزمین سودان؛ سوم. از یک سو نزدیکی کشور سودان به مرزهای رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر روحیات ضد صهیونیستی مردم این کشور که به دلایل مذکور ایجاد روابط از سوی اسرائیل با سودان را دارای اهمیت می‌نماید، تلاش‌های سنوات متمادی برای اثرگذاری بر عدم ایجاد ثبات و تقویت بنیه نظامی و اقتصادی سودان از دغدغه‌های سردمداران اسرائیل بوده است.

تحولات سیاسی

به دنبال وقوع تنش‌های سیاسی در سودان در سال ۲۰۱۹ میلادی و سیطره نیروهای ارتش بر کشور و بازداشت عمرالبشیر (رئیس جمهور) و دولتمردان سیاسی وقت سودان، که به نوعی کودتا علیه دولت تلقی می‌گردید، کنترل اوضاع کشور به دست نظامیان افتاده و تاکنون نیز ارتش و نظامیان بر اوضاع مسلط بوده و رییس دولت، ژنرال عبدالفتاح برهان با عنوان رییس شورای حاکمیتی و فرمانده ارتش سودان، زمام امور را در دست دارد؛ روابط سیاسی ج.ا.ایران با سودان، در زمستان سال ۱۳۹۴ و متعاقب آغاز جنگ یمن به رهبری عربستان سعودی و گروه ائتلاف (امارات، قطر، کویت، سودان، بحرین و...) و بنابر تصمیم یکجانبه دولت سودان، با بسته شدن سفارتخانه‌های دو کشور عملاً قطع گردیده و کماکان در همان وضعیت قرار دارد.

آخرین وضعیت تنش‌های داخلی

پس از کودتای نظامیان و سرنگونی دولت عمرالبشیر، درگیری‌های منطقه‌ای در داخل سودان شدت



گرفت، تا جایی که وضعیت بی ثبات کشور باعث گردید تا برخی کشورهای ذینفع در منطقه، تحرکاتی را در داخل سودان آغاز نمایند، در زیر به برخی از عوامل اصلی بروز و ادامه درگیری های داخلی سودان اشاره می شود؛

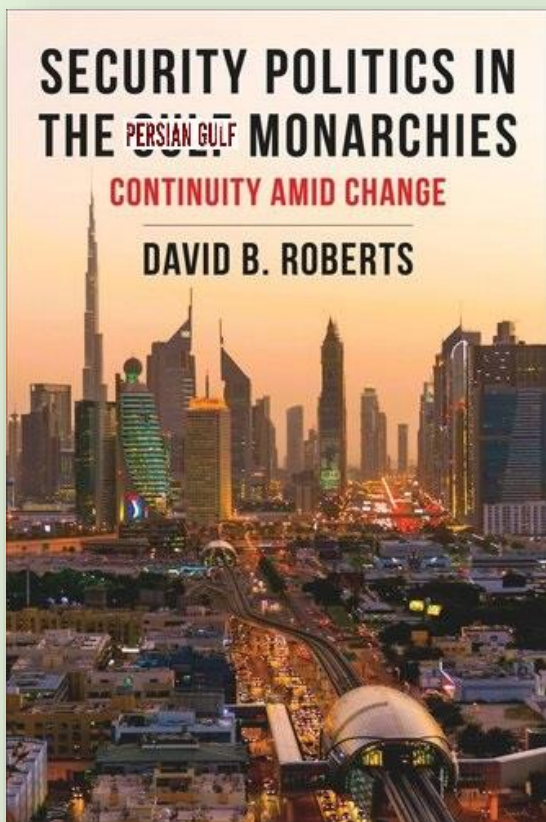
* در پی تلاش های اسرائیل به منظور ایجاد ارتباط و نفوذ منطقه ای در خاورمیانه (معروف به تطبیع یا عادی سازی روابط با کشورهای عربی منطقه)، برخی مسئولین آن رژیم، ضمن حضور در سودان شروع به پیشبرد سیاست عادی سازی نموده و در این راستا، ارتباطاتی را با فرماندهان نظامی شورای حاکمیتی سودان برقرار و با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی سودان و نیز اهمیت راهبردی سودان برای آن رژیم از نظر نزدیکی به مرزهای اسرائیل، پایگاه های نفوذ خود را در آن کشور مستقر نمودند.

* عامل مهم و تاثیرگذار دیگر، حضور پشت پرده دولت امارات متحده عربی در تحولات قبل و حین تنش ها و درگیری های داخلی سودان می باشد که برخلاف نقش رژیم اسرائیل، حضور امارات در تحولات بی ثبات کننده سودان به عنوان حمایت کننده مالی و لجستیکی درگیری ها با حمایت از نیروهای معارض که با عنوان نیروهای واکنش سریع (دعم سریع) شناخته می شوند صورت می گیرد.

* نقش مصر و عربستان سعودی، به عنوان دو کشور تاثیرگذار در منطقه و جهان عرب و نیز به عنوان دو همسایه ی مهم سودان نیز نباید نادیده گرفته شود، به گونه ای که مصر ضمن حمایت ها و کمک های انسان دوستانه به مردم سودان از ابتدای درگیری ها تا کنون همواره تلاش نموده تا نزاع داخلی بین ارتش...

www.cmess.ir

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.



سیاست‌های امنیتی در پادشاهی‌های خلیج فارس

به قلم؛ شهاب دلیلی، مدیر گروه متن‌های اساسی در
خاورمیانه پژوهی

«متن‌های پایه و تازه» آثار جدید و مهمی هستند که به قلم دانشوران سرشناس جهان نوشته و از سوی ناشران معتبر بین‌المللی منتشر می‌شوند. از آن جا «مرور ادبیات جهانی در باب خاورمیانه‌شناسی» بخش مهمی از پژوهش‌های اساسی را تشکیل می‌دهد؛ گروه مطالعات پیشرفته متون اساسی، این متن‌ها را به صورت

هفتگی معرفی و خلاصه‌ای از ادعاها و یافته‌های نویسندگان مطرح دنیا در باب خاورمیانه را منتشر می‌کند. انتشار این آثار لزوماً به معنای تأیید محتوای آنها نیست اما اطلاع از این آثار دوران‌ساز و حرفه‌ای می‌تواند راهی برای رهایی از تحقیقات کلی، تکراری و غیرکاربردی در زمینه پژوهش‌ها و مطالعات مربوط به خاورمیانه باشد.

دیوید رابرتز، دانشیار دانشکده مطالعات امنیتی در کالج کینگ لندن در ابتدای کتاب «سیاست‌های امنیتی در پادشاهی‌های خلیج فارس» (۲۰۲۳) با بررسی اهمیت پادشاهی‌های خلیج فارس به این نکته اشاره می‌کند که این کشورها اهمیت و جذابیت‌های متعددی دارند. اقتصاد جهان به آن‌ها وابسته است؛ ۲۳ درصد از نفت و ۲۶ درصد از گاز مایع جهان در این کشورهای قرار دارد؛ علاوه بر این مجموعه‌ای از پایگاه‌های نظامی آمریکایی، فرانسوی، بریتانیایی و ترکیه‌ای در این منطقه قرار دارد. مضاف بر این که مجموع منابع مالی این پادشاهی‌ها به ۲٫۳ تریلیون دلار رسیده است. کفایت تصویر جاده شیخ زاید در دل بیابان در سال ۱۹۹۰ را با اتوبان هشت بان در میان انبوهی از آسمان خراش‌ها در سال ۲۰۲۲ مقایسه کنیم که انبوهی از ماشین‌ها در آن در حال حرکت هستند و برج خلیفه به عنوان بلندترین ساختمان جهان در آن خودنمایی می‌کند.

پادشاهی های عربی خلیج فارس تغییر کرده اند. اما با تمام این اوصاف آیا ساختارها و روندهای زیربنایی آنها نیز تغییر کرده یا همچنان همان هستند که بودند؟ شاید به همین علت است که رابرتز زیر عنوان کتاب «سیاست های امنیتی در پادشاهی های خلیج فارس» را عبارت «تداوم در میان تغییر» انتخاب کرده است. به بیان رابرتز صنایع هیدروکربنی و در درجه اول صنعت نفت اصل و اساس این پادشاهی ها را تشکیل داده و الباقی انتظارات، هنجارها، روابط و ساختارها نیز بر اساس آن شکل گرفته است. رابرتز نفت و صنعت نفت را دی ان ای پادشاهی های خلیج فارس می نامد و می داند. به عقیده او مشکلات تکرار می شوند چون دی ان ای ثابت است و هر چیز دیگری از جنگ ها، محاصره ها و رقابت ها نیز تحت تأثیر این دی ان ای قرار دارد. اما در سال های اخیر پادشاهی های عربی خلیج فارس تحت تأثیر تغییرات از جمله تأثیر تغییرات آب و هوایی و تمایل جهان برای رفتن به سمت سوخت های سبز و تجدیدپذیر تصمیم به دستکاری دی ان ای خود گرفته اند. رابرتز قصد دارد به مخاطب این کتاب نشان دهد که سیاست های امنیتی پادشاهی های خلیج فارس تحت تأثیر اقتصاد سیاسی رانتی این کشورها قرار دارد و کاهش قیمت نفت صرفاً یک نگرانی مالی نیست و می تواند بر طیف وسیعی از امنیت اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی تأثیر سو بگذارد. به عقیده رابرتز پادشاهی های عربی خلیج فارس برای تکامل دی ان ای خود باید از پارادایم نفتی که داشته اند دور شوند.

اهداف کتاب

کتاب سیاست های امنیتی در پادشاهی های خلیج فارس اهدافی دارد که شامل (۱) پادشاهی های عربی منطقه با طیف وسیعی از چالش های اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی روبرو هستند و ریشه این چالش ها به اقتصاد نفتی پادشاهی های خلیج فارس باز می گردد. رابرتز به مخاطبان خود تأکید می کند که بهتر است لفاظی های پادشاهان منطقه مبنی بر این که ما اقتصاد مدرن و متنوعی داریم را کنار بگذارید. آنها برای فائق آمدن بر چالش های خود به چیزی بیشتر از تنوع بخشیدن به اقتصاد خود نیاز دارند. مهم تر این که اگر بخواهند اقتصاد هیدروکربنی خود را دستکاری کنند باید آماده گذار سیاسی و اجتماعی گسترده ای را نیز داشته باشند. (۲) هدف دوم این کتاب این است که نشان دهد که برای تحلیل وضعیت امروز باید به گذشته تاریخی از این کشورها نیز مراجعه داشته باشیم. به عبارتی دیگر نگرانی ها و چالش های امروز در گذشته ریشه دارند. نباید ساده انگارانه بپذیریم که پادشاهی های عربی منطقه در گذشته از چالش های نفت جان سالم به در برده اند پس امروز هم می توانند چنین کنند. مشکلات و ابزار رفع آن مشکلات تغییر کرده اند و باید با آگاهی بیشتری به سراغ آنها برویم. (۳) رابرتز بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ، امنیت را شامل پنج وجه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست محیطی تعریف می کند و به پادشاهی های عربی تأکید می کند که نباید ساده انگارانه نگرانی های امنیتی خود را به یکی از این وجوه فروبکاهید.

تعامل‌گرایی متوازن در سیاست خارجی امارات متحده عربی

و پیامد آن بر جمهوری اسلامی ایران

به قلم؛ علی اسدی

در بازه زمانی پیش از سال ۲۰۱۹، امارات متحده عربی در مقام «اسپارت کوچک»، کنش مداخله جویانه، تهاجمی و پر هزینه‌ای در محیط منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را تعقیب نمود، لیکن به تدریج و به ویژه پس از ۲۰۲۱ سیاست خارجی این کشور بنا به الزامات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، چرخش محسوسی را جلوه‌گر ساخت. این نوشتار در سه گام، مترصد پاسخ به این پرسش خواهد بود که سیاست خارجی امارات از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ چه تحول‌الگویی را تجربه کرده و مولفه‌های کلیدی آن چیست؟ و این معماری نوین، چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ در پاسخ، این فرض، متصور است که این تحول‌الگویی عبارت بوده است از: «تعامل‌گرایی متوازن و هوشمند اقتصادی»؛ و شکل‌گیری «کریدور عرب - مد به جای کریدور ترانزیتی بین‌المللی شمال - جنوب» بندر چابهار و در نتیجه عدم شکل‌گیری کانون تجارت منطقه‌ای هند به روسیه و آسیای مرکزی در سواحل ایران، تلقی این کشور به عنوان هاب تجاری و اقتصادی در غرب آسیا توسط سایر بازیگران بین‌المللی، متصل کردن اقتصاد عراق به ترکیه و امارات و نه به جمهوری اسلامی ایران و تضعیف امنیت ملی ایران در زمره تأثیرات بر کشورمان قلمداد می‌شود.

گام نخست؛ در بازه زمانی پیش از سال ۲۰۱۹، امارات متحده عربی، کنش مداخله جویانه، تهاجمی و پر هزینه‌ای را در محیط پیرامونی و فرا پیرامونی از جمله در کودتای مصر، تحولات لیبی، سودان و جنگ یمن تعقیب می‌کرد؛ لیکن پس از ۲۰۱۹ رویکرد سیاست خارجی این کشور بنا به مقتضیات داخلی از جمله کوچک شدن ۶٫۱ درصدی اقتصاد این کشور در ۲۰۲۰ ناشی از همه‌گیری کوید ۱۹ و کاهش ۳۶ درصدی صادرات انرژی به دلیل کاهش تقاضای جهانی، عملیاتی نمودن مفاد مندرج در اسناد بالادستی ۲۰۷۱ و ۲۰۳۰ مبنی بر اولویت اقتصاد در سیاست خارجی، مخالفت‌های داخلی امیرنشین‌های دومی، شارجه و راس الخیمه با سیاست مداخله جویانه «بن زاید» در امور سایر کشورها؛ دلایل منطقه‌ای مشتمل بر عدم موفقیت براندازی نظام بعث در سوریه، کاهش هزینه عادی‌سازی مناسبات با اسرائیل، اقدامات برخی بازیگران دولتی و غیردولتی در منطقه در سرنگونی پهپاد، توقیف نفت کش انگلیسی؛ و الزامات بین‌المللی از جمله نظم‌سازی نوین آمریکا در خاورمیانه، پیمان آبراهام و عادی‌سازی مناسبات با بازیگر عبری، فشارهای حقوق بشری در جنگ یمن، ورود روسیه و چین به ترکیبات امنیت منطقه‌ای و... ناگزیر، دگردیسی ماهوی را تجربه کرد.

گام دوم؛ در پاسخ به هزینه‌های فراوان مادی و معنایی، الگوی «تعامل‌گرایی هوشمند و متوازن»، بر ۴ بال بنیادین مشتمل بر «تنش‌زدایی منطقه‌ای، اتخاذ رویکرد متوازن بین غرب و شرق، شرکت در ائتلاف

منطقه‌ای کواد ۲ و شتاب برای امضای موافقت نامه های تجاری با دول هدف نزد رهبران امارات مقبولیت یافت. بر همین مبنا در نخستین گام، تنش زدایی منطقه‌ای و ترمیم روابط با بازیگران چالش زا در سیاست خارجی این کشور حیات یافت؛ این کشور در یک اقدام قابل پیش بینی، خود را به محیط بیرونی به عنوان نخستین کشور جهان عرب که موافقت نامه تجارت آزاد با اسرائیل منعقد کرده، شناساند. نگاهی به محتوا و فصول توافق نامه عادی‌سازی مناسبات ابوظبی - تل‌آویو در حوزه‌های حمل و نقل هوایی، همکاری علمی جهت مقابله با کوید، گردشگری، کشاورزی و آب، امور بانکی و مالی، همکاری های بندری، فناوری پیشرفته علمی، همکاری تجاری نفتی، افتتاح سفارت خانه اسرائیل در امارات و همکاری امنیتی و اطلاعاتی، نشانگر آن است که دو بازیگر عربی و عبری، بازی با حاصل جمع جبری مضاعف را مطلوب تلقی نمودند.

به موازات این امر، ابوظبی که پیشتر و بویژه پس از به قدرت رسیدن ترامپ رییس جمهور پیشین امریکا، سیاست تنش زایی و فشار حداکثری در قبال تهران را مطلوب تلقی و اقدامات متعددی در جهت تقابل خصمانه با ج.ا.ا از جمله بستن حساب تجار، اخراج معلمان مدرسه ایرانیان در العین، کاهش روابط با تهران، تحریک و تشویق امریکا به خروج از برجام و حمله نظامی و... را عملیاتی کرده بود، در چرخشی آشکار، پس از آغاز به کار دولت فعلی در امریکا و آغاز مذاکرات برای احیای برجام، همسو و با تایید و همراهی دولت هژمون و سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، وارد مجموعه ای از تلاش‌های دیپلماتیک با هدف بهبود روابط با تهران شد. در همین راستا بود که مشاور امنیت ملی امارات ضمن سفر به تهران، خواستار تشکیل کارگروه‌های تخصصی برای شناسایی امکان همکاری در حوزه‌های انرژی، حمل و نقل، سلامت و اقتصاد شد و تاکید کرد که این کارگروه‌ها بایستی راه های برداشتن موانع همکاری دو کشور را تعیین کنند. از جمله در نوامبر ۲۰۲۲ کار گروه مشترک ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه ای رسمی بر ایجاد پیوندهای اقتصادی عمیق تر با ایران پس از برداشته شدن تحریم‌های امریکا تاکید کردند.

در تکمیل معماری جدید، تیم سیاست خارجی امارات به سراغ جمهوری ترکیه رفت؛ هر چند از مقطع زمانی بهار عربی، اختلافات ابوظبی - آنکارا برجسته و دو کشور درگیر تنش های سیاسی و نظامی نیابتی در شاخ افریقا و شرق مدیترانه شده بودند تا جایی که حجم تجارت فی‌مابین که در سال ۲۰۱۷ به حدود ۱۵ میلیارد دلار (بالاترین میزان در تاریخ روابط تجاری دو کشور) رسیده بود، در سال ۲۰۲۱ به ۷/۶ میلیارد دلار کاهش یافت، لیکن باز تنظیم و عادی‌سازی روابط کلان با ترکیه مطلوب تلقی و با دیدار سران دو کشور شتاب گرفت تا جایی که اکنون مذاکرات برسر موافقت نامه تجارت آزاد موسوم به موافقت نامه مشارکت اقتصادی جامع در دست اقدام است. از همین رهگذر و با درک منافع حاصل جمع جبری مثبت،... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir



موانع و امکانات روابط روسیه و شورای همکاری خلیج فارس

دکتر سید حسین موسوی

ششمین نشست وزیران شورای همکاری خلیج فارس و روسیه در دهم ژوئن ۲۰۲۳ در مسکو برگزار شد. هدف از این نشست تقویت و توسعه روابط بین روسیه و کشورهای شورای همکاری عنوان شد و طرفین اعلام کردند که بر همکاری در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی متمرکز بوده‌اند. مساله هم سوئی روسیه با شورای همکاری خلیج فارس در موضوع جزایر سه‌گانه مهمترین حاشیه این نشست بود. واکنش جمهوری اسلامی ایران در این باره صریح و روشن بود. برخی از مقامات ایرانی تلویحاً از سادگی روس‌ها سخن گفتند و بر ابدی بودن حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه تاکید کردند. روس‌ها اگرچه تلاش کردند در گفتگو با طرف ایرانی فضا را آرام کنند، اما این برخورد آنان نشان داد آنگاه که مساله منافع در میان باشد، حسن رابطه نیز می‌تواند تحت‌الشعاع منافع قرار گیرد. به نظر می‌رسد روس‌ها نیز همانند چینی‌ها درک درستی از مسائل غرب آسیا ندارند و گمان می‌برند داشتن روابط خوب با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مانع از واکنش تند مقامات کشورمان با چنین اموری باشد. تجربه نشان داده است جمهوری اسلامی ایران چنین موضعی را به خاطر می‌سپارد و به موقع به آن پاسخ مناسب خواهد داد. در این نشست مسائل مهم دیگری نیز مورد توجه بوده است که ذیلاً به آن اشاره می‌شود.

شورای همکاری متشکل از ۶ کشور عربستان، بحرین، امارات متحده، کویت، عمان و قطر است. اگرچه نشست‌های منظمی از سالیان گذشته میان روسیه و اعضای شورای همکاری برگزار شده اما نشست اخیر که با هدف گفتگوهای راهبردی انجام شد، از اهمیت بیشتری برخوردار بود زیرا بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و بهبود روابط عربستان با جمهوری اسلامی ایران، عراق و یمن فضای تازه‌ای را در این

گفتگوها ایجاد کرد. شایان توجه است کشورهای عربی بویژه امارات و عربستان در جنگ اوکراین چندان به تحریم غرب علیه روسیه پایبند نبودند و همچنان به ارتقاء سطح روابط خود با روسیه استمرار بخشیده‌اند. اگرچه از نظر نخبگان سنتی روسیه، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به اردوگاه غرب تعلق دارند و تعهدات استراتژیک آنان با غرب، تعامل روسیه با این کشورها را محدود می‌کند اما کارشناسان موسسه شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه به رهبری ویتالی ناومکین که خود کارشناس کهنه کار روابط روسیه با اعراب است، معتقدند که باید در این دیدگاه تجدید نظر کرد. او در این فرآیند با توجه به شرایط موجود از پرورش نسلی از نخبگان عربی - روسی سخن می‌گوید که فضای تازه‌ای را در روابط با جهان عرب ایجاد خواهند کرد. از سوی دیگر دایره روابط روسیه و خلیج فارس تا کشورهای آسیای مرکزی ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان و حتی آذربایجان امتداد دارد. در همان حال پاکستان و افغانستان را نیز نباید از نظر دور داشت. عربستان، امارات و قطر در این کشورها صاحب نفوذ و منافع هستند. ضمن آنکه پیوندهای مذهبی نیز این کشورها را به هم ارتباط می‌دهد. با توجه به آنکه روسیه در اغلب کشورهای فوق‌الذکر صاحب نفوذ است، مصالح و منافع متعددی روسیه و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. افزون بر آن خلیج فارس در سیاست خارجی و امنیت ملی روسیه همواره جایگاه مهمی داشته و این آبراه می‌تواند راه تنفس روسیه به اقیانوس‌ها باشد. شاید مواضع اخیر روس‌ها در نشست مزبور در ارتباط با جزایر سه‌گانه نظیر چینی‌ها در همین راستا ارزیابی می‌شود.

از سوی دیگر هم سویی جمهوری اسلامی ایران و روسیه در پرونده هسته‌ای، حمایت از انصارالله یمن، همکاری میدانی در سوریه و نیز نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق و همچنین فاصله جمهوری اسلامی از هم پیمانان غرب در خاورمیانه تاکنون موانعی را بر سر راه بهبود روابط کشورهای حاشیه خلیج فارس با روسیه ایجاد می‌کرد. اما با تغییر شرایط و کاهش تنش میان جمهوری اسلامی با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس بنظر می‌رسد از موانع ارتقاء همکاری‌های روسیه و خلیج فارس تا حدودی کاسته شده باشد، همین مساله نیز بر جسارت روسیه در موضع‌گیری اخیر بر سر جزایر سه‌گانه افزوده است.

همچنین در حوزه انرژی، خلیج فارس برای روس‌ها اهمیت زیادی دارد. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در بازار جهانی نفت موقعیت مناسب تری از ایران دارند و روسیه نیز برای اقتصاد ملی خود عمدتاً به فروش نفت متکی است. لذا روسیه ناگزیر است روابط راهبردی خود را با کشورهای حاشیه خلیج فارس به موازات روابط خود با جمهوری اسلامی ایران ارتقا دهد و از حجم بزرگ اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس سهم‌خواهی کند. سیاست کاهش تنش عربستان با دیگر کشورها و به صفر رساندن آن که از سوی بن سلمان اعلام شده است، می‌تواند در مورد روسیه نیز صادق باشد، بنابراین در حالیکه...

دورنمای کردها در سوریه

پس از بازگشت دوباره سوریه به اتحادیه عرب؛

به رسمیت شناخته شدن یا تداوم جنگ فرسایشی و هویتی

به قلم؛ میکائیل سانیار، دانشجوی دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر مهمان در مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه

در اکثر تحلیل‌هایی که در خصوص سوریه ارائه می‌شود، کردها و نقش آنها در مبارزه با تروریسم نادیده انگاشته شده است. اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که هم اینک بخش وسیعی از جغرافیای سوریه (حدود ۳۰ درصد) تحت اداره مدیریت خودگران کردی موسوم به «روژآوا» است؛ لذا توجه به کردها در سوریه به معنای خاموش کردن تعارضات و تقابل‌ها و خصومت صد ساله‌ای است که گه‌گاهی میان دولت‌های سوریه، ترکیه و عراق با کردها وجود داشته است.

یکی از فاکتورهای مهم در نظام بین‌الملل که پس از فروپاشی بلوک شرق ظهور و یا رشد پیدا نمود، ورود هویت‌های فرو و فراملی به معادلات سیاسی دولت‌ها، مناطق و همچنین در سطح جهانی است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، بر طبق پیمان‌های بعد از جنگ جهانی اول، میان قدرت‌های پیروز جنگ، جغرافیای کردها به عنوان بزرگ‌ترین ملت بدون دولت در جهان، در میان کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و بخش‌هایی از ارمنستان تقسیم شد. سرکوب و انکار هویت کردها در ترکیه، عراق و سوریه، به ظهور و تداوم جنبش‌های گریز از مرکز کردها در منطقه انجامیده است. فروپاشی بلوک شرق و ظهور نظم نوین جهانی و توسعه تکنولوژی ارتباطی، این امکان را برای کردها فراهم نمود تا بیش از قبل به رشد و شکوفایی هویت و ناسیونالیسم کردی دست یازند. در طول یک سده گذشته، کردهای سوریه بر این باورند که تحت سیاست‌های انکار حکومت مرکزی قرار گرفته، بطوریکه جمعیت قابل توجهی از آنها، حتی شناسنامه هم نداشته‌اند.



پس از ورود تحولات موسوم به «بهار عربی» به سوریه، این کشور نیز مانند بسیاری از کشورهای عرب دستخوش تحولات بسیاری گشت. آنچه تحولات سوریه را از دیگر کشورهای عرب متمایز می‌ساخت، ورود داعش به صحنه ناآرامی‌ها بود که در اثر آن تغییرات ژئوپلیتیکی رخ

داد. از یکسو داعش مناطق وسیعی را اشغال نمود و از سوی دیگر کردها با سازماندهی زودهنگام توانستند نیروهای اپوزیسیون شورشی سوریه و سپس داعش را از مناطق شان بیرون رانده و بعد نیز تحت حمایت

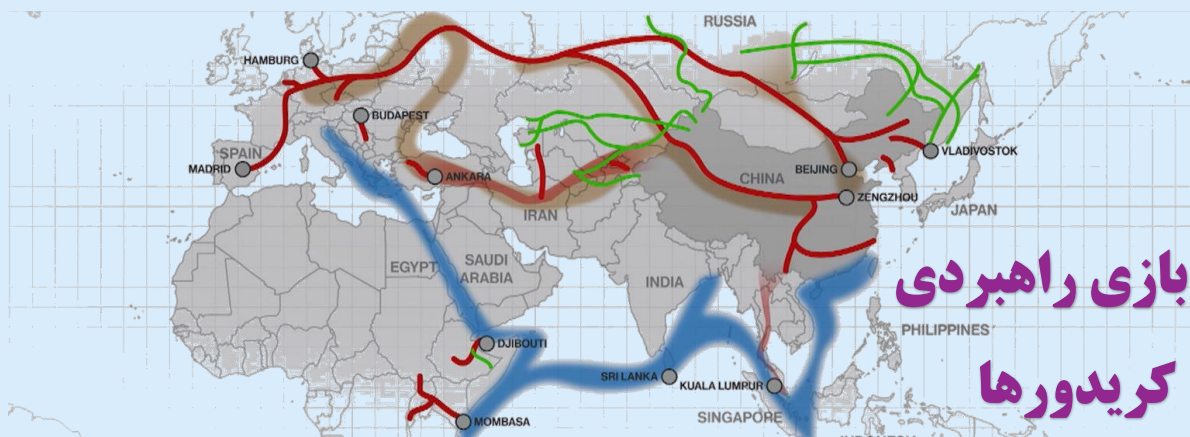
ائتلاف بین‌المللی ضد داعش، توانستند نزدیک به ۳۰ درصد سرزمین سوریه را از نیروهای داعش پاکسازی، حاکمیت دوافکتوی خود را تحت عنوان «مدیریت خودگردان روژآوا» ایجاد نمایند. مبارزه نیروهای کرد دمکراتیک سوریه علیه داعش و حماسه آفرینی در جریان مقاومت شهر کوبانی، آنها را به تیتراژ اول روزنامه‌های جهان تبدیل کرد و در این راستا، کردهای سوریه با بسط ژئوپلیتیکی در مناطق کردنشین سوریه به تقویت مواضع سیاسی و نظامی خود پرداختند.

ناسیونالیسم کردی در سوریه که محصول یک سده خفقان و سرکوب هویت کردها از سوی دمشق بود، همزمان با قدرت‌گیری کردها در اقلیم کردستان عراق و فضای مناسب بین‌المللی که در آن نیروهای نظامی کردها (پیشمرگه) به یکی از تاثیرگذارترین نیروی زمینی ضد تروریسم جهانی تبدیل شده بودند، رشد نمود و کردها در سوریه را بر آن داشت تا بتوانند از موقعیت ایجاد شده، جهت تامین منافع تاریخی شان گام بردارند. در این راستا کنترل منابع مهم نفت و گاز توسط نیروهای کُرد با حمایت آمریکا، آنها را هرچه بیشتر به سمت تمایلات خودمختاری سوق داد. از سوی دیگر حکومت بشار اسد به دلیل وجود جنگ داخلی و همزمان، جنگ با داعش و اختلافات بین‌المللی، توان مقابله و گشودن جبهه‌ای دیگر نداشته و در توافقی نانوشته میان نیروهای دولتی و نیروهای کردی، هر دو در راستای حفظ تمامیت ارضی سوریه که توسط داعش و بعداً ترکیه به خطر افتاده بود، مبارزه کردند. هرچند که مطالبات کردها مبنی بر اعطای خودمختاری سیاسی در چارچوب دولت سوریه از سوی بشار اسد مورد قبول واقع نشده (و در این راستا مذاکراتی هم صورت گرفت)، اما قاعده «دشمن دشمن من، دوست من است» بر روابط میان اداره خودگردان کردها با دمشق حاکم گردید. تهاجم دولت اردوغان به مناطق مهم و استراتژیک منطقه خودگردان کردها و تسلط بر شهرهای مهمی چون عفرین، معادلات سیاسی و ژئوپلیتیکی سوریه را به سمت دیگر منحرف نمود. اینک کردها از یکسو هم باید با داعش و هم با ترکیه و نیروهای شورشی سوریه که تحت امر ترکیه بودند، می‌جنگیدند (که کماکان این جنگ ادامه دارد)، و از سوی دیگر می‌بایست با دولت مرکزی بر سر خواسته‌های سیاسی خود مذاکره‌ای سخت می‌کردند. نشست‌های «آستانه» در ارتباط با وضعیت سوریه کماکان بدون نتیجه ماند. آنچه سبب بی‌نتیجه ماندن این نشست‌ها شد، تمایل دمشق به بازگشت به وضعیت قبل از ۲۰۱۱ بود. اما آنچه که در واقع روی داده بود، چیزی متفاوت از چنین تمایلاتی بود. حضور نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا از یکسو و سیاست متفاوت‌هایی چون روسیه، ترکیه و ایران از سوی دیگر، کلیه نشست‌های بین‌المللی در خصوص بهبود وضعیت سوریه را با بن بست مواجه می‌نمود؛ چرا که این دولت‌ها سیاست‌های متعارضی را در سوریه دنبال می‌کردند.

بازگشت سوریه به اتحادیه عرب

سقوط پایتخت خودخوانده داعش (رقه) توسط نیروهای ائتلاف و کردها، و همچنین تقویت موقعیت

سیاسی و نظامی دمشق در داخل و... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.cmess.ir



دکتر سید حسین موسوی

در حاشیه اجلاس سران گروه بیست در دهلی نو از یک کلان پروژه بین‌المللی رو نمایی شد، طرح یک گذرگاه اقتصادی که هند را در مقام یک تولید کننده کالا و وارد کننده انرژی به خاورمیانه و سپس به اروپا متصل می‌کند، پروژه‌ای که بنادر دریایی هند را از طریق شبه جزیره عربستان و احتمالاً اردن و اسرائیل به بنادر اروپایی در یونان، ایتالیا، فرانسه و هلند پیوند خواهد داد. بر اساس نقشه‌ای که نخست وزیر اسرائیل ذوق زده آن را به نمایش گذاشت، احتمالاً بندر حیفا در اسرائیل نیز سر پل اتصال خاورمیانه به اروپا خواهد شد. کشورهایی که یادداشت تفاهم این گذرگاه را در دهلی نو زیر نظر جو بایدن رئیس جمهور آمریکا امضا کردند عبارت بودند از ایالات متحده آمریکا، هند، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ایتالیا، آلمان، فرانسه و نماینده‌ای از اتحادیه اروپا. این طرح که از سوی بایدن اعلام شد بدون اشاره به رقابتی که غرب با چین بر سر طرح عظیم «یک راه یک کمر بند» دارد، به عنوان یک اقدام تاریخی تلقی شد. روشن است که این کریدور واکنشی هندی - غربی در تقابل با پروژه چین است. کشور چین فقط در پاکستان برای گشودن این کریدور از مرزهای چین به بندر گوادر در پاکستان ۵۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است تا از طریق خاورمیانه غربی راهی به اروپا باز کند.

گذرگاه هندی - غربی به گفته کارشناسان شامل توسعه شبکه‌ای از بنادر در خاورمیانه و اروپا، راه آهن و جاده، خطوط انتقال برق و کابل‌های انتقال داده‌ای دیجیتالی و نیز هیدروژن خواهد بود. مودی نخست وزیر هند پس از پایان نشست سران کشورهای عضو گروه ۲۰ به محمد بن سلمان ولیعهد عربستان گفت: «ما با هم شروعی تاریخی را با ایجاد یک کریدور اقتصادی رقم زده‌ایم. وی افزود؛ این کریدور نه تنها دو کشور هند و عربستان را به هم متصل می‌کند، بلکه همکاری اقتصادی و اتصال دیجیتالی بین آسیا، خاورمیانه و اروپا را ممکن می‌سازد.» رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا نیز از آن به عنوان پل سبز و دیجیتالی بین قاره‌ها و تمدن‌ها یاد کرد. ظاهراً در این طرح ایجاد یک شبکه حمل هیدروژن از دبی در امارات و جده در عربستان به بندر اسرائیلی حیفا و سپس انتقال آن به بنادر اروپایی نیز پیش بینی شده است. ماکرون هم ابراز امیدواری کرده است که بندر مارسی در فرانسه بتواند سر پل این پروژه در اروپا باشد، به همین خاطر نیز در اظهاراتش تخصص شرکت‌های فرانسوی در زمینه حمل و نقل و انرژی را به رخ کشیده

است. شایان ذکر است که هند شریک اول تجاری امارات و یکی از مهم‌ترین شرکای عربستان است که در سال گذشته میلادی حجم مبادلات تجاری آن با عربستان ۴۲/۸ میلیارد دلار بوده است. البته روابط تجاری چین و عربستان نیز در حد بالایی است، در سال ۲۰۲۲ میلادی حجم این روابط بالغ بر ۶۵ میلیارد دلار بوده است، این در حالی است که چین بزرگترین خریدار نفت خام از عربستان است. در هر حال به نظر می‌رسد شبه جزیره عربستان برای تجارت شرق آسیا، اروپا و آفریقا اهمیت زیادی پیدا کرده است. دو روز پیش از اعلام طرح از سوی بایدن، سخنگوی وزارت خارجه چین اعلام کرده بود، به زودی در ماه اکتبر حدود ۹۰ کشور در سومین کنفرانس ابتکار «یک راه یک کمربند» چین در پکن شرکت خواهند کرد.

ظاهراً عدم شرکت شی جین پینگ در کنفرانس سران ۲۰ هم به رقابت پنهان موجود مرتبط دانسته شده است. چین و هند به عنوان دو تولیدکننده قدرتمند آسیایی در تلاش هستند گوی رقابت را در رسیدن به قاره سبز سریع‌تر از دیگری از آن خود کنند و به همین خاطر در پس پرده نیز رقابت‌های سخت، پیچیده و گاه غیر مستقیم در جریان است. مثلاً همان گونه که چینی‌ها برای افزایش امنیت کریدور مورد نظر خود توانستند عربستان و ایران را به هم نزدیک کنند، گفته می‌شود هندی‌ها نیز تلاش فراوانی برای رفع کدورت‌های میان عربستان و آمریکا انجام داده‌اند تا عربستان را به این طرح متمایل کنند. اگر چه دوستان عرب عربستان نظیر عراق و مصر از این طرح ابراز ناخشنودی کرده و گفته‌اند قرار بوده است عربستان ما را در کریدور اروپایی شریک کند و نه آنکه ما را دور بزند و از طریق اسرائیل راه باز کند. بن سلمان در پاسخ به این نارضایتی‌ها گفته است که موضوع همچنان در دست بررسی است. ظاهراً عربستان همچنان نسبت به دو گزینه کریدور چینی و هندی تصمیم قاطعی برای انتخاب و ترجیح یکی بر دیگری نگرفته است.

نتانیاهو خود را شریک اصلی این طرح می‌داند. او اظهار کرده است که بارانداز اصلی این کریدور به اروپا، اسرائیل خواهد بود. او امضای این یادداشت تفاهم را نشانه‌ای از خاورمیانه جدید دانسته است. نتانیاهو گفته است ماه‌ها قبل آمریکا برای مشارکت در این پروژه از اسرائیل دعوت کرده و او از آن زمان تا کنون تماس‌های دیپلماتیک گسترده‌ای برای بازاریابی بندر حیفا داشته است. او این طرح را بزرگترین همکاری در تاریخ اسرائیل می‌خواند. همچنان که ذکر شد آمریکا برای آنکه اسرائیل را در این پروژه مشارکت دهد و چین را از سر راه دور کند، فشارهای زیادی را بر عربستان و نیز پاکستان وارد کرده است. پاکستانی‌ها می‌گویند آمریکا به صورت غیر مستقیم صندوق بین‌المللی پول را وادار کرده است که از طریق فشار در پرداخت بدهی‌ها، پاکستان را از ابتکار گذرگاه چینی خارج کند.

نخست وزیر ایتالیا نیز اعلام کرد از آنجا که در این کریدور نقش مقصد را دارد، از ابتکار «یک کمربند



در داووس چین ۲۰۲۳ چه گذشت؟

به قلم؛ محمود سریع القلم

طی چهار روز از پنجم تا هشتم تیر ماه ۱۴۰۲، حدود ۱۵۰۰ نفر از ۹۰ کشور در چین گرد هم آمدند تا آخرین تحولات اقتصادی و ژئوپلیتیکی جهان را بررسی کنند. این اجلاس به ابتکار داوس و با میزبانی چین برگزار گردید. در این چهار روز، ۱۲۰ میزگرد تشکیل شد و متخصصین از غرب و شرق، دیدگاه‌ها و دستاوردهای علمی خود را با دیگران در میان گذاشتند. بنظر می‌رسد موضوعات کلی این ۱۲۰ میزگرد را به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد:



۱. تنظیم استراتژی‌های اقتصادی در دوره بعد از کرونا
۲. فرایندهای جدید برای انتقال به انرژی‌های تجدید پذیر
۳. روش‌های حفاظت از محیط زیست
۴. ماهیت بازار و مصرف‌کنندگان بعد از کرونا
۵. افزایش جایگاه نوآوری و هوش مصنوعی در مدیریت و تولید اقتصادی
۶. جایگاه چین در جهان
۷. پی‌آمدهای ژئوپلیتیک بر رشد و توسعه اقتصادی

در ابتدای اجلاس و شاید جذاب‌ترین سخنرانی، ارائه نخست وزیر چین Li Qiang بود. حس می‌شد سخنرانی نخست وزیر چین را شاید تیمی بیست نفره از اقتصاددانان، سیاست‌ورزان و استراتژیست‌ها تهیه و تنظیم کرده بودند. واژه‌های دقیق، جمله‌بندی‌های حساب شده، قالب روشن و علمی و متن مملو از جهت‌گیری و پیغام بود. مانند هر سیاست‌مدار حرفه‌ای دیگر در سطح جهان، سخنرانی پر از آمار و ارقام بود زیرا دقت و تمرکز و فاصله گرفتن از ابهام تنها با آمار امکان پذیر است. نخست وزیر چین بر کار جمعی، رقابت مسالمت‌آمیز، گسترش حجم اقتصاد جهانی، ثبات سیاسی، نظام بازار و سرمایه‌داری، تداوم تماس و معاشرت میان قدرت‌های بزرگ، تأکید بر محوریت شرکت‌ها، جلوگیری از سوءتفاهم، بازی برد-برد اقتصادی و سیاسی، اجماع‌سازی سیاسی و ژئوپلیتیک، ایدئولوژی‌زدایی از روابط اقتصادی بین‌الملل و پذیرش یک سیستم جهانی سرمایه‌داری اقتصادی با تنوعات تمدنی تأکید نمود. او مفهوم De-risking (ریسک‌زدایی) که غربی‌ها به جای De-coupling (جدایی‌سازی اقتصاد از چین) استفاده

می کنند را نادرست خطاب کرد و تنیده شدن نظام های اقتصادی را غیر قابل بازگشت تفسیر کرد. آقای Li چین را، موتور اقتصاد جهانی خواند و نرخ رشد اقتصادی این کشور را ۶,۴ که ۲,۵ درصد بالای متوسط جهانی است اعلام نمود. زبان بدن او سرشار از اعتماد به نفس بود. کلمات و جملات او را نیز می توان معرف اجماع نظر میان حاکمان، دانشمندان، متخصصان و بخش خصوصی چین تفسیر کرد. از جمله مباحث کانونی در طول کنفرانس، دیجیتالی شدن نظام های اقتصادی به ویژه اقتصاد آمریکا، چین، کره جنوبی و عربستان بود. در حال حاضر، ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی چین از طریق اقتصاد دیجیتال است. با توجه به اینکه بخش خصوصی در عموم کشورها به جز روسیه، بلاروس، کره شمالی، ونزوئلا، کوبا و نیکاراگوئه، بر فعالیت های اقتصادی حاکم هستند، به طور طبیعی در پی کاهش هزینه ها، اتوماسیون، و اتکا بر نرم افزارها در تمامی فرایندهای فعالیت و تولید اقتصادی هستند. پخش زنده تبلیغات و بازاریابی کالا و خدمات در چین بالغ بر ۷۲۰ میلیارد دلار است و به تجارت الکترونیک رونق گسترده ای بخشیده است. از طرف دیگر، شرکت کنندگان در میزگردهایی پیرامون پول و ارز دیجیتال، به تحول در امر بانکداری پرداختند و اثرات آن را بر رفتار مصرف کنندگان و نحوه زندگی آینده آنها مورد بررسی قرار دادند.

از مباحث کانونی دیگر کنفرانس، انتقال به انرژی های غیر فسیلی به ویژه در اقتصادهای برتر جهان بود. اروپا و آمریکا در این هدف پیشرو هستند و طیفی از مشوق های مالیاتی و بانکی برای تحقق این امر به صورت قانونی اختصاص داده اند. در سال ۲۰۲۱، معادل ۱,۸ تریلیون دلار کالاهای تولید شده از انرژی های غیر فسیلی حاکی از تحرک جدی در این مسیر است. بزرگترین چالش در هدف «کربن صفر Net Zero» در صنعت حل و نقل و به ویژه در کشتیرانی است. چینی ها و اروپایی ها با سرمایه گذاری بر سوخت هیدروژنی، قدم های جدی در این مسیر برداشته اند. سرمایه گذاری در انرژی خورشیدی و کاهش شگفت انگیز هزینه های تولید انرژی خورشیدی از جمله تحولات جدی صنعت و انرژی در دهه آینده است. حتی عربستان و دیگر کشورهای عربی عضو اوپک در این راستا برنامه های گسترده ای را آغاز کرده اند. رقابت شدیدی نیز در میان شرکت های متوسط و بزرگ برای سوق دادن کار و تولید به سوی انرژی های غیر فسیلی در جریان است.

حفاظت از محیط زیست از جمله اقدامات استراتژیک کشورهای ثروتمند و صاحب توان مالی برای حفظ موقعیت و موجودیت خود از یک طرف و زندگی معقول برای شهروندان خود از طرف دیگر است. در هر دقیقه به اندازه ۲۷ زمین فوتبال، در جهان جنگل زدایی می شود. آمریکا، چین، اروپا، ژاپن، استرالیا و کره جنوبی از یک طرف و اندونزی، مالزی، برزیل و آفریقای جنوبی از طرف دیگر، طرح های جامعی برای حفاظت از محیط زیست، نگهداری از خاک و تداوم حفظ طبیعت در دست اجرا دارند. گستردگی هوش مصنوعی به ویژه در آموزش و بهداشت نیز بحث میزگردهای متعددی را به خود اختصاص داد. از جمله... ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.

www.cmess.ir

گزارش داوس ۲۰۲۴

دکتر محمود سریع القلم؛

استاد دانشگاه شهید بهشتی و

رییس اسبق پژوهشکده مطالعات

استراتژیک خاورمیانه

مجمع جهانی اقتصاد، اجلاس سالانه خود را برای پنجاه و چهارمین بار در شهر داوس سوئیس طی روزهای ۱۵ تا ۱۹ ژانویه (۲۵ - ۲۹ دی ماه) برگزار کرد. در این اجلاس، ۲۸۱۲

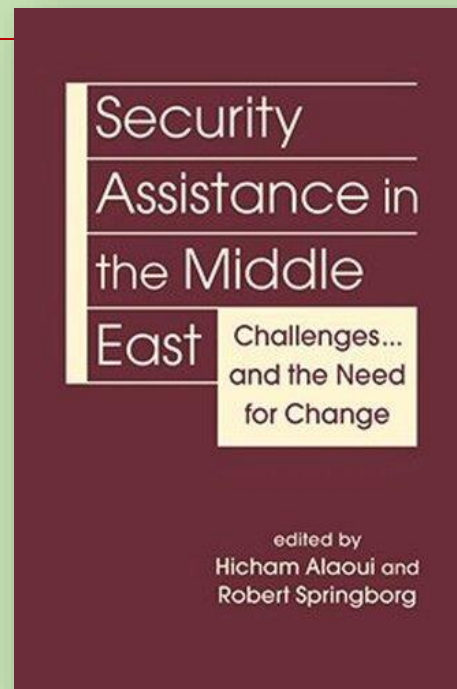
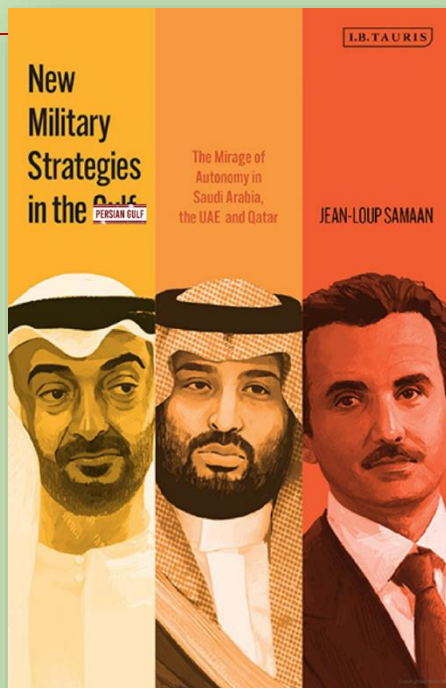
شرکت کننده، ۸۹۹ سخنران، ۱۴۴۸ سازمان و بنگاه، ۳۵۰ مقام دولتی از ۱۲۵ کشور شرکت کردند و ۴۵۰ جلسه/میزگرد برگزار شد. حدود ۷۵۰ نفر از شرکت کنندگان از آمریکا بودند. کشورهای بعدی از نظر تعداد بالای شرکت کننده عبارت بودند از: انگلستان، سوئیس، هند، عربستان، امارات، چین، آلمان و هلند. خارج از جهان غرب، هند و عربستان حضوری پررنگ داشتند و در سخنرانان آنها انرژی، امید، حس تعلق قوی به کشور، تسلط بر موضوعات و اعتماد به نفس موج می‌زد. با توجه به اقدامات دولت بایدن طی سالهای ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ که محدودیت



کردند. در میان رهبران جهان شاید سخنان عمومی و خصوصی نخست وزیر ویتنام بسیاری را تحت تاثیر قرار داد. او گفت که کشورش تاریخ سختی را با آمریکا و چین تجربه کرده ولی در دهه ۱۹۹۰ هیئت حاکمه آن کشور وضعیت زندگی، منافع ملی و ثروتمند شدن ویتنام را بر تسویه حساب تاریخی با قدرت‌های بزرگ ترجیح داد. ویتنام امروز با هیچ قدرتی توافق نظامی ندارد.

ادامه این مطلب را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید. www.emess.ir

هایی برای سرمایه آمریکا در چین ایجاد کرده است، چینی‌ها در سخنرانی‌ها و اظهارات خود تلاش می‌کردند جهان را برای کار و فعالیت در کشور خود تشویق کنند. در اجلاس ۲۰۲۴، حتی یک نفر از داخل روسیه دعوت نشده بود و فضای در اجلاس ۲۰۲۴، حتی یک نفر از داخل روسیه دعوت نشده بود و فضای جلسات به شدت ضد روس بود. وقتی سخنرانی زلنسکی رئیس جمهور اوکراین پایان یافت، حضار بالغ بر ۲۰۰۰ نفر برای ۶ دقیقه به طور ایستاده برای او که سخنان تندی علیه روسیه و رئیس جمهور آن ایراد کرده بود، دست زده و تشویق



به قلم؛ شهاب دلیلی

عنوان کتاب؛

استراتژی‌های جدید نظامی در خلیج فارس

در یک دهه گذشته حاکمان کشورهای عربی خلیج فارس به منظور رسیدن به استقلال استراتژیک به دنبال فاصله گرفتن از آمریکا و مجموعه غرب بوده اند؛ کارشناسان به این تصمیم آنها لقب «تکانه خلیج فارس» (Persian Gulf moment) را داده‌اند. ژان لوپ سامان به عنوان پژوهشگر ارشد موسسه خاورمیانه در دانشگاه ملی سنگاپور در تازه‌ترین کتاب خود با عنوان «استراتژی‌های جدید نظامی در خلیج فارس» (۲۰۲۳) به این تکانه نگاهی انتقادی داشته و ابعاد نظامی این تصمیم را واریسی کرده است. نویسنده در پیشگفتار به سرگذشت یک دهه اخیر خود اشاره می‌کند. او در یک دهه گذشته به عنوان... **الباقی این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.**

عنوان کتاب؛

کمک‌های امنیتی به خلیج فارس

هشام علوئی به همراه رابرت اسپرینگبورگ در ۶ فوریه ۲۰۲۰ مقاله‌ای تحت عنوان «کمک‌های امنیتی در خاورمیانه: صفحه شطرنج سه بعدی» را در مرکز خاورمیانه‌ای موسسه کارنگی انتشار دادند. بعدتر نویسندگان ایده اصلی مقاله خود را در کتابی با عنوان «کمک‌های امنیتی در خلیج فارس؛ چالش‌ها و تغییرات مورد نیاز» (۲۰۲۳) از سوی انتشارات لین لینر منتشر کردند. نویسندگان با ارجاع به جمله بقراط که می‌گوید «ضرر نرسانید تا امنیت داشته باشید» تحلیل خود را آغاز می‌کنند. به عقیده علوئی و اسپرینگبورگ شواهد گویای آن است که کمک‌های امنیتی به خاورمیانه نه راه حل بلکه خود بخشی از مشکل ناامنی این منطقه است. تقریباً تمامی شاخص‌ها از بودجه نظامی، تعداد نظامیان، کشتگان و آوارگان ناشی از... **الباقی این متن را در سایت مرکز مطالعه بفرمایید.**



و آینده جغرافیای اقتصادی خاورمیانه

سید حسین موسوی

در دوم ژوئن ۲۰۲۳ «امیلی میلیکن» تحلیلگر ارشد مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا و «جورجیو کافایرو» مدیر عامل تحلیل کشورهای خلیج فارس **Gulf State Analysis** که در امور ریسک ژئوپلیتیکی تحلیل ارائه می‌کنند، مقاله‌ای را منتشر کردند تحت عنوان «مصر و ایران: به سوی نزدیکی» که در آن تاکید کردند تنش زدایی بین دو کشور پرجمعیت خاورمیانه از یک الگوی منطقه‌ای و دیپلماسی جدید پیروی می‌کند. در مقاله آنان آمده است در گذشته تلاش‌های زیادی برای عادی سازی روابط بین مصر و ایران صورت گرفته است، اما همه آنها به دلایل مختلفی شکست خورده‌اند ولی این بار تفاوت دارد و منافع و مصالح گوناگونی در پس این عادی سازی وجود دارد. بنظر می‌رسد راز عادی سازی روابط دو کشور پس چهار دهه قطع ارتباط در همان تغییرات جدید در جغرافیای راهبردی منطقه است که نویسندگان مقاله از آن به عنوان الگوی منطقه‌ای یاد کرده‌اند که از بهبود روابط ریاض و تهران آغاز شد و به تدریج کشورهای دیگر منطقه بدان پیوستند و آخرین آن از این دست، بهبود روابط مصر و ترکیه است که پس از تیرگی طولانی روابط که از بهار عربی و برکناری محمد مرسی شروع شد، اینک گویا دوره‌ای از کاهش تنش میان اردوغان و السیسی نیز آغاز شده باشد.

خلیل العناین محقق ارشد مرکز عربی در واشنگتن می‌نویسد، کاهش تنش بین عربستان و ایران پیشران این همگرایی‌های منطقه‌ای است و تنش زدایی بین ایران و عربستان در سراسر منطقه طنین انداز شده و فضای بی‌سابقه‌ای از خوش‌بینی را ایجاد کرده است. اگر ریاض بتواند روابط خود را با تهران واقعا عادی کند، دلیلی وجود ندارد که سایر کشورهای عربی از جمله مصر از آن پیروی نکنند. نباید فراموش کرد مصر و ایران روابط مستحکمی با روسیه و چین دارند. از سوی دیگر تلاشهای سلطان هشتم پادشاه عمان را نیز نباید از نظر دور داشت. سفرهای او برای نزدیک کردن دو کشور چشم اندازی را برای دستاوردهای دیپلماتیک ایجاد کرد. عمان این بار نیز نقش میانجی‌گری خود را به خوبی ایفا کردند. بنظر می‌رسد کشورهای خاورمیانه به خوبی دریافته‌اند که آمریکا دیگر در موقعیتی نیست که بتواند سلطه یک جانبه خود را در منطقه اعمال کند. شاید یکی از دلایل شکوفایی دیپلماسی در منطقه همین باشد.

مصر در تازه ترین اقدام خود توسط «کامل الوزیر» وزیر حمل و نقل این کشور از پروژه کریدور عراق - اردن و مصر تحت عنوان «خط تجارت عربی» رونمایی کرد. در صورت اجرایی شدن، این پروژه کریدوری برای انتقال کالا از شرق آسیا به خلیج فارس، عراق و اردن و سرانجام از طریق طابا و صحرای سینا به بندر العریش و پورت سعید در مصر خواهد بود که شرق آسیا را به اروپا متصل می‌کند. «الوزیر» مدعی شد که عراقی‌ها با انصراف از مسیر ترکیه، خواستار مشارکت در کریدور «تجارت غربی» شده‌اند. ظاهرا نیز پروتکل این همکاری با وزرای حمل و نقل اردن و عراق امضاء شده است. بنظر می‌رسد نقشه‌های

جدیدی برای ایجاد شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای و نیز توسعه بنادر در غرب آسیا و دریای مدیترانه در حال شکل‌گیری است که با ارائه گزینه‌های مختلف کشورهای منطقه تلاش دارند سهمی از این چرخه اقتصاد جهانی آسیا به اروپا، آمریکا و آفریقا را دریافت کنند. در اینکه سرانجام کدام مسیرها طرح عظیم «یک کمربند، یک جاده» چین را ایجاد خواهد کرد، بستگی به میزان سرمایه‌گذاری‌ها دارد. با توجه به آنکه مصر از بحران اقتصادی شدیدی رنج می‌برد و پروژه‌هایی از این نوع که عمدتاً پیمانکاران آن ارتش مصر هستند، با فقدان منابع مالی روبرو هستند. شاید زود باشد که نسبت به سرنوشت این مسیر ارزیابی خوش-بینانه داشت، زیرا مصر به عنوان یک کشور عربی-آفریقایی با بحران‌های بالقوه و بالفعل بسیاری مواجه است. امنیت ملی و جغرافیای سیاسی مصر در دواير متعددی با چالش روبروست. دریای مدیترانه و مسأله انرژی، دریای سرخ و مسأله امنیت ملی و امنیت دریایی، خلیج فارس و رقابت آن با کانال سوئز در انتقال کالا به دریای مدیترانه، رود نیل و سد نهضت که امتداد آن به شاخ آفریقا، سودان، اتیوپی، سومالی، اوگاندا، کنگو، کنیا و نیجریه نیز می‌رسد. مسأله رژیم صهیونیستی و مقاومت جهاد اسلامی و حماس، مسأله لیبی که همه این مسائل تنها بخشی از چالش‌های مصر هستند، که بحران اقتصادی داخلی و بدهی ۱۶۵ میلیارد دلاری این کشور را نیز باید بدان افزود.

عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر برای رهایی از مشکلات متعدد، سیاست خارجی فعالی را در پیش گرفته است و با حضور در کنفرانس‌های مختلف نظیر کشورهای عضو «بریکس»، کنفرانس سران عرب و چین در عربستان، کنفرانس کشورهای عرب در امارات در سال ۲۰۲۳ و کنفرانس‌های آمریکایی-آفریقایی می‌کوشد، جایگاه مصر را بهبود بخشد، ضمن آنکه روابط نزدیکی با روسیه و چین نیز برقرار کرده است. او با اذعان به وجود چالش‌های متعدد داخلی و خارجی در مصر شعاری را دائماً تکرار می‌کند که «این چالش‌ها هستند که فرصت‌ها را می‌سازند».

یکی دیگر از مهمترین عوامل تحرکات مربوط به کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا دیپلماسی توسعه‌ای چین است که جان تازه‌ای در همگرایی‌های منطقه‌ای و کاهش تنش‌ها در میان کشورهای خاورمیانه دمیده است. دیپلماسی توسعه چین نسبت به هم‌نای غربی خود، گفتمان متکبرانه کمتری دارد زیرا بر ایده سود متقابل و اصول عدم مداخله در امور داخلی کشور وام‌گیرنده و سرمایه‌پذیر متمرکز است. اگرچه گزارش‌های خوشایندی از کشورهای آفریقایی که از چین وام گرفته‌اند به گوش نمی‌رسد، لذا نمی‌توان ادعا کرد که دیپلماسی توسعه چین کاملاً خیرخواهانه و اخلاقی است یا به رویکرد واقع‌گرایانه‌ای که هدف آن دستیابی به منافع بیشتر است تعلق ندارد، اما در مقایسه با الگوی وام‌دهی و سرمایه‌گذاری‌های غرب از موقعیت بهتری برخوردار است. البته چین متهم است با دادن وام‌های فراتر از توان کشورهای گیرنده وام برای آنان در بازپرداخت بدهی‌های خود، «تله بدهی» ایجاد می‌کند.

غربی‌ها چین را متهم می‌کنند که تبادلات اقتصادی این کشور با کشورهای در حال توسعه دارای درجه بالایی از رازداری، عدم شفافیت و عدم پاسخگویی است. علی‌رغم آنکه مدل چینی با انتقادات فراوانی از سوی غرب مواجه شده است، اما از آنجا که بسیاری از پروژه‌ها که چین منابع مالی آن را تأمین می‌کند،